

معلم ۷

رشد

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی



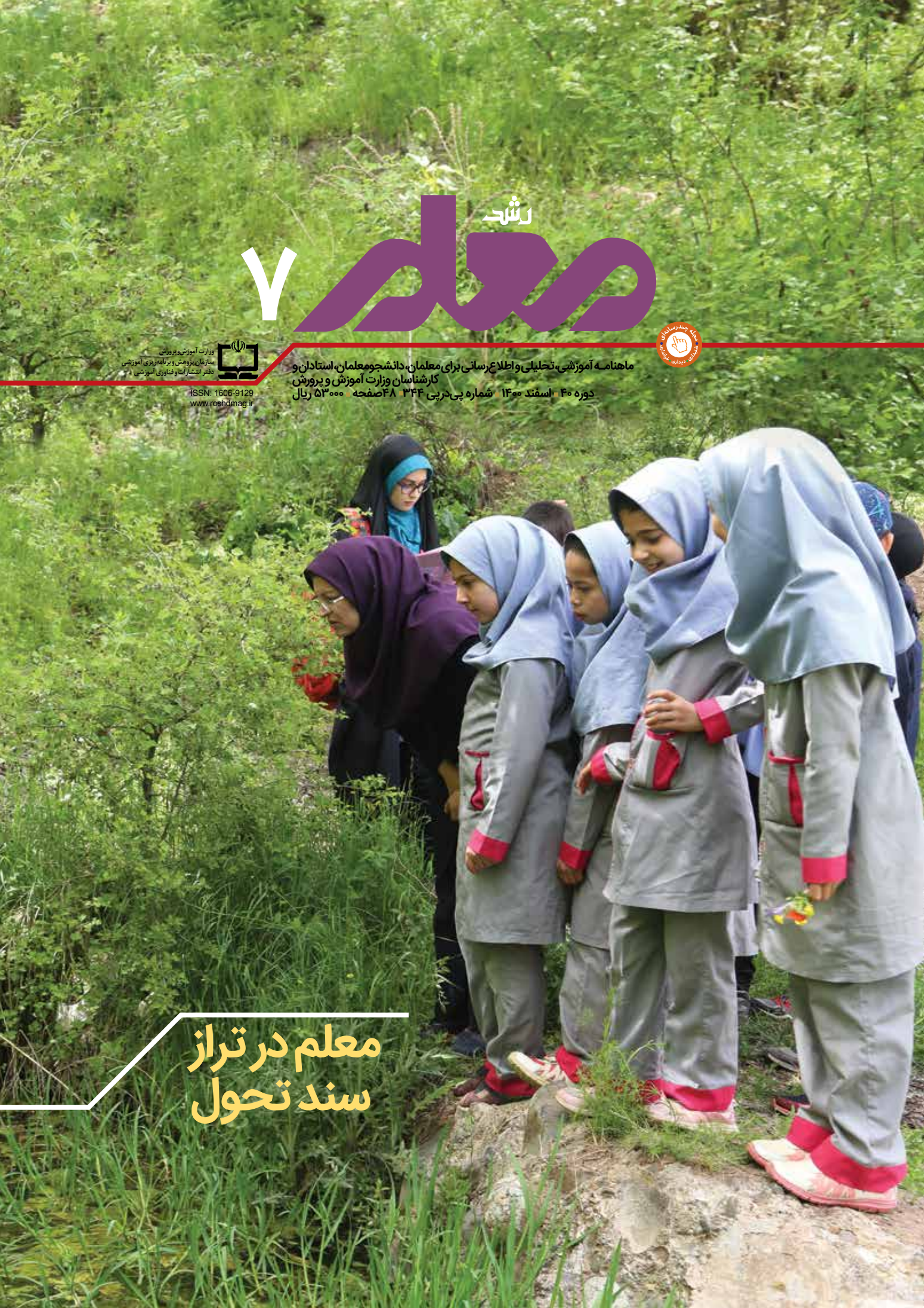
ISSN: 1608-9129
www.roshdmag.ir

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای معلمان، دانشجو معلمان، استادان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش

دوره ۴۰ اسفند ۱۴۰۰ شماره پیاپی ۳۴۴ ۴۸ صفحه ۵۳۰۰۰ ریال



معلم در تراز
سند تحول





ماهانامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای معلمان، دانشجومعلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره ۴۰ / شماره پی‌درپی ۳۴۵ / فروردین ۱۴۰۱

مدیرمسئول: محمد صالح مدنی
سردبیر: دکتر عظیم محبی
شورای برنامه‌ریزی:
احمد اسمعیلی
دکتر محمود تلخایی
روح‌الله رضاعلی
اکبر شیرزادی
اشرف فاطمی
خلیل جوادیار
مدیر داخلی: الهام فراستی
ویراستار: کبری محمودی
مدیر هنری: کوروش پارسا نژاد
طراح گرافیک: سید حامد الحسینی
دبیر عکس: اعظم لاریجانی

نشانی دفتر مجله:

تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۷۰

صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۶

تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۲

نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸

پیامک: ۰۳۰۰۰۸۹۹۵۲۰

roshdmag

وبگاه: www.roshdmag.ir

رایانامه: Email: moallem@roshdmag.ir

نشانی امور مشتریان:

تهران، صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱

امور مشتریان:

۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸

پیام‌نگار: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۳

چاپ و توزیع: شرکت افست

عکس جلد: اعظم لاریجانی

سال نو، حال نو □ دکتر عظیم محبی ۲

ماه نو □ زهرا نظام‌الدینی ۴

مراقب رشد کاریکاتوری باشیم □ گفت‌وگو با دکتر الهام یآوری ۶

بهارانه □ شهلا اسدی ۹

تربیت کارآفرینانه □ دکتر عظیم محبی ۱۰

خود را صفر کنیم □ شهلا فهیمی ۱۴

مدیریت اجرایی مغز □ زهره فتحی، محدثه کشاورز اصلانی ۱۶

صلاحیت معلمی □ دکتر منیره رضایی ۱۸

توسعه حرفه‌ای معلمان □ ائلدار محمدزاده صدیق ۲۰

تجربه زبانی □ منیژه حسینی ۲۳

گام دوم معلمی □ سارا ابراهیمی ۲۴

نقش بوم □ زهرا مرادی ۲۶

سفرهای برای هر ذائقه □ منصور ملک عباسی ۲۹

رشد برای معلمان فیلم‌ساز □ گفت‌وگو با روح‌الله مالمیر ۳۰

نقشه ذهنی □ دکتر مرتضی سمیعی، بهناز مقدم ۳۲

هوش‌های چند گانه در تولید محتوای الکترونیکی □ حامد عباسی ۳۵

جدیت در تربیت معلم □ هوشنگ غلامی ۳۸

چشم در چشم دنیا □ اعظم لاریجانی ۴۰

هم‌زیستی بالنده با کرونا □ دکتر عبدالعظیم کریمی ۴۲

خودکار آمدند؟ □ مهکامه حسینی، فاطمه سلیمانی نعمتی ۴۴

معرفی کتاب □ ۴۷



برای اشتراک مجلات رشد
اسکن کنید

قابل توجه نویسندگان و مترجمان

مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشند. مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن‌ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. حجم مطالب ارسالی حداکثر ۱۰۰۰ کلمه باشد. نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. محل قراردادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. شماره تماس و نشانی الکترونیکی نویسنده حتماً نوشته شود. مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. آرای مندرج در مقاله‌ها ضرورتاً مبین نظر دفتر انتشارات و فناوری آموزشی نیست و مسئولیت پاسخگویی به پرسش‌های خوانندگان، با خود نویسنده یا مترجم است.

سال نو حال نو

دکتر عظیم محبی

منطقی از محیط طبیعی و فرهنگی داشته باشند؟ آیا زمینه را فراهم کرده‌ایم تا ارتباط مطالب کتاب‌های درسی با موقعیت‌های طبیعی و فرهنگی فراهم شود؟

- بر اساس این بازبینی، آیا به خودنوسازی فکر می‌کنیم؟ بر اساس این خودنوسازی، برای تربیت دانش‌آموزان چه طرح و برنامه‌ای داریم؟ آیا ویژگی‌های نسل جدید ذهن شما را به خود مشغول کرده‌اند؟ کدام یک از مهارت‌های مورد نیاز دانش‌آموزان و تا چه میزان، ذهن شما را به خود مشغول کرده‌اند:

- سواد دیجیتال
- تفکر خلاق و نقاد
- نگرش کارآفرینانه
- نگرش بین فرهنگی و میان‌رشته‌ای
- مهارت‌های ارتباطی مؤثر
- گشاده‌رویی نسبت به تغییرات
- خود مدیریتی

سال نو فرصتی است برای بازبینی، بازاندیشی و بازآفرینی در نحوه ارتباط با چهار موقعیت خود، خدا، خلق و خلقت. بازبینی یعنی تأملی بر گذشته و تحلیل این چهار رابطه. در سالی که گذشت، تا چه میزان توانستیم رابطه خود را با محوریت فراموقعیت، اجتماع و طبیعت معنا بخشیم؟ آیا در محیط کار، ارتباط و تعامل سازنده‌ای با همکاران داشته‌ایم؟ آیا وظایف خود را به درستی انجام داده‌ایم؟ آیا زمینه‌ای فراهم کرده‌ایم تا دانش‌آموزان ظرفیت‌های خود را به درستی بشناسند و با کسب مهارت‌های لازم مسیر رشد خود را با محوریت خداوند طی کنند؟ آیا زمینه‌ای فراهم کرده‌ایم تا دانش‌آموزان درکی



تربیت را بر اساس چرخش‌های تحولی گفته‌شده زمینه‌سازی و نهادینه کنند، می‌توان انتظار داشت مراتبی از حیات طیبه تحقق پیدا کرده است. حیات طیبه وضع مطلوب زندگی بر اساس نظام معیار اسلامی است که با انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری در همین زندگی دنیایی و در جهت تعالی آن، از سوی خداوند به انسان اعطا می‌شود و تحقق آن، دستیابی به غایت اصیل زندگی انسان یعنی قرب الهی را در پی خواهد داشت.

حیات طیبه مفهومی یکپارچه است که همه ابعاد فردی و اجتماعی زندگی انسان را در بر می‌گیرد. به لحاظ فردی، به مصادیق خیر، حکمت، قدرت، زیبایی و فضیلت (قوت، سلامت، عزت، علم، ایمان، عمل صالح، حلم، اعتدال، تقوا، عفت، شجاعت و صبر) آراسته می‌شود و از بعد اجتماعی شامل مفاهیمی چون تعاون، نیکوکاری، احسان و رأفت، اخوت، استقلال، شورا، عقل جمعی و اتحاد اجتماعی است (مبانی نظری سند تحول، ۱۳۹۰: ۹۶-۹۲).

حیات طیبه مشتمل بر سلسله مراتبی از ارزش‌هاست که نه تنها همه آن‌ها به لحاظ اهمیت و اولویت تحقق در یک سطح و مرتبه نیستند، بلکه پذیرش و التزام نسبت به برخی از ارزش‌های اساسی این نظام معیار، به شناخت و انتخاب دین حق نیز متوقف نیست. لذا شکل‌گیری این نوع زندگی در ابعاد گوناگون مراتب متعدد دارد. از این رو، دستیابی به مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، نه تنها مقصود اعمال فردی و اجتماعی هر انسان دین‌دار است، بلکه وصول برخی مراتب مقدماتی و پیش‌نیاز حیات طیبه نظیر رفع متعادل نیازهای زیستی و طبیعی افراد جامعه یا رعایت بعضی ارزش‌های اخلاقی مقبول همگان (نظیر انصاف، آزادگی، عدالت‌ورزی، صداقت و امانت‌داری) مورد درخواست هر شخص خردمند و دارای عقل سلیمی است که هنوز جلوه‌های التزام عملی به فطرت پاک الهی، عقل سلیم و وجدان سالم انسانی در وجود او باقی باشد (همان: ۹۷).

مقام معظم رهبری حفظ‌الله حیات طیبه را این گونه تعریف کرده‌اند: «حیات طیبه یعنی زندگی با کیفیت. یعنی زندگی‌ای که در آن، هم آخرت انسان تأمین است و هم زندگی فردی در آن تأمین است. آرامش روحی در آن هست. سکینه و اطمینان در آن هست. آسایش جسمانی در آن وجود دارد. فواید اجتماعی، سعادت اجتماعی، عزت اجتماعی، استقلال و آزادی عمومی هم در آن تأمین است (دیدار با قاریان قرآن، مورخ ۱۳۸۹/۴/۲۴).

حیات طیبه امری صرفاً اخروی نیست، بلکه در واقع حاصل ارتقا و استعلا حیات طبیعی و متعارف آدمی در همین دنیا، با بخشیدن صبغه الهی به آن است و تحقق آن به شکوفایی فطرت و رشد همه‌جانبه استعدادهای طبیعی و تنظیم متعادل عواطف و در نتیجه تکوین و تعالی پیوسته هویت افراد جامعه منجر می‌شود. برای تحقق حیات طیبه نیازمند کسب شایستگی در دانش آموزان هستیم. این شایستگی‌ها (علمی، فکری، اجتماعی و اعتقادی) از طریق برنامه‌های درسی (به‌عنوان فرصت‌های آموزشی تربیتی) زمینه‌سازی می‌شوند. به عبارت دیگر، آنچه در مدرسه در قالب فعالیت‌های درسی و فرهنگی ظهور و بروز می‌یابد، زمینه‌ساز حیات طیبه خواهد بود.

- خودپالایی (اخلاق)
- تفکر شبکه‌سازی و کار تیمی
- خودباوری و پایبندی به ارزش‌ها (ایمان)
- سلامت و نشاط
- خردورز و پرسشگری

براساس این بازاندیشی، آیا به اصلاح روش‌های آموزش (بازآفرینی) فکر می‌کنیم؟ به عبارت دیگر، برای پاسخ‌دادن به نیازها و مهارت‌های دانش‌آموزان چه طرح و برنامه‌ای داریم؟ آیا چرخش‌ها و رویکردهای زیر را در آموزش و سنجش مورد توجه قرار می‌دهیم؟

- از کنترل بیرونی به زمینه‌سازی برای انگیزه درونی (خوبشستن‌بانی)؛
- از انتقال اطلاعات به زمینه‌سازی برای اندیشه‌ورزی و درک معنا (تفکر)؛

- از نگاه تفکیکی به هویت یکپارچه، در هم تنیده و تلفیقی؛
- از به‌کارگیری روش‌های صرفاً انتقالی به روش‌های کاوشگری؛
- از سنجش اطلاعات به روش‌های سنجش شایسته‌محور؛
- از نگاه فناوری به‌عنوان ابزار به نگاه تجربه‌زیسته دانش‌آموزان؛
- از جدایی فرایند تفکر و هیجان به پیوند و یکپارچگی تفکر و هیجان در یادگیری و تصمیم‌گیری؛

- از یادگیری فردی به زمینه‌سازی برای یادگیری تعاملی و کار تیمی؛

- از نگاه صرفاً ذهنی به یادگیری، توجه به بافت فرهنگی و اجتماعی؛

- از نگاه تک‌ساحتی تدریس به نگاه تمام‌ساحتی.

آیا می‌توانیم ادعا کنیم در چنین حالتی زمینه تحقق اهداف دوره‌های تحصیلی در ساحت‌های تعلیم و تربیت (اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، علمی، هنری، اقتصادی و جسمی) فراهم می‌شود؟

به عبارت دیگر می‌توان ادعان داشت، اگر معلمان فکور با رهبری مدیران مدرسه در کلاس درس و مدرسه فرایند تعلیم و

ماه نو

زهرای نظام‌الدینی

در گیرودار زندگی روزمره، سرگرم فعالیت‌های عادی زندگی هستیم و تمام توان خود را در جهت تأمین نیازهای جسمی مصروف می‌کنیم و کمتر به نیازهای روحی توجه می‌کنیم. لذا ماه مبارک رمضان فرصتی است جهت تأمل و اندیشه در تکامل روح، ایمان و معنویت.

صوم (روزه) در لغت به معنای خودداری کردن از آن چیزی است که دلخواه توست. این معنا جدای از اینکه به روزه به چشم وظیفه‌ای دینی بنگریم، منجر به تأثیرات فراوان در وجود انسان می‌شود و آن‌گاه که با نیتی الهی و رفتاری خداگونه همراه شود، تأثیراتش صدچندان خواهد شد و قطع به یقین درهای رشد و تعالی را بر انسان خواهد گشود.

- ۱۲ فروردین؛ روز جمهوری اسلامی ایران
- ۱۳ فروردین؛ روز طبیعت
- ۱۴ فروردین؛ شروع ماه مبارک رمضان
- ۲۰ فروردین؛ روز ملی فناوری هسته‌ای
- ۲۳ فروردین؛ وفات حضرت خدیجه (س)
- ۲۸ فروردین؛ ولادت امام حسن مجتبی (ع)
- ۲۹ فروردین؛ روز ارتش جمهوری اسلامی ایران

۱. برخی فایده‌های روزه: قرب الهی

هدف اصلی خلقت انسان قرب الهی و رسیدن به مقام خلیفه‌اللهی است که این مهم با روزه بسیار سریع‌تر و راحت‌تر اتفاق خواهد افتاد. زیرا روزه از شهوت نفس می‌کاهد، قوای معنوی انسان را تقویت می‌کند و با یادآوری گرسنگی و تشنگی روز قیامت انسان را به یاد معاد می‌اندازد. این حس معنویت به علاوه ایجاد تعادل در خوراک و گفتار، بیش از هر چیز انسان را به خدا نزدیک می‌کند و او را از بسیاری مفسده‌ها نجات می‌دهد. در روایات فراوانی به این مهم اشاره شده است: پیامبر اسلام (ص) در حدیثی می‌فرماید: «عَلَيْكَ بِالصَّوْمِ فَإِنَّهُ قَرِيبَةٌ إِلَى اللَّهِ»؛ بر تو باد روزه‌داری؛ زیرا که روزه موجب تقرب به خدا می‌شود (بحار الانوار، ج ۹۳، باب فضل الصیام).

۲. تقوا

مهم‌ترین رهاورد روزه تقوا و خویش‌داری است. خداوند در آیه ۲۸۳ سوره بقره می‌فرماید: «ای اهل ایمان، روزه را بر شما واجب کردم، همچنان‌که بر گذشتگان واجب کرده بودم؛ شاید که پرهیزگار شوید».

تزکیه، تهذیب و خویش‌داری نتیجه ضروری روزه واقعی است؛ روزه‌ای که در کنار گرسنگی و تشنگی، اعضا و جوارح انسان نیز مطیع پروردگار باشند و از معصیت الهی پرهیز کنند. انسان روزه‌دار به اختیار خویش دهان از طعام می‌بندد. زبانش را در می‌یابد تا ناروایی نگوید. چشم بر حرام می‌پوشاند. گوش به سخن نامربوط نمی‌سپارد و قلبش را از هر خشم و کینه و بدی رها می‌کند. آگاهانه دروغ نمی‌گوید و با وسواس زیاد از ذهن و فکرش مراقبت می‌کند.

بدین تربیت و با این مراقبه‌هایی که شرط صحت روزه است، جریان از نور و رحمت پروردگار را بر وجود خویش حس می‌کند و به جرگه پرهیزگاران وارد می‌شود؛ همان‌ها که عزیزترین اند نزد خدا و سرانجام بهشت به پیشوازشان می‌آید.

۳. تقویت اراده

سی روز پی‌درپی به اراده خویش از خواب برمی‌خیزی. با وجود گرسنگی لب از طعام می‌بندی. به‌اختیار از نوشیدن آب می‌گذری. سی روز و سی شب انتخاب می‌کنی عادت‌هایت را بشکنی و گونه‌های دیگر زندگی کنی و این اتفاق فقط زمانی رخ می‌دهد که اراده‌ای آهنین در برابر وسوسه‌های نفس داشته باشی؛ اراده‌ای که با هر بار «نه» گفتن در برابر خواهشی نفسانی، بیش از پیش می‌درخشد و می‌شکفت.

روزه برنامه‌ای کنترل‌کننده است که به انسان می‌آموزد نیازهایش را به تعویق بیندازد. از این طریق در وضعیتی دیگر نیز می‌تواند با خواسته‌های غیرمنطقی خود مخالفت کند و از آن‌ها بگذرد. همچنین، مقاومت او را در برابر مشکلات بالا می‌برد و ناخودآگاه صبر کردن را به او می‌آموزد. از طرف دیگر، فرد با روزه گرفتن به توانایی‌های خود پی می‌برد و این باعث بالارفتن اعتمادبه‌نفس او می‌شود.

بنابراین، روزه در ظاهر لب‌فروستن و تحمل گرسنگی و تشنگی است، اما در باطن معجزه‌ای است که گنج‌های درون انسان را آشکار می‌کند، قدرت و اراده‌اش را به رخ می‌کشد، صبر و تحملش را می‌سنجید و در آخر با نشان‌دادن گوهر درونش فردی را به جامعه تحویل می‌دهد که خود را باور دارد؛ قهرمانی که در جنگ با اژدهای نفس سربلند و پیروز بیرون آمده است.

۴. آرامش

یکی از آثار معنوی روزه آرامش قلبی است. روزه‌داری که دل از هوا و هوس بریده و به آغوش پروردگارش پناه برده است، تمام وجودش سرشار از طمأنینه و آرامش خواهد شد. **امام محمدباقر (ع)** در این زمینه می‌فرمایند: «الصیام والحج تسکین القلوب»؛ روزه و حج مایه آرامش دل‌هاست (محمدی ری شهری، ج ۶: ۳۹۰).

به‌گفته روان‌شناسان، دنیای توسعه‌یافته امروزی، بشر را به سمت نوعی اضطراب و سرگردانی می‌کشاند و توجه به مسائل معنوی بهترین درمان برای این سرگشتگی است. بنابراین، روزه‌ای که سراپا اخلاص و یاد خداست، شایسته‌ترین درمان برای این فشارهای روحی به شمار می‌رود و این همان است که خداوند متعال می‌فرماید: «أَلَا بذكر الله تطمئن القلوب» (رعد/۲۸).

بی‌تردید روزه، عبادتی همچون جهاد فی سبیل الله است، علاوه بر فایده‌های جسمانی و آنچه در اینجا بیان شد، تأثیرات بی‌نظیر دیگری نیز دربر دارد که هر شخص با ورود به این تجربه زیبا می‌تواند آن‌ها را دریابد و لذت ببرد. اما آنچه مهم است، تداوم این ثمرات در وجود شخصی است که یک ماه مهمان خدا بوده است. روزه باید چنان تحول عظیمی در شخص ایجاد و آن‌چنان خدا را مهمان قلب روزه‌دار کند که بقیه ماه‌های سال نیز رنگ‌وبوی اخلاص، تقوی و ایمان بر تمام کارهایش بنشیند و از زلالی ذهن و قلبش جهانی را سیراب کند.

منبع

محمدی ری شهری، محمد. میزان الحکمة، ج ۶، وبگاه کتابخانه مدرسه فقاقت. آدرس وبگاه:

<https://lib.eshia.ir/27307/6/390>



برای مشاهده فیلم
گفت و گو تصویر را اسکن
کنید

مراقب رشد

کاریکاتوری باشیم



سازمان ملی استعدادهای درخشان وظایف مهمی در وزارت آموزش و پرورش ایفا می‌کند. با توجه به اهمیت وظایف و مأموریت این سازمان، سردبیر مجله با سرکار خانم دکتر الهام یآوری، رئیس این سازمان، گفت‌وگویی انجام داده است که خلاصه آن را با هم پی می‌گیریم.

برای اینکه این شیوه‌ها را بهبود بدهیم. در شیوه‌های فعلی مان هم باید تجدید نظرهایی انجام بدهیم و در واقع بهبودهایی حاصل کنیم تا بتوانیم مطمئن شویم درصد بیشتر استعدادهای خوب کشورمان از انواع متفاوت‌تری را می‌توانیم شناسایی کنیم و زیر پوشش حمایت‌های خودمان بگیریم. بعد دیگری که برای ما اهمیت زیادی دارد و همیشه مورد توجه و اهتمام سمپاد بوده است، تربیت متوازن، فراگیر و همه‌جانبه این استعدادهاست؛ استعدادهایی که خوشبختانه موفق به شناسایی آن‌ها می‌شویم و در مدرسه‌های سمپاد پذیرای آن‌ها هستیم و همین‌طور استعدادهای دیگری که راجع به آن‌ها صحبت بیشتری خواهیم کرد، طبیعتاً نیاز دارند به اینکه با دنیای واقعی ارتباط قوی‌تر و عمیق‌تری برقرار

مأموریت اصلی سازمان استعدادهای درخشان چیست؟

مأموریت مهم این سازمان، بهبود و ارتقای شیوه‌های شناسایی استعداد است. به جز روش‌هایی که ما روی آن‌ها تمرکز داریم، روش‌های دیگری هم وجود دارد که باید آن‌ها را مد نظر قرار دهیم تا استعدادهای متفاوت شناسایی شوند. تنوع‌بخشیدن به شیوه‌های پرورش و شناسایی استعداد یکی از ابزارهای ماست



■ روش سنجش استعداد‌های دانش‌آموزان برای پذیرش در مدارس سمپاد چگونه انجام می‌شود؟

ما در حوزه سنجش و پذیرش دانش‌آموزان استعداد‌های برتر در مدرسه‌های سمپاد تحولی را آغاز کردیم. یعنی در واقع از سمت استعداد تحصیلی به سمت استعداد حوزه‌های نظری‌تر پیش رفتیم و امروز دیگر آزمون سمپاد پایه هفتم ما کاملاً مستقل از محتوای درسی مدرسه‌هاست که این گامی رو به جلو است. اما همان‌طور که عرض کردم، ما در روش‌های سنجش و پذیرش به دنبال ایجاد تنوعی حداکثری هستیم و برنامه ملی شهاب را داریم. همچنین، جشنواره‌ها و رقابت‌های دیگری از جمله جشنواره خوارزمی، المپیادهای علمی و جشنواره‌های دیگری که در کشور وجود دارند و هر کدام از این‌ها می‌تواند بستری برای کشف استعدادها باشند.

■ برای دانش‌آموزانی که امکان حضور در مدرسه‌های استعداد‌های درخشان را ندارند، چه برنامه‌ای دارید؟

واقعیت این است که ما هیچ موقع ادعا نمی‌کنیم فقط افرادی که در مدرسه‌های سمپاد هستند، بچه‌های بااستعدادی هستند و دیگریانی که در این مدرسه تحصیل نمی‌کنند، استعداد ندارند. این ادعای به‌شدت غلطی است و ما با آن مخالفیم. امروز ابزارهای شناسایی ما متأسفانه محدودند و این محدودیت کم و بیش در همه دنیا وجود دارد. یعنی آزمونی که بتوان با آن استعداد هنری یا مثلاً استعداد ورزشی را در کوتاه‌مدت و زمان مشخص سنجید، در دنیا خیلی سر آن بحث است و مناقشه‌برانگیز است. از طرف دیگر، ما محدودیت آموزش و پرورش را داریم، برای اینکه تعداد دانش‌آموزان هر مدرسه باید از یک حد بیشتر باشد. طبیعی است در شهرها و روستاهایی که تعداد کل جمعیت دانش‌آموزانشان خیلی کم است، وقتی آن یک و نیم تا دو درصدی را که استاندارد بین‌المللی است برای وجود دانش‌آموزان تیزهوش در مدرسه‌ها اعمال کنیم روی تعداد جمعیت دانش‌آموزان کم، مثلاً فرض کنید در یک شهر

کنند، مسائل دنیای پیرامون خودشان را بهتر بشناسند و از جنبه‌های متفاوت و در ساحت‌های متفاوت توانایی‌های خودشان را شکوفاتر کنند تا سمپاد بتواند جایگاهی برای تولید نیروی انسانی ماهر، پرسشگر، توانمند و حق‌طلب برای آینده کشور باشد؛ چیزی که ما از آن به‌عنوان ابزار رشد و تحول کشور و موتور پیشران پیشرفت کشور و تمدن اسلامی یاد می‌کنیم. برای اینکه این کار را انجام بدهیم، لازم است یک بار دیگر به ساحت‌های گوناگون توجه کنیم. برای ما مهم است چرخه نخبگانی را کامل کنیم؛ برای این منظور می‌توانیم از استعداد‌های برتری که پرورش یافتند و به مرحله نخبگی رسیدند، استفاده کنیم؛ هم برای الگوسازی و هم برای انتقال مفاهیم و تربیت همه‌جانبه بچه‌هایی که امروز به‌عنوان استعداد در کشور مطرح هستند.

یکی دیگر از مأموریت‌های سازمان، گسترش چتر حمایتی خدمات سمپاد برای همه استعداد‌های درخشان است، فارغ از اینکه در مدرسه‌های سمپاد موفق به میزبانی آن‌ها باشیم یا نباشیم. ما معتقدیم، طبیعتاً استعداد‌های درخشان کشور به این صد و چند هزار نفری که ما در خدمت آن‌ها هستیم محدود نمی‌شود. افرادی هستند که به دلیل نبود مدرسه‌های سمپاد در شهرها یا روستاهای آن‌ها، به خدمات سمپاد دسترسی کافی ندارند و افرادی هستند که به هر دلیل، خانواده‌ها و یا خود فرد تصمیم نگرفته‌اند در مدرسه‌های ما اشتغال به تحصیل پیدا کنند. اما در عین حال این‌ها انواع متفاوتی از استعدادها را دارند که لازم است پرورش پیدا کند و در خدمت اهداف کشور و تمدن اسلامی قرار گیرد. برای این بچه‌ها ما موظفیم که محتوای تکمیلی تولید کنیم، برنامه‌های درسی و غیردرسی تهیه کنیم، به پرورش متوازن تربیتی این‌ها هم فکر و سعی کنیم ارتباطی قوی بین مدرسه‌های سمپاد و غیرسمپاد، هم در بُعد دانش‌آموزان و هم در بُعد معلمان و مدیران، برقرار کنیم و زمینه را فراهم کنیم تا اینکه همه استعداد‌های کشور بتوانند از امکاناتی که در سمپاد جمع‌شده استفاده کنند.

یا روستای کوچک ممکن است ده نفر یا کمتر از ده دانش‌آموز داشته باشد که خب طبیعی است با استانداردهای فعلی آموزش و پرورش ما نمی‌توانیم در آنجا مدرسه داشته باشیم. به همین جهت در واقع یک بخش از این بحث به محدودیت و امکانات ما مربوط است.

■ برنامه شهاب الان در چه مرحله‌ای است؟

در واقع طرح شهاب ابلاغ هیئت امنای بنیاد نخبگان است و شورای راهبری این طرح هم در بنیاد نخبگان قرار دارد. به همین دلیل، مسئولیت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان این طرح با بنیاد ملی نخبگان است. مطابق همان آیین‌نامه‌ای که بنیاد نخبگان در هیئت امنای خودش مصوب کرده است، شورای اجرایی باید در وزارت آموزش و پرورش باشد که دبیر آن هم رئیس سمپاد است و اعضای آن معاونت‌های مرتبط که معاونت‌های متعددی هستند. واقعیت این است که این شورا خیلی فعال نبوده است. ما این شورا را فعال کردیم و خوشبختانه چند جلسه برنامه داشته‌ایم و در حال اصلاح فرایند این کار هستیم.

■ یکی از فعالیت‌های جاری سازمان شما برگزاری مسابقات علمی و المپیادهاست. آیا همین رویه‌ای را که الان دارد انجام می‌شود دنبال خواهید کرد؟

بر اساس اساس‌نامه جدید، باشگاه دانش‌پژوهان جوان مدیریت دیگری است که باید اساس‌نامه مستقلی برای آن نوشته شود و در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شود که این کار ان‌شاءالله در دست اقدام است. به همین دلیل، تصویب آن اساس‌نامه روی پاسخی که من خدمت شما عرض می‌کنم، تأثیر جدی دارد. اما تا به امروز که سمپاد مسئولیت برگزاری المپیادها را بر عهده داشته است، ما المپیادهای متفاوت ملی داریم که داخل کشور برگزار می‌شوند و یکی از معروف‌ترین آن‌ها المپیاد ادبیات است که در حوزه علوم انسانی است. در حوزه تفکر و کارآفرینی ما المپیاد دیگری داریم. المپیاد مدیریت و اقتصاد را داریم. المپیاد جغرافیا را داریم و چندین المپیاد دیگر که متولی آن هستیم. اگر بخواهم در یک جمله خدمت شما عرض کنم، رویکرد سمپاد نسبت به جشنواره‌ها

اگر بخواهم در یک جمله خدمت شما عرض کنم، رویکرد سمپاد نسبت به جشنواره‌ها و المپیادها رویکرد قهرمان‌پروری نیست، بلکه رویکرد ترویج اهمیت یک موضوع و شیرینی و جذابیت بعضی رشته‌های علمی در نزد بچه‌هاست

و المپیادها رویکرد قهرمان‌پروری نیست، بلکه رویکرد ترویج اهمیت یک موضوع و شیرینی و جذابیت بعضی رشته‌های علمی در نزد بچه‌هاست. ما امیدواریم با این المپیادهایی که الان برگزار می‌کنیم و المپیادهای دیگری که ان‌شاءالله به این فهرست اضافه خواهد شد، در واقع فضایی رقابتی فراهم بیاوریم که دانش‌آموزان سراسر کشور لذت دانایی را در حوزه‌های متفاوت بچشند و تشویق شوند که در این حوزه‌ها فعالیت کنند.

■ شما در هر سال به‌طور متمرکز آزمون پیشرفت تحصیلی برگزار می‌کنید. آیا فکر می‌کنید با توجه به استقلالی که مدرسه‌ها دارند، برگزاری این آزمون‌ها از سوی سازمان باید ادامه پیدا کند یا نه؟ آیا در این جهت به دنبال بازنگری و اصلاح این شیوه هستید؟

آزمون‌های پایش عملکرد و یادگیری در پایه‌های متفاوت هفتم تا یازدهم برگزار می‌شوند و هدف آن‌ها هم بیش از اینکه در واقع تشخیص سطح یادگیری تک‌تک بچه‌ها باشد، این است که ما تصویری کلی از آموزش مدرسه‌های سمپاد در کل کشور پیدا کنیم، نقاط ضعف و قوت را بشناسیم، آن توازنی را که خدمت شما عرض کردم رعایت کنیم و مطمئن شویم بچه‌ها در حوزه‌های مختلف کاریکانوری رشد نکرده‌اند.

بهارانه

شهلا اسد

تا بهار دل نشین آمده سوی چمن
ای بهار آرزو بر آشیانم کن گذر

بیا
تا به شوق آمدنت
گره از گره‌های دل باز کنیم
می‌دانم
که امسال
بهار در بهار خواهد شد
چون تو می‌خواهی.
روزهاست
عمو نوروز
در حال برپایی اتفاقات خوب است
صدای زیبایش را می‌شنوم
چه دل آشنا،
بر گوشم چنگ می‌زند.
کنار پنجره می‌آیم
چه خوب حس می‌شوی
چه عجیب زود آمدی
مادر از درون قاب روی دیوار
به من می‌خندد

و بهار لطافت فصل‌ها
به قدقامت طلوع
به بلندای عشق
بر تارک تاریخ
به سپیدی شکوفه‌های درخت گیلاس مادر
از اوج یادها

دخترک زیبای زمان!
می‌دانم این روزها
چه در ازدحامی!
ازدحام آمدن و برپایی

سال هاست
این موقع از سال
عجیب در تب و تابی!
در تلاطم طلوع،
در کشاکش بدرقه زمستان

می‌دانمت چه سخت
مشغول بستن چمدان ناچوانمردانه
سرماهایی، ...
به سرسلامتی ورود خودت.

بیا و غنچه‌هایت را بر شاخسار
فرزندانت بیاویز که ماه‌هاست
بی‌گوشوارند.

راستی، بهار جان
سالی که گذشت
سالی بود به بلندای اشک‌های بر قاب
چشمانمان ...

زودتر خداحافظی‌ات را
با زمستان تمام کن
و بیا

این چشم‌ها
مدت‌هاست
اشک شوق می‌خواهند

دلیم برای آب و جاروهای به استقبال بهارش
تنگ شده ...
باید برخاست
فقط چند دانه گندم
در آب خیس کرد
که سبزه‌ها در راه‌اند
که خورشید رخ در رخ تازگی دارد
که شهر را شمیم سنبلی و بوی عطر سمنو
به‌آذین کرده است
به یاد هر سال آمدن‌هایت
به تکرار طنین توپ سرخوشانه‌هایت
امسال عهد امید می‌بندم
با ماهی سرخ در تنگ
که بهار در بهار بیندیشم
سبز در سبز
حضورت به سبزیدنی دیگر
هزاران دستگاه شور شیراز

باید دستی به سر و روی گلدان‌ها بکشم
آخر آن‌ها
تو را زودتر نفس می‌کشند.
کمی با من هم‌آوا شو
نکنند مادر را از شکوفه شکوفه‌هایت
چکه چکه بر من هدیه می‌داری؟
آخر بهار که می‌شد،
عجیب طلوع می‌کرد،
به تلاطم می‌افتاد
خود را به پیشوازت آماده می‌کرد.
او به آمدنت ایمان داشت
به تحویل
به تحول
به تغییر
به پله پله تا خدا،
از نردبام چوبی کنار حیاط
و عجیب آماده می‌شد.

تربیت کارآفرینانه

دکتر عظیم محبی



برای آشنایی بیشتر به اهمیت کارآفرینی فایل صوتی را اسکن کنید.

کارآفرینی موتور محرکه توسعه کشورهاست. کارآفرینان عامل تغییرند و تغییرات را به فرصت‌های کسب‌وکار تبدیل می‌کنند. کارآفرینان با نوآوری و اقدامات جسورانه آینده کشور ما را تضمین می‌کنند. کارآفرینان با نیازآفرینی زمینه تولید ناب و صادرات را فراهم می‌آورند و با ارزآوری عامل توسعه کشورها هستند.

بیان مسئله

با توجه به اهمیت کارآفرینی سؤال کلیدی آن است که آیا در کشور ایران کارآفرینان به‌خوبی شناسایی می‌شوند، زمینه نقش‌آفرینی آن‌ها فراهم می‌شود؟ آیا مورد حمایت قرار می‌گیرند؟ آیا زمینه آموزش و تربیت روحیه کارآفرینی در مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها فراهم شده است؟ خانواده‌ها تا چه میزان بچه‌ها را با رویکرد کارآفرینی تربیت می‌کنند؟

تحلیل

سیاست‌های توسعه کشور، به‌ویژه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، به‌طور ویژه به کارآفرینی توجه کرده‌اند. در عین حال باید اذعان داشت، ترجمه اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش، همان تربیت ویژگی‌ها و مهارت‌های کارآفرینی است. در عین حال، در اسناد تحولی آموزش و پرورش، یکی از رویکردهای مهم، توجه به تربیت کارآفرینی است و این موضوع در اهداف مصوب دوره‌های تحصیلی در ساحت اقتصادی حرفه‌ای نیز مورد توجه قرار گرفته است. در کشور ایران، کارآفرینی با شغل و ایجاد شغل یکی فرض

شده است، در صورتی که شغل محصول تفکر کارآفرینی است. به عبارت دیگر، نوآوری و خطرپذیری نشانگر اصلی کارآفرینی و کارآفرینان است و بدون این دو ویژگی نمی‌توان از کارآفرینی (ارزش‌آفرینی - نوآفرینی) سخن گفت.

به عبارت دیگر، کارآفرینی را باید بیشتر جنبه شخصیتی و هویت افراد تلقی کرد؛ هویتی خلاق، نوآور، خطرپذیر، دارای پشتکار، مصمم، خودباور و ... کارآفرینی علمی میان‌رشته‌ای است؛ علمی که با مفاهیم اقتصادی، مدیریتی و روان‌شناسی عجین است.

همچنین، برای توسعه فرهنگ کارآفرینی در کشور باید آن را به‌صورت سیستمی (نظام‌مند) تحلیل کرد:

- درون‌داد (شامل خانواده، مدرسه، دانشگاه، تلاش خود فرد و ...)

- فرایند (شامل شناسایی، آموزش، مشاوره، هدایت و حمایت) - برون‌داد (کسب توانمندی کارآفرینی و توسعه کسب‌وکارهای کارآفرینانه)

زیرساخت توسعه کشورمان ایران، نیازمند توسعه فرهنگ کار و کارآفرینی (توأم با ارزش‌های اخلاقی، انقلابی، علمی و



(... است. آموزش تفکر کارآفرینی از دانشگاه دیر است. باید از پیش‌دستانی و مدرسه‌ها فرصتی فراهم شود تا به تدریج هویت کارآفرینانه شکل پیدا کند.

ویژگی‌های کارآفرینان

از اوایل سال ۱۹۵۰، کارآفرینی مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفت. روان‌شناسان محققانی بودند که متغیرهای شخصیتی و روان‌شناختی کارآفرینان را مورد مطالعه قرار می‌دادند. آن‌ها تمام توجه خود را به این سؤال معطوف کردند که در کارآفرینان چه ویژگی‌هایی وجود دارد که آن‌ها را از غیر کارآفرینان متمایز می‌کند. **ویلیام بیباگریو** از صاحب‌نظران برجسته کارآفرینی، مهم‌ترین ویژگی‌های تخصصی کارآفرینان را در ده مورد خلاصه می‌کند که عبارت‌اند از:

۱. خیال‌پردازی؛

۲. قاطعیت؛

۳. اهل عمل (عمل‌گرای)؛

۴. عزم راسخ؛

۵. فداکاری؛

۶. دلبستگی؛

۷. موشکافی؛

۸. کنترل کاری؛

۹. ثروت‌اندوزی؛

۱۰. توزیع ثروت.

مک کللند (۱۹۶۱) سه ویژگی مهم کارآفرینان را شناسایی کرده است.

۱. رقابت‌جویی؛

۲. پذیرش مسئولیت‌های فردی برای نتایج؛

۳. نوآوری.

روتر (۱۹۶۶) بر ویژگی مرکز کنترل^۱ در کارآفرینان تأکید کرد. **گرید** (۱۹۸۸) با بازنگری در ادبیات کارآفرینی، ویژگی‌های اصلی کارآفرینان را شامل نیاز به موفقیت، نیاز به استقلال، مرکز کنترل درونی، خلاقیت و ریسک‌پذیری و اعتمادبه‌نفس معرفی کرد.

مطالعه دیگری در دانشگاه دورهام انگلستان انجام گرفت و هفت عامل اساسی را که بیشترین تأثیر را در موفقیت گروه مورد مطالعه داشته است، به‌عنوان ویژگی‌های کارآفرین بیان می‌کند:

۱. دورنما؛

۲. نیاز به موفقیت؛

۳. نیاز به استقلال؛

۴. ریسک‌های حساب‌شده؛

۵. تمایل به استفاده از فرصت‌ها؛

۶. مرکز کنترل درونی؛

۷. خلاقیت و نوآوری.

تیمونز (۱۹۹۰) این طبقه‌بندی را ارائه داده است:

۱. عزم و اراده و تعهد؛

۲. تمایل به مسئولیت‌پذیری؛

۳. اشتغال ذهنی بر درک فرصت‌ها؛

۴. تحمل ریسک، ابهام و نبود قطعیت؛

۵. اعتمادبه‌نفس؛

۶. خلاقیت و انعطاف‌پذیری؛

۷. سطح بالای انرژی؛

۸. انگیزه برتری‌جویی؛

۹. جهت‌گیری نسبت به آینده؛

۱۰. تمایل به یادگیری؛

۱۱. توانایی رهبری.

با تحلیل مطالعات فوق می‌توان نتیجه گرفت، خلاقیت و نوآوری، ریسک‌پذیری و نیاز به موفقیت سه ضلع اصلی در رویکرد ویژگی‌ها محسوب می‌شوند (پرداختچی، ۱۳۸۶).

عده‌ای نیز مطالعاتی را از نظر محیطی (عوامل فرهنگی - اجتماعی، تجربه‌ها، زمینه خانوادگی، آموزشی و ...) انجام دادند؛ مانند **اولم وادی** (۱۹۸۵) و **الدريج** (۱۹۸۶)، و ادعا کرده‌اند، این عوامل محیطی نیز در روند رفتار کارآفرینان مؤثرند (عواملی چون بانکداری، رقبا، مشتریان، اقتصاد، آداب‌ورسوم، فناوری، بافت اجتماعی، و تجربه‌های آموزشی و خانوادگی).

در عین حال، از ۱۳۸۰ به بعد، این موضوع در حوزه مدیریتی نیز مورد توجه قرار گرفته است. دراکر فردی است که به رشد کارآفرینی در حوزه مدیریت کمک کرده است. لذا می‌توانیم ادعا کنیم کارآفرینی یک علم میان‌رشته‌ای است.

تعریف برخی از ویژگی‌ها

۱. نیاز به موفقیت^۱

مردم هر جامعه را می‌توان از نظر روان‌شناسی به دو گروه عمده تقسیم کرد: گروه اول، گروهی که فرصت‌ها آنان را به چالش می‌خوانند و بر آن‌اند تا کارهای دشوار را انجام دهند. این گروه در اقلیت‌اند. گروه دوم، گروهی که بی‌توجه از کنار فرصت‌ها و مسائل می‌گذرند. اینان در اکثریت‌اند. نیاز به موفقیت یعنی تمایل به برتری یا موفقیت و تلاش برای پیشرفت و رسیدن به مجموعه‌ای از استانداردها.

نشانه‌های نیاز به موفقیت

۱. لذت‌بردن از فعالیت‌های کاری مشکل‌زا و چالشی؛

۲. تلاش برای عملکرد بالاتر از اهداف تعیین‌شده؛

۳. تلاش برای جست‌وجوی راه‌های جدید فائق آمدن بر مشکلات؛

۴. پشتکار و تعهد در انجام کار؛

۵. اشتیاق در مسئولیت‌پذیری؛

۶. تعیین معیارهای قابل‌سنجش برای سطح عملکرد خود؛

۷. پذیرش خطرات منطقی در کار؛

۸. لذت‌بردن از فرایند کار به‌عنوان پاداش؛

۹. خودارزیابی از کار و ارائه بازخورد به خود؛

۱۰. تمایل به پایان‌رساندن فعالیت.

۲. تمایل به ریسک

کارآفرینان تمایلاتی به مخاطره‌پذیری دارند. افراد عادی



۶. نیاز به استقلال

نیاز به استقلال را با عبارت‌هایی نظیر کاری را برای خود انجام‌دادن و آزادی عمل داشتن و آقای خودبودن تعریف کرده‌اند. در واقع، نیاز به استقلال عاملی است که سبب می‌شود کارآفرینان به اهداف و رؤیاهای خود دست یابند.

۷. تحمل ابهام

یکی از ویژگی‌های کارآفرینان، پذیرش دشواری و ناآشنا بودن آینده کسب‌وکار است. بدون این ویژگی افراد به کشف یا خلق فرصت‌ها اقدام نمی‌کنند.

۸. خودآگاهی^{۱۴}

خودآگاهی به تعبیر روان‌شناسان توانایی فرد در شناخت خود و آگاهی از خود به‌عنوان موجودی متمایز است. در واقع، خودآگاهی به‌معنای شناخت شاخص‌های وجودی فرد از جمله خصوصیات ظاهری، احساسات، نگرش‌ها، ارزش‌ها، اهداف، نقاط قوت و ضعف، علاقه‌ها و نیازهای فرد است (سعادت، ۱۳۹۷).

خودآگاهی به مثابه منشوری با وجوه متعدد، جلوه‌های گوناگونی از خویش‌شناسی را متجلی می‌کند. برای دستیابی به گوهر خودآگاهی، لازم است همه زوایای آشکار و پنهان درون خود را بشناسید و تجزیه و تحلیل کنید. خودشناسی به بیان ساده یعنی من آگاه باشم از نظر ظاهری چه مشخصات و ویژگی‌هایی دارم. چه افکار و باورهایی بر ذهن من حاکم هستند، چه نگرشی نسبت به خود و دنیای اطرافم دارم و چه اهدافی را در زندگی دنبال می‌کنم.

مؤلفه‌های خودآگاهی

۱. خودآگاهی فردی؛
۲. خودآگاهی اجتماعی؛
۳. ژرف‌اندیشی؛
۴. شناخت نگرش‌ها و عقاید؛
۵. رشد شخصیت؛
۶. بهبود تعاملات و ارتباطات؛
۷. تأثیرگذاری بر رفتار دیگران؛
۸. زندگی در زمان حال (مهم‌ترین عنصر هوش هیجانی).

شاخص‌های مهارت خودآگاهی

۱. شناخت خود؛
۲. روشن‌بودن هدف؛
۳. مسئولیت‌پذیری؛
۴. برقراری ارتباط با خود؛
۵. توانایی درک و تحلیل احساسات خود؛
۶. واقع‌بینی؛
۷. تمایل به ارتباط با دیگران؛
۸. تمایل به کنجکاوی و پژوهش و کسب تجربه؛

زمانی درگیر فعالیت می‌شوند که هیچ خطری متوجه آن‌ها نباشد؛ خطر مالی، شغلی، روحی و بازار. یعنی باید صددرصد از شرایط کار و فعالیت مطمئن باشند. در غیر این صورت از قید آن می‌زنند. اما افرادی که روحیه کارآفرینی دارند، با چالش‌ها و خطرات موجود در فعالیت‌ها تا ۵۰ درصد هیچ مشکلی ندارند و از این حالت کار احساس خطر نمی‌کنند. به عبارت دیگر، مایل‌اند مقدار متوسط از مخاطره را که برای شروع کسب‌وکار معمولی تلقی می‌شود، بپذیرند و در این حد حاضرند پول، امنیت، شهرت و موقعیت خود را به مخاطره بیندازند. اگر پولی داشته باشند، ترجیح می‌دهند سهام بخرند (تا در بانک قرار دهند) اگر شانس موفقیت انجام کاری ۵۰ - ۵۰ باشد، آن را انجام می‌دهند و تمایل دارند کسب‌وکاری جدید را آغاز کنند.

۳. گرایش به خلاقیت^{۱۳} و نوآوری

خلاقیت عبارت است از توانایی تلفیق ایده‌ها به شیوه‌های منحصر به فرد برای برقراری ارتباط غیرمعمولی بین ایده‌های گوناگون. در حالی که نوآوری فرایند به‌کارگرفتن یک ایده خلاق و تبدیل آن به یک محصول یا خدمت با شیوه مفید است. به عبارت دیگر، خلاقیت بر توانایی تأکید دارد نه فعالیت.

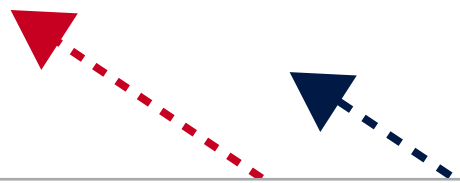
۴. روحیه شکست‌ناپذیری

کارآفرینان بر این باورند که چیزی به نام شکست وجود ندارد و آنچه به دست می‌آید، تنها نتیجه است و بس. گاهی با وجود هرگونه تلاش و برنامه‌ریزی، هیچ چیز درست از آب در نمی‌آید. آنچه می‌توان گفت، این است که اگرچه نتیجه به‌دست آمده مطلوب ما نیست، ولی به هر حال، نتیجه به بار آمده است. درباره **توماس ادیسون** نقل می‌کنند که پس از ۹۹۹ بار تلاش برای ساخت لامپ، موفق نمی‌شود. کسی از او می‌پرسد آیا می‌خواهی برای هزارمین بار شکست بخوری؟ ادیسون پاسخ می‌دهد کدام شکست؟ من کشف کردم که نباید از آن طریق لامپ بسازم.

۵. مرکز کنترل درونی

برخی افراد باور دارند که بر زندگی خود کنترل دارند و بعضی دیگر بر این باورند که نیروهای بیرونی زندگی آنان را کنترل می‌کنند و این نیروها خارج از کنترل فردند. افرادی که مرکز کنترل درونی دارند، حوادث مرتبط با زندگی خود را کنترل می‌کنند و صفات شخصی درونی آنان تعیین می‌کنند که در یک موقعیت چه اتفاقی خواهد افتاد.

تحقیقات نشان می‌دهد، این افراد از اعتماد به نفس بالایی برخوردارند و به دنبال موقعیتی هستند که بتوانند از حکمت و جدیت خود برای هدایت حوادث آینده استفاده و نتایج را کنترل کنند. کارآفرینان دارای مرکز کنترل درونی‌اند؛ به طوری که به خود ایمان دارند و موفقیت یا شکست را به سرنوشته، اقبال یا نیروهای مشابه نسبت نمی‌دهند. به عقیده آنان، شکست و پیشرفت‌ها تحت کنترل و نفوذ خودشان است و خود را در نتایج عملکردشان مؤثر می‌دانند (مقیمی و همکاران، ۱۳۸۶).



- ۹. خودتصمیم‌گیری؛
- ۱۰. ابراز احساسات به دیگران؛
- ۱۱. احساس همدلی؛
- ۱۲. پذیرش نقدهای سازنده.

۹. اعتماد به نفس

انسان‌ها، همان‌گونه که باور داشته باشند، می‌اندیشند. باورها تعیین‌کنندهٔ چگونگی اندیشه و تفکر هستند. تفکرات ما عملکردمان را مشخص می‌کنند و عملکرد ما عامل اصلی در تعیین دستاوردهای زندگی است.

اعتماد به نفس، باور یک فرد نسبت به قابلیت و توانایی خود در مواجهه با رویدادهاست. باور به قابلیت‌های خود در یک حالت کلی بر انگیزه، قدرت انتخاب، افکار و تصمیمات انسان تأثیر می‌گذارد (سعادت، ۱۳۹۷).

دو شاخص اساسی در اعتماد به نفس فرد مؤثرند: ۱. خودکارآمدی؛^{۱۵} ۲. عزت نفس.^{۱۶}

خودکارآمدی احساسی است که خود از نگاه خویش و دیگران دارد، خود را فردی کارآمد و برخوردار از مهارت‌ها و قابلیت‌های لازم می‌بیند که می‌تواند در حوزه‌ای معین یا در برخی موضوعات مشخص موفق باشد. خودکارآمدی در تقویت اعتماد به نفس نقش مهمی ایفا می‌کند.

اعتماد به نفس به فرد احساس اطمینان می‌دهد تا باور کند در هر زمینه‌ای که تلاش کند موفق خواهد شد. این احساس اطمینان موجب می‌شود چالش‌های دشوار مسیر را بپذیرد، از موانع و شکست‌ها نهراسد و مقاومت کند، ولی عزت نفس به معنای داشتن احساس ارزشمندی و مفیدبودن در مورد خود است.

■ نشانگرهای فعالیت‌های مدرسه‌ها با رویکرد کارآفرینانه (تدریس، سنجش، فعالیت‌های فرهنگی و ...)

در این بخش سؤال اصلی این است که تدریس و سنجش با کدام رویکرد می‌تواند زمینه تربیت روحیه کارآفرینی باشد؟ فعالیت‌های فرهنگی مدرسه‌ها با کدام رویکرد می‌توانند زمینه‌ساز تربیت روحیه کارآفرینی باشند؟ آیا رویکرد انتقالی (حافظه‌مدار) می‌تواند زمینه تربیت این شایستگی باشد؟ به نظر می‌رسد، ضمن توجه عمیق به رویکرد پژوهش‌محوری، باید به رویکرد کارآفرینی نیز توجه شود. یعنی همهٔ فعالیت‌های مدرسه به صورت درهم‌تنیده و تلفیقی با شاخص‌های کارآفرینی طراحی و اجرا شود.

براساس این پیش‌فرض، برخی از نشانگرهای فعالیت مدرسه‌ها با رویکرد کارآفرینی به این صورت بیان می‌شوند:

- ایجاد فرصت پرسشگری (سؤال‌محوری به جای پاسخ‌محوری)

- ایجاد فرصت جست‌وجوگری و ایده‌سازی

- ایجاد فرصت شبکه‌سازی (تعامل و کار تیمی)

- ایجاد فرصت چالش‌خلاق، تخریب خلاق، تضاد مثبت و ...

- ایجاد فرصت دست‌ورزی (ساخت، تولید و ...)

- ایجاد فرصت خودارزیابی، خودمدیریتی، خوداصلاحی
- ایجاد فرصت انجام پروژه مرتبط با مسائل واقعی فضای کسب‌وکار

- ایجاد فرصت بازدید و تحلیل عملکرد بنگاه‌های کسب‌وکار
- ایجاد فرصت برپایی نمایشگاه و بازارچه در مدرسه
- ایجاد فرصت تمرین مهارت‌های کسب‌وکار
- ایجاد فرصت سنجش محصول یادگیری (سنجش عملکردی)

- ایجاد فرصت مدیریت فعالیت‌های مدرسه (بوفه، کتابخانه و ...)

- ایجاد فرصت مشارکت دانش‌آموزان در مسابقات علمی، عملی، فرهنگی و ... براساس علاقه

- ایجاد فرصت برگزاری المپیاد ایده‌پردازی و طرح کسب‌وکار
- ایجاد فرصت نقش‌آفرینی دانش‌آموزان در ادارهٔ اردوهای علمی، تفریحی و ...

- ایجاد فرصت انجام تکالیف عملکردی (داستان، ماکت، انیمیشن، فیلم آموزشی و ...)

- ایجاد فرصت تولید نشریه و ...

- ایجاد فرصت مطالعهٔ کتاب و تحلیل آن‌ها

- ایجاد فرصت ساخت اسباب‌بازی و ...

- ایجاد فرصت تمرین کسب‌وکار اینترنتی

- ایجاد فرصت آموزش انواع مهارت‌های مربوط به دنیای کسب‌وکار در برنامه ویژهٔ مدرسه (بوم) (درآمد، مصرف، پس‌انداز، تولید، توزیع، بازاربایی، بانکداری، سهام، بورس و ...)

پی‌نوشت‌ها

1. William Bygrave
2. Dream
3. Decisiveness
4. Doers
5. Determination
6. Dedication
7. Devotion
8. Details
9. Dollars
10. Locus of control
11. achievement need
12. creativity
13. innovation
14. self-awareness
15. self-efficacy
16. self-esteem

منابع

۱. سعادت، سعید (۱۳۹۷). هنر اوج‌گیری. انتشارات دیباگران. تهران.
۲. پرداختی، محمد حسین (۱۳۸۶). درآمدی بر کارآفرینی سازمانی. انتشارات ارسباران.





خود را صفر کنیم

گفت‌وگو با آموزگاری از خطه خراسان جنوبی

شهلا فهیمی

■ **حمیده قربانی** یکی از آموزگاران بازنشسته و پیشکسوت شهرستان‌های درمیان سرپیشه و بیرجند در استان خراسان جنوبی است. ۲۸ سال سابقه تدریس دارد و تمام این سال‌ها آموزگار پایه اول بوده است. مدرک کارشناسی مدیریت دولتی از مرکز تربیت معلم الزهرا (س) دارد و علاوه بر تدریس، سرگروه آموزشی، مدرس استانی و کشوری ارزشیابی کیفی توصیفی و تألیف یک مجموعه کتاب با عنوان «کتاب‌های باران ویژه نوآموزان پیش‌دبستانی» را در کارنامه فعالیت‌های خود دارد. زحمات و تلاش‌های دلسوزانه این معلم باتجربه، بهانه گفت‌وگوی کوتاه ما با ایشان بوده است.

جامعه نیز نسبت به این شغل بهبود یابد. معلم باید در جایگاهی قرار گیرد که مردم خوبی‌ها و شایستگی‌ها و حتی شایستگان را در تراز با او بسنجند و حرمت‌گذاری کنند. خواسته معلمان سرزمین من شأن و منزلت اجتماعی است؛ شأنی که شایسته زحماتشان باشد.

چکیده ۲۸ سال تجربه معلمی خود را در چند جمله به معلمان جوان بگویید.

■ به معلمان جوان می‌گویم: تکیه بر جای بزرگان نتوان زد به گزاف/ مگر اسباب بزرگی همه آماده کنی جاده و مسیر آموزش پر از فراز و نشیب است. شما جوانی و عمر خود را در این راه می‌گذارید. قدر لحظه‌لحظه زندگی خود و دیگران را بدانید. با علم و آگاهی و مهارت در کلاس حاضر شوید. یادگیری سخت است، اما از آن سخت‌تر یاد دادن است. با نیروی محبت و صبوری کارها آسان می‌شود.

چگونه می‌توان احساس نیاز به یادگیری را در معلمان تقویت کرد؟

■ یکی از اصول معلمی که من هم خیلی به آن معتقد و پایبند بودم، اصل «خودصفر کردن» در معلمی است. یعنی در ابتدای هر سال فکر کنی اولین سال معلمی‌ات است و از کلاس

ویژگی‌های معلمان ابتدایی، به خصوص معلم کلاس اول، چیست؟

■ معلم کلاس اول باید مهربان و صبور باشد. دانش آموز کلاس اول پادشاه خانه‌اش بوده و حالا قرار است در کلاسی بنشیند که برای او به وسعت دنیا است. لذا اگر معلم مهربانی و صبوری را به اندازه کافی داشته باشد، حلاوت روزهای مدرسه به کام او و دانش‌آموزانش خواهد نشست.

به نظر شما چگونه می‌توان جایگاه معلمان را در جامعه ارتقا داد و مقامشان را پاس داشت؟

■ معلمی یکی از حساس‌ترین شغل‌های هر جامعه است؛ شغلی که پایه و اساس فرهنگ، ادب، علم و پیشرفت کشور را رقم می‌زند. بزرگان در وصف جایگاه معلم سخن‌ها گفته‌اند، اما از میان تمام آن‌ها، جمله‌ای که من خیلی دوست دارم و همیشه برای معلمان فرزندانم نوشته‌ام این است: «نقش آموزگار در دل هاست. دگری جای او نمی‌گیرد.»

در روزگار جدید معلم از یاددهنده به راهبر تبدیل شده و البته این جایگاه بالایی است. از نظر من، اگر معلم واقعا معلم باشد، این خودش راه است؛ راهی برای صعود یا سقوط دانش‌آموز، و نیز راهی برای حفظ جایگاه خود یا از دست دادن این جایگاه. معلم نه تنها خود باید ارجمند باشد، بلکه باید بکوشد نگاه

چه برنامه‌ای برای بازنشستگی خود دارید؟

بازنشستگی دوره جدیدی از زندگی من است. قصد دارم زمان بیشتری برای بعضی علاقه‌هایم، وقت بیشتری برای فرزندان و همسرم، و رسیدگی به امور شخصی‌ام بگذارم و اگر خدا بخواهد خاطرات و تجربه‌هایم را به رشته تحریر درآورم.



و دانش آموز چیزی نمی‌دانی و باید در این زمینه کسب علم و آگاهی کنی. آن وقت است که فکر می‌کنی یک نیمه یا یک تکه از پازل معلمی‌ات گم شده و جست‌وجوگر می‌شوی. رو به سمت بالا حرکت می‌کنی، تغییرات را سریع‌تر می‌پذیری. راحت‌تر عادت‌های خود را تغییر می‌دهی و تدریس به‌روزتری ارائه می‌کنی.

اما اگر فکر کنی چمدان معلمی‌ات پر است و چون سال‌ها تدریس داشته‌ای، پر از علم و اطلاعات هستی، مثل یک دایره، فقط دور خودخواهی چرخید و در نهایت سردرگم خواهی شد. یا آن قدر خود را در اوج خواهی دید که هیچ تلاشی برای بالا رفتن بیشتر نخواهی کرد.

چه آرزویی دارید؟

برای معلمان زحمتکش سرزمینم سربلندی، برای دانش‌آموزان عاقبت‌بخیری و برای آموزش و پرورش کشورم عدالت آموزشی آرزومندم.

خاطرات

جشن نوشتن

در مدرسه ما رسم بود روزی که دانش‌آموزان کلاس اول حروف اسمشان را یاد گرفتند و توانستند آن را کامل بنویسند، جشن کوچکی در کلاس گرفته شود و به دانش‌آموز هدیه‌ای داده شود. من هم خصوصیات اخلاقی و رفتاری خوب و نیک آن دانش‌آموز را روی گلبه‌های گل می‌نوشتم و به او هدیه می‌دادم.

روزی وارد مدرسه شدم. مدیر مدرسه گفت برای کلاس شما مشکلی پیش آمده است. بچه‌ها را به سالن اجتماعات هدایت کرده‌ایم. کلاستان را آنجا برگزار کنید تا مشکل برطرف شود. به سمت سالن رفتیم. وقتی در را باز کردم، با صحنه‌ای مواجه شدم که مات و مبهوت ماندم. همه دانش‌آموزانم به همراه والدینشان داخل سالن جمع شده بودند. با ورود من آهنگ شادی نواخته شد و بچه‌ها فریاد شادی سر دادند. روی میز پر از گل‌های رز زیبا بود که به ساقه هر کدامشان



کارتی آویزان بود. آن روز نه روز تولد من بود، نه روز معلم. مانده بودم پس این جشن برای چیست؟ چشمم به تابلوی داخل سالن افتاد که روی آن نوشته بودند: آموزگار عزیزمان روزها انتظار کشیدیم تا نامتان را آن‌گونه که می‌گوییم، بنویسیم و بخوانیم.

آن روز دانش‌آموزانم خواندن و نوشتن «نام من» را جشن گرفتند و روی کارت‌ها هم خصوصیات اخلاقی مرا نوشته بودند! چه قدر آن روز برایم لذت‌بخش و به یادماندنی شد!

جای بوسه معلم

در دبستان پسرانه و در پایه اول مشغول خدمت بودم. دانش‌آموزی به نام حسین داشتم که مطالب درسی را کمی دیرتر یاد می‌گرفت و در شناخت نشانه‌های الفبایی از دیگران قدری عقب‌تر بود. من معمولاً در ارزشیابی کلاسی، وقتی قرار بود حسین پای تخته بیاید، از کلمات و عبارت‌های ساده‌تری استفاده می‌کردم.

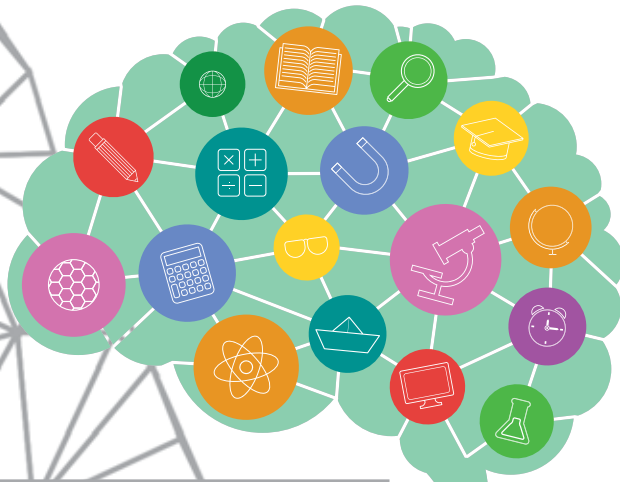
آن روز زنگ آخر بود و بچه‌ها خسته از برنامه روزانه. روی تخته جمله به نسبت طولانی و مشکلی را به شکل نامرتب نوشتم و خواستم یک نفر داوطلب شود و جمله کامل را بنویسد.

حسین با شتاب پای تخته آمد؛ طوری که نتوانستم مانع حضورش

شوم. نگران بودم نتواند از پس این تمرین برآید و سرخورده شود. اما در کمال ناباوری دیدم تمرین را به درستی انجام داد و لبخند رضایت روی لبانش نقش بست. بچه‌ها شروع به دست‌زدن کردند. با اشتیاق فراوان به سمتش رفتم و گونه‌اش را بوسیدم. زنگ مدرسه به صدا در آمد و بچه‌ها به خانه رفتند.

صبح روز بعد وقتی وارد مدرسه شدم، پدر و مادر حسین به همراه پدربزرگ و مادر بزرگ جلوی در کلاس من منتظر بودند. با شادی زیاد تعریف کردند دیروز وقتی حسین به خانه آمد، به او گفتیم دست و صورتت را بشور تا ناهار بخوریم. حسین گفت دست‌هایم را می‌شویم، ولی صورت من را نه؛ چون جای بوسه خانم معلمم پاک می‌شود. می‌خواهم جایش بماند و آن را به همه نشان بدهم.

پیشرفت حسین از آن روز خیلی بهتر شد. الان حسین عزیز من دانشجوی پزشکی است و امیدوارم در کارش موفق باشد.



پایه مغز هستند، شامل حافظه کاری، بازداری پاسخ و انعطاف پذیری شناختی است.

● **حافظه کاری:** حافظه کاری توانایی نگه داشتن اطلاعات در ذهن برای مدت کوتاه (۱۰ تا ۳۰ ثانیه) و دستکاری آن‌هاست. حافظه کاری اطلاعات را از حافظه کوتاه مدت دریافت می‌کند و به حافظه بلندمدت می‌فرستد. زمانی که دانش آموزی توضیحات معلم را برای انجام یک فعالیت به خاطر می‌سپارد و سپس آن فعالیت را انجام می‌دهد، از این عملکرد استفاده می‌کند. همچنین، زمانی که هنگام انجام محاسبات ریاضی، نتایج به دست آمده از یک مرحله از محاسبات را برای به کار گرفتن در مراحل بعدی به ذهن می‌سپارد، حافظه کاری در انجام این عملیات به او کمک کرده است. حافظه کاری در یادداشت برداری درست در کلاس به دانش آموز کمک می‌کند؛ بدین صورت که دانش آموز اطلاعات دریافتی از طریق حواس دیداری یا شنیداری را به حافظه کاری انتقال می‌دهد. حافظه کاری آن اطلاعات را برای مدت کوتاهی نگهداری و سپس دستکاری می‌کند و به متن نوشتاری تبدیل می‌کند.

● **بازداری پاسخ:** توانایی ایجاد درنگ در انجام یک عمل یا یک جریان شناختی و همچنین توانایی متوقف کردن رفتار را بازداری پاسخ می‌گویند. این مهارت شامل توانایی ادراک افکار و انگیزه‌ها برای مقاومت در برابر وسوسه‌ها، حواس پرتی‌ها و عادت‌ها، و متوقف کردن آن‌ها و فکر کردن قبل از عمل است. مهارت بازداری پاسخ، توانایی ارزیابی موقعیت و رفتار را قبل از انجام آن عمل اعمال می‌کند. برای مثال، دانش آموزی با نقص در بازداری پاسخ نمی‌تواند در برابر حواس پرتی‌ها حین انجام تکالیف کلاسی مقاومت کند. بنابراین، با کوچک‌ترین صدا یا محرک دیگر، روند تکلیف را رها می‌کند یا احتمال پاسخ‌های نادرست او افزایش می‌یابد.

● **انعطاف پذیری شناختی:** انطباق با موقعیت‌ها و چالش‌های جدید مهارت بسیار مهمی است که انعطاف پذیری نامیده می‌شود. انعطاف پذیری به دانش آموز کمک می‌کند در موقعیت‌هایی نظیر درگیر شدن با حل یک مسئله پیچیده درسی و به جواب نرسیدن، بتواند راه‌حل‌های جایگزین را امتحان کند. اغلب افراد در مواجهه با موقعیت‌ها یا چالش‌های جدید از راه‌حل‌هایی استفاده می‌کنند که در گذشته مفید بوده است، اما اگر راه‌حلی در موقعیتی اثربخش نبود، لازم است از راه‌حل جدیدی استفاده کنیم و حتی نحوه نگاه خود به مشکل را تغییر

مدیریت اجرایی مغز

زهرة فتحي

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ذهن، مغز، تربیت، مؤسسه آموزش عالی علوم شناختی
محدثه کشاورز اصلانی
معاون آموزشی مدرسه متوسطه یک مفید دخترانه، منطقه ۳ تهران

مقدمه

کارکردهای اجرایی اصطلاحی است کلی که طیف وسیعی از فرایندهای شناختی ما را در بر می‌گیرد. درک آنچه در محیط اطراف ما اتفاق می‌افتد و واکنش مناسب به آن‌ها نتیجه کارکردهای اجرایی مغز است. تصور کنید دانش آموزی در کلاس می‌خواهد به سؤال معلم پاسخ دهد. باید ابتدا به صحبت‌های او توجه کند، اطلاعات مرتبط با سؤال را در ذهنش نگهداری کند، از پاسخ شتاب زده اجتناب کند و در نهایت پاسخ خود را توضیح دهد. مدیریت این فرایندها به کمک کارکردهای اجرایی امکان پذیر است. این کارکردها نه تنها برای تحصیل و کار مهارت‌هایی ضروری هستند، بلکه در زندگی روزمره هم کاربرد فراوان دارند. مثلاً زمانی که می‌خواهیم از خیابان رد شویم و ناگهان اتومبیلی به سرعت به سمت ما می‌آید، به توجه، تصمیم‌گیری و عملکرد مناسب نیاز داریم. یا هنگام آشپزی باید مواد اولیه را به یاد آوریم و دستورالعمل پخت را به ترتیب اجرا کنیم. مدیریت تمامی فرایندهای ذهنی ما در مواجهه با محرک، از توجه گرفته تا برنامه‌ریزی برای عملکرد مناسب، همگی به کمک کارکردهای اجرایی ممکن می‌شوند.

عملکردهای پایه مغز

کارکردهای اجرایی بیشتر شامل توجه، حافظه کاری، بازداری پاسخ، انعطاف‌پذیری شناختی، برنامه‌ریزی، و سازمان‌دهی رفتار می‌شود. اما مهم‌ترین کارکردهای اجرایی که همان عملکردهای

دهیم. انعطاف‌پذیری شناختی توانایی تغییر حالات فکری و تنظیم جهت خواسته‌ها، اولویت‌ها یا دیدگاه‌هاست.

رشد کارکردهای اجرایی

کودکان توانایی نگهداری و استفاده از اطلاعات جدید، توجه پایدار، بازداری پاسخ و برنامه‌ریزی را در سال‌های اولیه کودکی کسب می‌کنند. به‌طور کلی، روند رشد کارکردهای اجرایی به‌طور آهسته از ابتدای کودکی شروع می‌شود و تا نوجوانی ادامه می‌یابد و بعد از نوجوانی با روند ثابتی پیش می‌رود. نشانه‌های اولیه این قابلیت‌ها در سال اول زندگی ظاهر می‌شوند. تا قبل از سه سالگی اکثر بچه‌ها می‌توانند خودشان را در انجام فعالیت‌هایی که فقط دو قانون دارند مدیریت کنند. برای مثال، وقتی می‌خواهند تعدادی توپ جمع کنند، می‌توانند این قانون را اجرا کنند که اگر توپ آبی است، آن را یک طرف بگذارند، اما اگر قرمز است، آن را در سمت دیگری قرار دهند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت، آن‌ها می‌توانند برای تصمیم‌گیری قصدمندانه مسیر توجهشان را تغییر دهند. این یکی از نشانه‌های مهارت انعطاف‌پذیری شناختی است. یکی دیگر از مهارت‌های بچه‌ها در این سن توانایی متمرکز باقی‌ماندن بر یک کار است؛ حتی با وجود عواملی که حواسشان را پرت می‌کند. این ویژگی نشان می‌دهد بچه‌ها سطحی از مهارت بازداری پاسخ را در خودشان توسعه داده‌اند. در عین حال، بچه‌ها در سه سالگی می‌توانند چند قانون را به یاد بسپارند و هم‌زمان با انجام کار اجرایش کنند. پس تا حدی مهارت حافظه کاری هم در این سن توسعه پیدا کرده است. با اینکه این نشانه‌ها شواهد روشنی برای توسعه کارکردهای اجرایی در سه سالگی هستند، اما این مهارت‌ها همچنان به صورت محدود باقی می‌مانند. با این همه، پژوهش‌های زیادی نشان داده‌اند، این مهارت‌ها در بازه سه تا پنج سالگی می‌توانند رشد چشمگیر و پرسرعتی داشته باشند. در واقع ذهن کودک پنج‌ساله به‌طور خارق‌العاده‌ای پیچیده است. کودکان پیش‌دبستانی بزرگ‌تر می‌توانند به حل مسائلی بپردازند که به توجه به قوانین متعدد و ناسازگار با هم نیاز دارند. برای همین در حین بازی می‌توانند از قوانین متعدد بازی تبعیت کنند. همچنین، آن‌ها می‌توانند از انجام کارهایی که خیلی به آن تمایل دارند، اما کار مناسبی به نظر نمی‌رسند، پرهیز کنند، در رویه‌هایی که در پیش گرفته بودند تجدید نظر کنند و برنامه‌هایی شامل چند مرحله را اجرا کنند. در نهایت، در هفت سالگی برخی از مهارت‌ها و کارکردهای اجرایی کودکان به طرز خارق‌العاده‌ای مشابه بزرگسالان است.

روش‌هایی برای بهبود کارکردهای اجرایی در کلاس درس

● **بازی:** بازی‌های کارتی، جورچینی و رایانه‌ای، در صورتی که با نظارت و برنامه‌ریزی مناسب استفاده شوند، می‌توانند منابع خوبی برای ارتقای کارکردهای اجرایی باشند. بازی‌های کارتی و پازلی که نیازمند تعامل و بررسی پیوسته محیط بازی هستند و واکنش‌های سریع می‌طلبند، می‌توانند توجه‌گزینشی، نظارت و بازداری را تقویت کنند. حرکت در جهان‌های پیچیده و خیالی که در بسیاری از بازی‌های رایانه‌ای طراحی شده‌اند، می‌توانند

حافظه کاری را ارتقا بخشند. این قبیل بازی‌ها می‌توانند به‌عنوان بخشی از فعالیت‌های کلاسی در نظر گرفته شوند.

● **اجرای تئاتر:** هر اجرا نیازمند هماهنگی بسیاری زیاد بین افراد پشت صحنه و روی صحنه است. این افراد باید کارشان را به یاد بیاورند، با زمان‌بندی مشخصی آن را انجام دهند و رفتارشان را مدیریت کنند. برای بازیگران حفظ کردن گفت‌وگوها و انجام حرکات‌های مربوط به شخصیتشان، نیازمند مهارت بسیار بالا در حافظه کاری و توجه است. اجرای نمایش هم می‌تواند به‌عنوان فعالیتی فوق برنامه برای دانش‌آموزان در نظر گرفته شود.

● **ورزش:** ورزش‌های رقابتی یا بازی‌های فیزیکی می‌توانند توجه پایدار، سازمان‌دهی رفتار، تصمیم‌گیری سریع و پاسخ انعطاف‌پذیر را در دانش‌آموزان تقویت کنند. فعالیت‌های هوازی منظم می‌توانند به بهبود کارکردهای اجرایی کمک کند. بنابراین، در محیط مدرسه باید به ورزش و بازی‌های فیزیکی دانش‌آموزان هم توجه کرد.

● **تقویت خودنظارتی در دانش‌آموزان:** معلمان می‌توانند زمانی را برای تقویت خودنظارتی دانش‌آموزان اختصاص دهند. تشویق دانش‌آموزان به نوشتن یادداشت‌های روزانه، به آن‌ها کمک می‌کند از افکار، احساسات، باورها و تصمیمات خود آگاه باشند و بر آن‌ها نظارت داشته باشند. همچنین، کمک به دانش‌آموزان در درک درست انگیزه‌های دیگران و هم‌کلاسی‌هایشان می‌تواند به آن‌ها کمک کند خودنظارتی بیشتری بر افکار و احساسات خود داشته باشند. در این روش می‌توان از دانش‌آموزان خواست فرضیه‌های خود را درباره انگیزه‌های دیگران مطرح و در مقابل فرضیه‌های جایگزین را بررسی کنند. مثلاً معلم می‌تواند با طرح سؤالاتی از قبیل: «چرا فکر می‌کنی او عمداً جواب سؤال تو را نداده»، «می‌توانی به این فکر کنی که ممکن است او نمی‌دانسته تو داری از او سؤال می‌پرسی»، به دانش‌آموز کمک کند فرضیه‌های جایگزین را بررسی کند و از این طریق بر افکار و احساسات خود نظارت بیشتری داشته باشد.

● **تقویت مهارت برنامه‌ریزی در دانش‌آموزان:** معلمان می‌توانند زمانی را برای کمک به دانش‌آموزان در برنامه‌ریزی درست اختصاص دهند. در ابتدا به آن‌ها کمک کنند به این پرسش پاسخ دهند که در زندگی چه هدفی دارند. سپس اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت خود را شناسایی کنند، برای رسیدن به اهداف بلندمدت، ابتدا اهداف کوتاه‌مدت را تحقق بخشند و برای رسیدن به آن‌ها برنامه‌ریزی کنند. به مشکلات اجتماعی و خانوادگی دانش‌آموزان که مانع تحقق اهداف آن‌ها می‌شوند بی‌توجه نباشند و در جهت رفع این مشکلات به دانش‌آموز کمک و مشاوره دهند. به دانش‌آموزان یادآوری کنند، در تمام این مراحل، بر روند برنامه‌ریزی خود نظارت آگاهانه داشته باشند.

منابع

1. Anderson, Peter (2002). Assessment and Development of Executive Function (EF) During Childhood. Child Neuropsychology, 8:2, 71-82, DOI: 10.1076/chin.8.2.71.8724.
2. Center on the Developing Child at Harvard University (2014). Enhancing and Practicing Executive Function Skills with Children from Infancy to Adolescence. Retrieved from: www.developingchild.harvard.edu.

صلاحیت معلمی

■ دکتر منیره رضایی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه تعلیم و تربیت

الهام باشند و اثری مطمئن و پایدار بر نوجوانان داشته باشند، به گونه‌ای که آن‌ها بتوانند در ارتباط با تعلیم و تربیت، کار و زندگی آینده، دست به انتخاب بزنند. به سخن دیگر، معلمان، مؤثرترین مؤلفه در مدرسه هستند که بر یادگیری دانش‌آموزان بیشترین تأثیر را دارند. آن دسته از نظام‌های آموزشی که عملکرد بالایی دارند، بر بهبود آموزش متمرکز می‌شوند، زیرا آموزش بر موفقیت دانش‌آموزان اثر مستقیمی دارد. از این رو، بهبود کیفیت معلم، اصلاحی اساسی برای بهبود موفقیت

■ معلمان در آماده‌سازی نوجوانان برای هدایت زندگی موفق و مفید مسئولیت مهم و درخور توجهی دارند. شواهد ملی و بین‌المللی نشان می‌دهند، اثربخشی معلم تأثیری قوی و نیرومند بر دانش‌آموزان دارد. اتفاق نظر و اجماع گسترده‌ای در این باره وجود دارد که کیفیت کار معلم، مهم‌ترین عنصر در مدرسه است که بر موفقیت دانش‌آموزان اثر می‌گذارد. کیفیت کار معلم بزرگ‌ترین عامل درون مدرسه‌ای مؤثر بر تعهد و نتایج دانش‌آموز است. معلمان اثربخش می‌توانند منبعی از

دانش‌آموزان محسوب می‌شود و به‌منظور بهبود نظام‌های آموزشی، نه تنها معلمان یکی از متغیرهای نیازمند تغییر هستند، بلکه مهم‌ترین عامل ایجادکننده تغییر هم محسوب می‌شوند (شورای تدریس با کیفیت^۱، ۲۰۰۱).

تعریف صلاحیت^۲

اصطلاح صلاحیت معانی متعددی دارد و همچنان یکی از مبهم‌ترین واژه‌ها در بخش توسعه مدیریت و ادبیات سازمانی و شغلی است. در لغت‌نامه دهخدا، صلاحیت به معنای شایستگی، در خوری، سزاواری و اهلیت، و در فرهنگ فارسی معین به معنای شایسته‌بودن و شایستگی آمده است. در بسیاری از تعاریف، کلماتی مانند «مهارت»، «توانایی» و «ظرفیت» به‌عنوان معنی این اصطلاح به‌کار رفته‌اند (انتشارات وزارت آموزش و پرورش کانادا، ایالت آلبرتا، ۲۰۱۲: ۲). واژه صلاحیت برای اولین بار در مقاله وایت^۳ در سال ۱۹۵۹ به‌عنوان مفهومی برای انگیزه عملکرد مطرح شد. پس از آن در سال ۱۹۷۰ لاندبرگ^۴ این مفهوم را در «طراحی برنامه توسعه اجرایی»^۵ تعریف کرد. این واژه در سال ۱۹۷۳ که مک‌کلند^۶ مقاله‌ای با عنوان «آزمونی برای صلاحیت به جای هوش»^۷ نوشت، جذبه و کشش بیشتری به دست آورد. بعدها این مفهوم در رابطه با بهبود عملکرد به کار رفت. کاربردهای این واژه تا حد زیادی متفاوت هستند و بدفهمی‌های قابل ملاحظه‌ای را موجب شده‌اند.

سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^۸، با تعریف صلاحیت به‌عنوان «توانایی پاسخ‌گویی به مطالبات یا انجام موفقیت‌آمیز یک وظیفه یا تکلیف، آن را شامل دو بعد شناختی و غیرشناختی می‌داند». این سازمان در پروژه «تعریف و انتخاب صلاحیت‌ها: بنیادهای نظری و مفهومی»^۹، صلاحیت را فراتر از دانش یا مهارت‌ها قلمداد کرده و بیان می‌کند: «هر صلاحیتی مستلزم توانایی پاسخ‌گویی به مطالباتی پیچیده است و در نتیجه لازم است از منابع روانی - اجتماعی (از جمله مهارت‌ها و نگرش‌ها) موجود در بافتی خاص، کمک گرفته شود و آن صلاحیت آماده استفاده شود (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، ۲۰۰۲). کمیسیون اروپا^{۱۰} هم در فهرست اصطلاحات «مرکز توسعه آموزش حرفه‌ای»^{۱۱}، مهارت را توانایی انجام وظایف و حل مسائل تعریف می‌کند، حال آنکه صلاحیت را توانایی به‌کارگیری پیامدهای یادگیری در بافتی خاص معرفی می‌کند؛ برای مثال در آموزش، در محیط کار و در جریان توسعه فردی یا حرفه‌ای (به نقل از انتشارات وزارت آموزش و پرورش کانادا، ایالت آلبرتا، ۲۰۱۲: ۳۱).

صلاحیت، کیفیت یا حالت لایق بودن یا برخورداری از دانش، توانایی و مهارت است. قابلیت، ویژگی (خصوصیت)، توانش یا فرایندی است که می‌تواند پرورش پیدا کند یا بهبود یابد. قابلیت نوعی فرایند همکاریانه است که می‌تواند توسعه یابد و صلاحیت‌های فرد از طریق آن به کار گرفته و از آن‌ها بهره‌برداری شود. پرسش مرتبط با قابلیت این نیست که چه کسی می‌داند چگونه،

بلکه پرسش این است که چگونه می‌توانیم آنچه را نیاز است، انجام دهیم؟ یا چقدر آسان است صلاحیت‌هایی را که بدان‌ها نیاز داریم، به دست آوریم، گسترش دهیم یا به کار بگیریم؟ (همان).

ظرفیت، قدرت تحمل، پذیراشدن یا تطبیق است. ظرفیت در واقع درباره میزان یا حجم است. پرسش مرتبطی که با ظرفیت ارتباط دارد، عبارت از این است که آیا ما به اندازه کافی داریم؟ و پرسش مرتبط دیگر این است که چه مقدار مورد نیاز است؟ گفت‌وگوهای اخیر با شمار زیادی از مشتریان محصولات تولیدکنندگان آشکار کرد، در حالی که آن‌ها صلاحیت‌هایی در فناوری‌ها یا حتی برخی قابلیت‌های ضروری معین داشتند، اما سال‌ها خرید آن‌ها از بیرون، ظرفیت داخلی‌شان را کم‌مایه و اندک کرده بود. آن‌ها کمتر به واسطه آنچه می‌دانستند و بیشتر به دلیل ناتوانی در به‌کارگرفتن مهارت‌ها و دانش درباره اینکه چگونه در جاهایی که به آن مهارت‌ها نیاز است از آن‌ها استفاده کنند، محدود شده بودند.

در مجموع می‌توان گفت، صلاحیت‌ها چیزی است که افراد بدان نیاز دارند تا در شغل خود موفق باشند. صلاحیت‌های شغلی همان وظایف شغلی نیستند، بلکه بر همه دانش، مهارت‌ها، توانایی‌ها، و خصلت‌ها و ویژگی‌هایی مشتمل هستند که شغل فرد را تشکیل می‌دهند. این مجموعه خصایص و ویژگی‌های خاص یک بافت و زمینه، با عملکرد برتر و بالاتر شغلی ارتباط پیدا می‌کند و می‌تواند به‌عنوان استاندارد برای سنجش عملکرد شغلی و نیز تربیت، استخدام و جذب کارکنان به کار گرفته شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Quality Teaching Council

۲. واژه Competency در فارسی با کلمات متفاوتی از قبیل صلاحیت، ظرفیت، توانش، قابلیت و به‌طور ویژه در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با کلمه «شایستگی» معادل‌سازی شده است. مجری این طرح پژوهشی با ترجیح معادل «صلاحیت»، در این متن و سایر موارد، از این واژه هم استفاده کرده است.

3. R.W.White

4. Creig C.Lunderberg

5. planning the Executive Development Program

6. David Mc Clelland

7. Testing for Competence Rather Than for Intelligence

8. The Organization for Economic Co- Operation and Development.

9. The Definition and Selection of Competencies: Theoretical and conceptual foundations (De SeCo)

10. European comission

11. The European Commission's "Cedefop" glossary.

گفت‌وگو با حسین کیایی،
مدیر دبیرستان دولتی شهید ثانی
شهرستان بابل
استان مازندران



توسعه حرفه‌ای

معلمان

کلید کیفیت آموزش و پرورش

انلدار محمدزاده صدیق

نظر به اهمیت شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان، به نظر شما برای توسعه حرفه‌ای ایشان در مدرسه چه اقداماتی باید انجام داد؟

در عصر دانایی و با توجه به توسعه شگرف علوم و فنون گوناگون در جهان امروز و لزوم سرعت‌بخشی به دانش‌افزایی معلمان، باید روی چند مهارت تمرکز شود: آشنایی دقیق با فناوری اطلاعات و مهم‌تر از آن توانمندی به کارگیری این فنون در جریان آموزش؛ مهارت تقویت فنون پژوهش و مهم‌تر از آن بهره‌گیری از نتایج پژوهش به صورت عملکردی؛ مهارت اقدامات خلاقانه که جریان یاددهی-یادگیری را متأثر می‌کند و در مجموع ارتقای مهارت‌های کلاس‌داری و آگاهی کامل از فنون آموزش مجازی، با توجه به شرایط آموزش غیرحضوری.

شما به عنوان مدیر مدرسه عملکرد معلمان را چگونه نظارت می‌کنید و چه اقداماتی در این راستا انجام می‌دهید؟

در بحث نظارت، به‌طور عمیق به این موضوع اعتقاد داریم که نظارت بر عملکرد دبیران و معلمان از «صلاحیت‌های حرفه‌ای» مدیران مدرسه‌هاست. از آنجا که عموماً نظارت‌ها به واکنش منفی معلمان منجر می‌شود، لازم است ما مدیران فرایند نظارت را به‌منظور ارزشیابی از عملکرد آنان دقیق‌تر و منطقی‌تر کنیم. بنابراین، در اولین جلسه شورای دبیران (قبل از شروع سال تحصیلی) حدود انتظارات و برنامه یک ساله مدرسه به‌طور دقیق تشریح می‌شود. به‌صورت منطقی

■ حسین کیایی کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی است و مسیر مدیریت بر مراکز آموزشی را به‌صورت پلکانی با ۹ سال تدریس ریاضی در مدرسه‌های شهرستان بابل، ۷ سال معاونت، ۵ سال کارشناسی آموزش در اداره و ۹ سال مدیریت در مدرسه‌های شهرستان سپری کرده است. کیایی مؤلف دو کتاب آموزشی ریاضی است و در چندین جشنواره الگوهای برتر تدریس و جشنواره‌های دانش‌آموزی رتبه کسب کرده است. او همچنین کسب سه عنوان شهرستانی و استانی در هویت‌بخشی به فرهنگ بومی و انتخاب مدیریت برتر استانی در طرح بوم (برنامه ویژه مدرسه) را در کارنامه خود دارد.



و مستمر عملکرد دبیران رصد شده و بازخورد هم در زمان مناسب و به‌طور انفرادی به دبیران ابلاغ می‌شود. دریافت اطلاعات از طریق ارائه برگه نظرسنجی به دانش‌آموزان در دو مرحله با معیار عددی و همچنین ارائه فرم نظرسنجی به والدین با معیار متنی و تشریحی، ثبت و درج دقیق ارزیابی‌ها و رصد دقیق عملکرد از طریق دفتر معاونان و حضور بالینی از ابزارهای نظارتی مدرسه است. نکته مهم‌تر اینکه با توجه به شرایط بهداشتی جدید، تغییر شکل و ماهیت آموزش به‌صورت آموزش مجازی و غیرحضور، تغییراتی هم در روند نظارت بر عملکرد داده‌ایم. یعنی نظارت بالینی و حضور مجازی در کلاس درس غیرحضور دبیران و دریافت اطلاعات از نحوه و قدرت و تسلط دبیران بر مدیریت کلاس را هم دقیق رصد می‌کنیم.

شما به‌عنوان مدیر مدرسه برای افزایش کیفیت کار معلمان و برنامه‌های درسی چه پیشنهادی دارید؟ لطفاً به تفکیک توضیح دهید.

معلمان برای کسب موفقیت در ارتقای کیفیت تدریس به افزایش گستره دانش و به‌خصوص گستره مطالعاتی خود نیاز دارند. مدیریت بر چگونگی رؤیایی با معضلات و چالش‌های جدید، بی‌شک مهم‌ترین مؤلفه در این مسیر خواهد بود. اولین قدم به‌روزرسانی اطلاعات و آگاهی از فنون و نرم‌افزارهای موجود در کشور است تا از دانش‌آموزان عقب‌نمانیم. فراگیرندگان را در انتخاب راه آزاد بگذاریم، از ابتکارات آن‌ها استقبال کنیم، چگونگی تبادل آزادانه افکار را به آنان آموزش دهیم و امکان اجرای آن‌ها را در کلاس‌ها فراهم کنیم. در کلاس‌های درس از بازخوردهای مثبت و فوری برای تقویت انگیزه استفاده کنیم، در شیوه‌های ارزشیابی تغییر ایجاد کنیم و از شیوه‌ها و روش‌های متنوع اندازه‌گیری از اندوخته‌های دانش‌آموزان استفاده کنیم.

چالش‌ها و موانع پیش روی مدیران برای اجرای مفاد سند تحول بنیادین برای نیل به تربیت دانش‌آموزان چیست؟

به نظر من، اولین چالش فراروی مدیران مدرسه، استمرار تمرکز در مدیریت آموزش و پرورش است که خود بزرگ‌ترین مانع تحول است و این یعنی بی‌توجهی به موضوع مهم بومی‌سازی آموزش. تغییرات در مدیریت مدرسه و گرایش ناهمگون به انتصاب



مدیر، هم در حوزه ستاد و هم در بخش صف (بی‌ثباتی در چرخه مدیریت) به فرایند اجرای طرح‌های تأثیرگذار در بخش‌ها و ساحت‌های شش‌گانه سند تحول ضریب سنگینی وارد کرده است. از دیگر موانع، فراهم‌نبودن بودجه کافی برای اجرای بندهای هزینه‌ای سند تحول است. ضمن اینکه همکاری بین‌بخشی در فرایند اجرای ساحت‌های موجود در مفاد آیین‌نامه و سند تحول بسیار کم‌رنگ است و در مواردی تعریف نشده است. کمبود شدید نیروی انسانی و اجبار مدرسه به تأمین و پرداخت بخشی از حق‌الزحمه‌ها مشکلات فراوانی فراروی مدیران پدید آورده است و در نهایت ناآگاهی بیشتر مدیران از مفاد و اهداف سند تحول بنیادین مانع بزرگی بر سر راه اجرای منویات سند تحول است.

■ مسابقات ورزشی

با هدف‌گذاری خاص و در فرایندی سه‌ساله از سال ۹۶ آغازگر راه شدیم تا طی سه‌سال بنییه و شاکیله ورزشی محکمی در مدرسه ایجاد شود. فقط در سال تحصیلی ۹۹-۹۸ با شرایطی که دانش‌آموزان فقط پنج‌ماه از سال را در مدرسه حضور داشتند، با کسب ۹ عنوان قهرمانی و ۲ عنوان نایب قهرمانی تاریخ‌ساز شدند و مقام قهرمان ورزشی را بین ۵۲۷ مدرسه شهرستان کسب کردند.

■ بستر آموزش غیرحضوری

اما مدرسه در بستر و شرایط آموزش غیرحضوری، با اعمال شیوه آموزش غیرحضوری، به یک زیرساخت فنی مورد اطمینان نیاز داشت که در شاخه‌های منابع انسانی و تجهیزات فنی انجام شدند. در خصوص منابع انسانی، توسعه آموزش‌های فنی دبیران و کارکنان و توسعه آموزش و به‌کارگیری ابزار آموزش مجازی برای دانش‌آموزان و اولیا را در دستور کار قرار دادیم و در زمینه تجهیزات فنی، استقرار سخت‌افزارهای لازم شامل تهیه تعداد ۱۸ رایانه کیفی (لپ‌تاپ) و ۱۲ تبلت حرفه‌ای و قلم نوری و اجرای فیبرنوری با دو مودم و خرید و مدیریت بر صفحه‌های تدریس زنده اسکای‌روم و خرید و مدیریت بر پتل آزمون‌ساز برای برگزاری آزمون‌های مجازی برخط ماهانه، از جمله اقدامات کاربردی در این بخش بود.

■ آموزش مجازی

برای طراحی در برنامه آموزش مجازی و کاملاً غیرحضوری، اصولی را مدنظر قرار دادیم: نگاه برابر و بدون درجه‌بندی به همه درس‌ها، استفاده از تمام ابزار و نرم‌افزارهای آموزشی موجود و اطمینان از پوشش کامل دانش‌آموزان در بستر آموزش مجازی از جمله این موارد بودند.

در خصوص فعالیت‌هایی که در مدرسه تحت مدیریت شما، به‌منظور دستیابی به اهداف تعلیم و تربیت و ساحت‌های شش‌گانه تربیتی در این دبیرستان انجام شده است، توضیح دهید.

سؤال اینجاست که چرا در والدین و دانش‌آموزان ورودی پایه هفتم برای ثبت‌نام در این دبیرستان این همه علاقه‌مندی ایجاد شده است. اشاره به بخشی از کارکردهای مثبت مدرسه شاید قسمت کوچکی از این علامت سؤال را روشن کند.

■ بخش علمی و آموزشی

سطح بالای دانش‌آموزان پذیرفته‌شده در مدرسه‌های تیزهوشان و نمونه‌دولتی، راهیابی به مرحله استانی در پنج محور از شش محور جشنواره نوجوان خوارزمی و کسب رتبه اول کشوری در بخش دست‌ساز جشنواره نوجوان خوارزمی قابل ذکر است.

■ جشنواره‌ها و مسابقات فرهنگی- هنری

کسب عنوان «مدرسه برتر تربیتی» شهرستان و استان؛ کسب رتبه اول مسابقات فرهنگی، هنری و پرستش مهر؛ جشنواره

تجربه زبانی

منیژه حسنی
دبیر زبان انگلیسی
استان کردستان، منطقه موجش

مختلف یادگیری افعال در سه بخش مختلف کتاب در دوره متوسطه ۱ و ۲ می‌پردازند.

از طرفی با ایجاد ارتباط‌های اجتماعی از طریق بازی، علاوه بر آموزش مفاهیم شناختی، به بعضی از اهداف آموزشی، یادگیری عاطفی و نگرشی نیز دست می‌یابیم.

همچنین با شرکت دادن دانش‌آموزان در برنامه‌ریزی و تدارک وسایل لازم و آموزش صرفه‌جویی در هزینه، قبل از اجرا و حین بازی می‌توان به اهداف بیشتری نائل شویم.

در این روش معلم، فقط نقش تسهیل‌کننده دارد و با شور و نشاط بازی، بچه‌ها بدون خستگی می‌توانند شکل صحیح افعال را به خوبی یاد بگیرند و با کاربرد صحیح جملات در زندگی روزمره به خوبی آشنا شوند.

این نوع تدریس به پویایی، نشاط فضای آموزشی و در نهایت کارآمدی یادگیری و کیفیت‌بخشی به فرآیند آموزش کمک بسیاری خواهد نمود.

چون محل قرارگیری یادگیری زبان در مغز درست، کنار محل قرارگیری یادگیری حرکتی است؛ بازی و حرکت می‌تواند پشتیبانی بسیار قوی برای آموزش مفاهیم انتزاعی و آشنایی با رویدادهای واقعی در زندگی دانش‌آموزان باشد (تلخایی، ۱۳۹۸). در پایان کلاس با استفاده از روش سنجش سه‌دو یک و انعکاس در نوشته‌های بچه‌ها فهمیدیم که درس را به خوبی یاد گرفته‌اند.

منبع
تلخایی، محمود (۱۳۹۸). شناخت و تربیت. انتشارات سمت.



یکی از موضوعات زبان انگلیسی که مدت‌ها پیش خودم، به‌عنوان دانش‌آموز، همیشه فراموش می‌کردم، قرار گرفتن دو فعل کنار هم بود. سعی کردم این مطلب را برای دانش‌آموزانم به بهترین وجه، تدریس نمایم. از طرفی همیشه یکی از موضوعاتی که آن‌ها در آزمون اشتباه می‌کردند فراموش کردن نحوه درست قرار گرفتن دو فعل کنار هم بود. تصمیم گرفتم این موضوع را به‌صورت بازی در بیاورم و سنجش بچه‌ها از طریق بازی و در راستای آموزش باشد.

از گروه اول خواستم تعدادی از افعال را روی CD بنویسند. این فعل‌ها از تمام بخش‌های مختلف کتاب جمع‌آوری شده بود. کاردستی را که طراحی کرده بودم به کلاس آوردم. یک تخته الوار که سه عدد چوب بستنی روی آن تعبیه شده بود، در کنار هر چوب بستنی سه فرم از افعال قید شده بود (فعل ساده - مصدر با to و فعل یدار).

پس از تدریس این بخش به منظور سنجش عملکردی، از بچه‌ها خواسته شد جهت اجرای بازی در دو ردیف قرار بگیرند و افعال را (CDها) در جای درست، داخل هر کدام از چوب بستنی‌ها پس از خواندن جمله‌ای که فعل دوم آن افتاده بود، قرار دهند. اگر دانش‌آموزی اشتباه می‌کرد دوباره به انتهای صف می‌رفت تا این افعال مجدداً پرسیده شود و آن را در جای درست قرار دهند. چون این کار گروهی بود، آن‌ها فرصت تبادل اندیشه را نیز داشتند و همچنین خوارزمایی توسط خود بچه‌ها انجام می‌شد.

این کار آنقدر ادامه داشت تا بچه‌ها تمام افعال را در جای درست قرار می‌دادند. شور و نشاط دانش‌آموزان در حین انجام بازی و مشورت با همدیگر جهت دریافت جایزه، فضایی خاص به کلاس بخشیده بود.

این بازی هم برنده داشت و هم بازنده. مجازات بازنده، رفتن به انتهای صف بود که می‌بایست منتظر بمانند تا نوبت آن‌ها دوباره برسد اما این انتظار باعث می‌شد به سؤالات دانش‌آموزان دیگر توجه خاصی داشته باشند چون ممکن بود سؤال خودشان هم باشد و به این ترتیب بازی و یادگیری به پایان رسید.

در واقع ایجاد موقعیت‌های یادگیری تعاملی، روش‌های مطلوب آموزش و پرورش به شمار می‌آید. پژوهشگران و دانشمندان در حوزه آموزش و پرورش، ارزش‌های والای «تعاملی بودن محیط‌های آموزشی» را پیوسته مطرح و بر آن تأکید کرده‌اند. این محیط‌ها شامل موقعیت‌هایی هستند که در آن‌ها دانش‌آموزان به جای اینکه، گیرندگان غیرفعال اطلاعات از منابع آموزشی باشند، خود به‌طور مستقیم در فرآیند یادگیری شرکت فعالانه دارند و از طرفی یکی از موقعیت‌های تعاملی بین شاگرد و معلم، «بازی‌های آموزشی» است که در بطن خود، دارای هدف آموزشی است؛ یعنی انتقال نکته‌ای خاص، برجسته کردن قابلیت‌های ویژه با تعمیق مهارت‌ها.

در این بازی تمامی فراگیران بدون این‌که خود احساس کنند به تمرین و تکرار مفاهیم یا مهارت‌های

گام دوم معلمی

کنند خود به آن ارزش‌ها دست یابند. معلم با آموزش رفتارهای درست به یادگیرنده و هدایت او به سوی فضایل و کمالات اخلاقی و بازداشتن او از ردایلی اخلاقی و رفتارهای ناپسند و کنارزدن موانع تربیت، زمینه رشد و تربیت را فراهم می‌کند و بدین‌وسیله دانش‌آموز، خود را برای رسیدن به رستگاری تربیت و تزکیه می‌کند. خودسازی ابعاد گسترده‌ای دارد. با این حال خودسازی تربیتی و اخلاقی بر سایر سازندگی‌ها مقدم است. چرا که تا انسان خودساخته و معنویت‌گرا نباشد، سایر تلاش‌های او نیز خیری برای جامعه‌سازی در پی نخواهد داشت.

۲. تهذیب و تعلیم

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به هر دو مقوله علم و دانش و معنویت و اخلاق اشاره کردند. معنویت به معنی برجسته‌سازی ارزش‌های اخلاق و رعایت فضیلت‌های اخلاقی است و این وظیفه بر عهده معلمان گذاشته شده است تا با تربیت نیروی جوان و انقلابی، حوزه علم و پژوهش کشور را به قله‌های افتخار برسانند. «معنویت و اخلاق جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است. بودن آن‌ها محیط زندگی را، حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند». در گام دوم انقلاب اسلامی، معلمان باید به هر دو مقوله راهبردی علم و اخلاق توجه ویژه داشته باشند و به همان اندازه که به موضوع آموزش معلومات و مهارت‌ها اهمیت می‌دهند، مباحث تربیتی و اخلاقی آن‌ها را نیز مدنظر قرار دهند. رابطه دانش‌آموز با معلم باطنی و معنوی است. دانش‌آموز معلم را شخصیتی محترم و ممتاز می‌داند که او را در بزرگ‌شدن و به استقلال و آزادی رسیدن و به عضویت رسمی جامعه درآمدن کمک و مساعدت می‌کند. معلم نیز با روح و جان دانش‌آموز سروکار دارد. به همین دلیل به‌عنوان یک الگو پذیرفته می‌شود. در دنیایی که تولیدات غیر اخلاقی ابرقدرت‌های رسانه‌ای سعی دارند جوانان ایرانی را از معنویت و اخلاق‌مداری بازدارند، این وظیفه معلمان است که با نشان دادن الگوی مناسب رفتاری، یادگیرندگان را با گزاره‌های دینی و اخلاقی آشنا کنند. «معلم باید به این مسئولیت سنگین و ارزشمند و میزان نفوذش در دانش‌آموزان خوب بیندیشد و با اصلاح و اخلاق و رفتار خویش بهترین الگوها را در اختیار دانش‌آموزان یا دانشجویان قرار دهد.»

۳. تربیت دانش‌آموزان مقاوم و عزت‌مدار

در گام دوم انقلاب اسلامی، تمام تلاش معلمان باید در راستای توانمندسازی و مقاوم‌سازی دانش‌آموزان به‌منظور ایجاد مهارت و حس استقلال‌طلبی، عزت‌مداری و آزادی باشد. فرهنگ تربیتی مبتنی بر آزادی و استقلال و آرمان‌گرایی اسلامی بدون امید به ابرقدرت‌های استکباری، با تلاش و تکیه بر آرمان‌های ناب اخلاقی و اسلامی، به دنبال دستیابی به تمدن نوین اسلامی است. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در تبیین این وظیفه سنگین فرموده‌اند: «استقلال و آزادی، استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر

سارا ابراهیمی

عضو هیئت علمی
سازمان پژوهش
و برنامه‌ریزی آموزشی

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ در ترسیم مسائلی اصلی انقلاب توسط مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در هفت فصل نگاشته شده است. ایشان در این بیانیه با تبیین روشن دستاوردها و کارآمدی‌های انقلاب و برنامه آینده آن، جوانان مؤمن و انقلابی را به پذیرش مسئولیت‌های بزرگ و نقش‌آفرینی در گام دوم انقلاب فراخواندند. از جمله مخاطبان اصلی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، دانش‌آموزان هستند. از آن‌جا که مسئولیت پرورش نسل علمی و فرهنگی جامعه اسلامی بر عهده معلمان است، بنابراین، معلمان باید اهداف این بیانیه را به دانش‌آموزان منتقل کنند. در این بیانیه، مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) مأموریت‌هایی را برای نسل جوان مشخص کردند: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن و سبک زندگی. بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، نقش معلمان را می‌توان در این موارد خلاصه کرد:

۱. خودسازی (مقدم بر جامعه‌سازی)

خودسازی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به‌عنوان مقدمه و شرط جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی مطرح شده است، چرا که تا انسان خودساخته و معنویت‌گرا نباشد، سایر تلاش‌های او نیز دستاوردی برای جامعه‌سازی به دنبال نخواهد داشت. خودسازی و اصلاح رفتار و گفتار، آرامش روانی و پاک‌سازی روح فرد و جامعه را از آلودگی‌های اخلاقی به دنبال دارد. در این راستا ضروری است معلمان پیش از آموزش ارزش‌های والا تلاش

جهان است و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه است و این هر دو از جمله ارزش‌های اسلامی‌اند. همه به‌خصوص دولت جمهوری اسلامی موظف به حراست از آن با همه وجودند. بدیهی است که «استقلال» نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود و «آزادی» نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی تعریف شود.»

۴. تربیت دانش‌آموزان عدالت‌پیشه و فسادستیز

بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، یکی از وظایف و رسالت‌های معلمان، تربیت دانش‌آموزانی عدالت‌پیشه و فسادستیز است. در موضوع جامعه‌پردازی، این فسادستیزی است که عدالت را در جامعه اسلامی تقویت می‌کند. جامعه بی تفاوت در برابر فساد و بی‌عدالتی نمی‌تواند پیشرفت و عدالت را تجربه کند. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در این باره فرمودند: «عدالت و مبارزه با فساد، این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، همچون توده چرکین کشورها و نظام‌هاست و اگر در بدنه حکومت‌ها عارض شود، زلزله‌ای ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آن‌هاست و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌هاست.»

برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دوپست‌ساله فراهم کند. ما از صفر شروع کرده‌ایم. عقب‌ماندگی شرم‌آور علمی در دوران پهلوی‌ها و قاجارها در هنگامی که مسابقه علمی دنیا تازه شروع شده بود، ضربه سختی بر ما وارد کرده و ما را از این کاروان شتابان، فرسنگ‌ها عقب نگه داشته بود. ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می‌رویم، ولی این شتاب باید سال‌ها با شدت بالا ادامه یابد تا آن عقب‌افتادگی جبران شود. این جانب همواره به دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدی در این باره تذکر و هشدار و فراخوان داده‌ام، ولی اینک مطالبه عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید.»

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) سفارش کرده‌اند در گام دوم انقلاب اسلامی جوانان باید قله‌های علمی کشور را با شتاب بیشتری طی کنند و معلمان نیز در تربیت و هموار کردن مسیر این جوانان نقش بسزایی دارند.

بر این اساس، معلمان به‌عنوان بازوهای اصلی تفهیم و اشاعه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، در راستای به ثمر رسیدن اهداف این سند ضروری است به خودسازی دانش‌آموزان، اخلاق‌مداری و تعلیم، تربیت دانش‌آموزان مقاوم و عزت‌مدار، عدالت‌پیشه

تصویر متعلق به دوران قبل از کرونا است



۵. کمک به پیشرفت علمی کشور

اهداف متعالی نظام‌های تعلیم و تربیت در ابعاد گوناگون، در نهایت به واسطه معلمان محقق می‌شود. جامعه معلمان در مواجهه با تبلیغات رسانه‌های غربی و آمریکایی مبنی بر القای ناامیدی و ایجاد روحیه سرخوردگی در جامعه دانش‌آموزی، باید با تقویت روحیه امیدواری و توکل به خدا و بیان اهمیت علم‌آموزی، حرکت علمی دانش‌آموزان را تقویت کنند. در این زمینه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی چنین بیان داشتند: «دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به

و فسادستیز و پیشرفت علمی کشور توجه و اهتمام بیشتری داشته باشند. تحقق این اهداف در حوزه رسالت‌های معلمی، خود مستلزم توجه ویژه مدیران عالی آموزش و پرورش به مفاد و محتوای این سند است.

منابع

۱. بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران (۱۳۹۷/۱۱/۲۲).
۲. خوشنامی، مرتضی (۱۴۰۰). نقش معلمان در تحقق منویات رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب. اولین کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت.

اثر بخشی برنامه ویژه مدرسه
بر انگیزه پیشرفت دانش آموزان
دختر دوره متوسطه اول
منطقه زرین شهر اصفهان

نقش بوم

زهرا مرادی

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی



برای مطالعه اصل پژوهش
تصویر را اسکن کنید

یادگیری و افزایش انگیزش و خلاقیت در دانش آموزان، میزان ارتباط آموزش و برنامه‌ها با زندگی واقعی است، زیرا هر برنامه درسی ممکن است برای دانش آموز یا دانش آموزان یک مدرسه به خوبی جواب بدهد، اما برای مدرسه و دانش آموزان دیگری که در بافت و وضعیت و موقعیت متفاوتی هستند، مناسب نباشد (مهرمحمدی، ۱۳۹۱).

روش تحقیق

این تحقیق از نظر ماهیت و هدف کاربردی و از نظر روش جمع‌آوری داده‌ها از گروه پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بوده است. روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق در بخش تئوری‌ها و مبانی نظری پژوهش به صورت کتابخانه‌ای بوده و در بخش گردآوری اطلاعات به صورت میدانی و از طریق پرسش‌نامه است. جامعه آماری این پژوهش برابر با تعداد ۲۰۳ دانش آموز دوره اول متوسطه (پایه‌های هفتم، هشتم و نهم) دبیرستان دخترانه شهید قجه‌ای زرین شهر بوده است.

روش نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت تصادفی در دسترس بود که حجم نمونه مورد پژوهش، به دلیل کنترل متغیر سن دانش آموزان باید از بین یک پایه هفتم، هشتم یا نهم انتخاب می‌شد و به صورت تصادفی پایه هفتم انتخاب شد که تعداد کل آن‌ها در مجموع ۷۰ نفر بود.

برنامه درسی متمرکز، بنا به ضرورت، به نیازهای مشترک عمومی همه مدرسه‌ها و دانش آموزان توجه می‌کند و مجال پرداختن به اقتضائات بومی و محلی را ندارد. در واقع، برنامه درسی متمرکز، به ناچار باید بر تشابهات و نیازهای عام دانش آموزان و مدرسه تأکید کند و بر اساس آن طراحی و تدوین شود. ضرورت بنیادین برنامه ویژه مدرسه (بوم) بر برنامه‌ریزی درست و منسجم درس‌ها در سطح مدرسه تأکید دارد. در برنامه ویژه مدرسه (بوم) این فرصت به دانش آموزان و مدرسه داده خواهد شد که با توجه به مقتضیات مدرسه و شرایط، برای رسیدن به برنامه‌های درسی ویژه تصمیم بگیرند. در واقع این نوع تصمیم‌گیری در زمینه برنامه درسی در سطح مدرسه، با توجه به میزان ارتباط آن‌ها با خواست‌ها و نیازهای فردی و اجتماعی دانش آموزان صورت می‌گیرد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۷).

در تدوین و اجرای این نوع برنامه‌ها والدین دست‌اندرکاران اصلی مدرسه خواهند بود و به دلیل تماس نزدیک با مدرسه و دانش آموز، علاقه‌های دانش آموزان خود را به خوبی خواهند شناخت و اطلاعات کافی و مناسب از امکانات مدرسه، بافت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مدرسه به دست خواهند آورد. بنابراین، برنامه ویژه مدرسه (بوم) زمینه‌ساز ایجاد یادگیری معنادار دانش آموزان خواهد شد، زیرا یکی از شرط‌های اصلی



گزینه‌های الف، ب، ج و د در گویه‌های انگیزش مثبت به ترتیب ۱، ۲، ۳ و ۴ نمره و در گویه‌هایی که پیشرفت منفی است، به صورت برعکس، یعنی به ترتیب ۴، ۳، ۲ و ۱ نمره گذاری می‌شود. دامنه نمرات فرد بین ۲۹ تا ۱۱۶ است که نمره بالا (بالتر از میانگین) نشانگر انگیزه پیشرفت بالا و نمرات پایین (پایین تر از میانگین) بیانگر انگیزه پیشرفت پایین در فرد است. هرمنس (۱۹۷۰) برای محاسبه روایی از روایی محتوا که اساس آن پژوهش قبلی درباره انگیزه پیشرفت بود، استفاده کرد. همچنین، ضریب همبستگی هر سؤال را با رفتارهای پیشرفت‌گرا محاسبه کرده است. ضرایب به ترتیب سؤالات پرسش‌نامه در دامنه‌ای از ۰/۳۰ تا ۰/۵۷ است. علاوه بر این، در یک مطالعه، هرمنس به وجود ضریب همبستگی بین پرسشنامه انگیزه پیشرفت هرمنس و آزمون اندریافت اشاره دارد. هرمنس در سال ۱۹۷۰ برای محاسبه پایایی آزمون انگیزش پیشرفت تحصیلی از روش آزمون آلفای کرونباخ استفاده کرد. ضریب پایایی محاسبه شده برای پرسش‌نامه، به میزان ۰/۸۴ به دست آمد. با استفاده از روش بازآزمایی در مطالعه اصلی پرسش‌نامه، بعد از گذشت سه هفته مجدداً به کارآموزان داده شد. ضریب پایایی به دست آمده ۰/۸۴ به دست آمد.

روش اجرا

از میان پایه‌های هفتم، هشتم و نهم، پایه هفتم به طور تصادفی انتخاب شد و دانش‌آموزان به دو گروه ۳۵ نفره کنترل و آزمایش تقسیم شدند. قبل از شرکت در دو آزمون، به هر دو گروه دانش‌آموزان اطمینان داده شد که اطلاعات جمع‌آوری شده محرمانه خواهند ماند و درج نام و نام خانوادگی ضروری نیست. سپس توضیح داده شد که در این پرسش‌نامه‌ها پاسخ غلط وجود ندارد، بلکه از پاسخ‌ها، یکی به نظر هر فرد نزدیک تر است. پاسخ‌ها ارزش کمی ندارند، بلکه ارزش کیفی دارند. به عبارت دیگر، نظر واقعی

پرسش‌نامه انگیزه پیشرفت هرمنس (A.M.T) یکی از رایج‌ترین پرسش‌نامه‌های مدادکاغذی برای سنجش پیشرفت تحصیلی است. اولین پرسش‌نامه طراحی شده توسط هرمنس (۱۹۹۷) ۲۹ مؤلفه دارد که بر مبنای ده ویژگی تهیه شده است. این ویژگی‌ها (۱) سطح آرزوی بالا؛ ۲. انگیزه قوی برای حرکت به بالا؛ ۳. مقاومت زیاد در مواجهه با تکالیف با سطح دشواری متوسط؛ ۴. تمایل به تلاش مجدد در انجام تکالیف نیمه‌تمام؛ ۵. ادراک پویا از زمان و این احساس که امور به سرعت روی می‌دهند؛ ۶. آینده‌نگری؛ ۷. توجه به ملاک شایستگی در انتخاب دوستی همکار و الگو؛ ۸. بازشناسی از طریق عملکرد خوب در کار؛ ۹. احساس اینکه کاری را به خوبی انجام داد؛ ۱۰. رفتار ریسک‌پذیر. متمایز کننده افراد دارای انگیزه پیشرفت بالا از افراد با انگیزه پیشرفت پایین هستند. هرمنس این ده ویژگی را بر مبنای پژوهش‌های قبلی به دست آورده بود و به عنوان اساس و راهنمای انتخاب سؤالات برگزید. او برای تهیه مواد پرسش‌نامه، پژوهش‌های قبلی را مبنای انتخاب سؤالات تعیین کرد.

پس از اجرای آزمایش، تجزیه و تحلیل سؤالات، و محاسبه همبستگی یک‌به‌یک سؤالات با کل آزمون، ۲۹ سؤال به عنوان پرسش‌نامه نهایی انگیزه پیشرفت انتخاب شدند. لازم به ذکر است، پس از تحلیل سؤالات، هیچ سؤال معناداری در رابطه با ویژگی دهم در پرسش‌نامه نهایی وارد نشد، لذا پرسش‌نامه نهایی تنها بر اساس ۹ ویژگی ساخته شد. سؤالات پرسش‌نامه انگیزه پیشرفت هرمنس به صورت جملات ناتمام بیان شده‌اند و به دنبال هر جمله چند گزینه داده شده است. برای یکسان‌سازی ارزش سؤالات، برای هر ۲۹ سؤال پرسش‌نامه، ۴ گزینه نوشته شد. بر حسب اینکه شدت انگیزه پیشرفت از زیاد به کم یا کم به زیاد باشد، به این گزینه‌ها نمره داده می‌شود. دامنه تغییرات نمرات از ۲۹ تا ۱۱۶ است. شیوه نمره گذاری پرسش‌نامه انگیزه پیشرفت هرمنس بدین صورت است که



و مربیان آموزشی نیز می‌تواند در میزان انگیزش پیشرفت دانش‌آموزان اثرگذار باشد. **وینتر باتوم**^۲ (۲۰۱۳) با انجام تحقیقاتی به این نتیجه رسید که دانش‌آموزان پسری که انگیزش پیشرفت بالایی دارند، مادران و والدینشان در کسب مهارت‌ها و استقلال انتظارات بیشتری دارند.

انجام تکالیف همواره یکی از عوامل مهم در تحقق یادگیری است و در هر دوره تحصیلی، متناسب با دانش‌آموزان شرح و نوع تکالیف متفاوت خواهد بود. در گذشته تصور بر این بود که اگر دانش‌آموزی مطلب را حفظ کند، یادگیری در او محقق شده است، اما امروزه با تعریفی که از یادگیری بیان می‌شود، توقع معلمان از دانش‌آموزان فراتر از یادگیری است. در واقع، تلاش اصلی معلمان افزایش میزان انگیزش در دانش‌آموزان است تا با تقویت انگیزش، میزان پیگیری مطالب درسی توسط دانش‌آموز بیشتر شود و دانش‌آموز به‌جای اینکه صرفاً مطالب را حفظ کند، آن‌ها را در ذهن خود حک خواهد کرد (پریوست ۲۰۱۰، ۳).

برنامه ویژه مدرسه در نظام آموزشی و در برنامه‌ریزی‌های آموزشی در مدرسه‌ها اهمیت بسیار ویژه دارد، به‌طوری که بیشتر نتایج حاصل از یادگیری دانش‌آموزان در چارچوب آموزشی و فعالیت‌های آموزشی انجام می‌شود. با توجه به ضرورت ایجاد و توسعه فرصت‌های یادگیری، دانش‌آموزان در داخل مدرسه و خارج از آن به رویکرد مهارت‌محور نیاز دارند. بنابراین، با توجه به ضرورت ایجاد و توسعه فرصت‌های مناسب یادگیری برای دانش‌آموزان، برنامه‌هایی که برای دانش‌آموزان تدوین می‌شوند، باید کارایی زیادی داشته باشند تا او بتواند مهارت‌های خواندن، نوشتن، دانش ریاضی و سخن‌گفتن را در کلاس درس، در تعامل با هم‌کلاسی یا معلم بیاموزد (مهرمحمدی، ۱۳۹۱).

پی‌نوشت‌ها

1. Sears, MacCoby & Lvin
2. Winterbottom
3. Prevost

منابع

۱. احمدی، آمنه؛ امانی‌طهرانی، محمود؛ امیری، کوروش؛ رضانی، فاطمه؛ رهبری‌نژاد، یداله (۱۳۹۷). مدرسه ما تقدیم می‌کند. راهنمای علم برنامه ویژه مدرسه بوم. انتشارات پایگاه‌های کتاب‌های درسی. تهران.
۲. احمدی، محمود (۱۳۹۵). راهنمای کاربردی روش‌های نوین تدریس. انتشارات آینه. اسلامشهر.
۳. سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۶). روان‌شناسی یادگیری و آموزش. نشر دوران. اسلامشهر.
۴. مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۱). یادداشت‌های سخنرانی در همایش: برنامه ویژه مدرسه (بوم). باشگاه فرهنگیان. تهران.

5. Prevost, E. (2010). Developing a culture of inquiry in elementary schools: The role of the teacher- librarian. Edmonton, Alberta: Department of Elementary Education.

آزمودنی‌ها در هر یک از سؤالات برای محقق اهمیت دارد. لازم به ذکر است، به دلیل تأثیر در روند پاسخ‌دهی آزمودنی‌ها، آزمایش‌دهنده نباید به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به پیشرفت تحصیلی اشاره کند.

پرسش‌نامه به‌صورت الکترونیکی طراحی شد و قبل از توزیع پیوند (لینک) پرسش‌نامه‌ها، از آزمودنی‌ها خواسته شد چنانچه سؤالی نیاز به توضیح داشته باشد، از آزمونگر، به‌صورت پیام خصوصی، سؤال کنند تا او برایشان توضیح دهد. برای پاسخ‌گویی به این آزمون حداکثر یک ساعت کافی به نظر می‌رسید. پس از آن برنامه ویژه مدرسه (بوم) با انتخاب و برنامه‌نویسی تیم مجرب منطقه، در هفت موضوع مطابق با شیوه‌نامه بوم و با نظارت مدیر و شورای مدرسه، پس از نظرخواهی از اولیا و دانش‌آموزان گروه آزمایش در ۳۴ جلسه بیست‌دقیقه‌ای به‌صورت مجازی روی دانش‌آموزان پایه هفتم گروه آزمایش اجرا شد.

یافته‌ها

برنامه ویژه مدرسه بر انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان دختر متوسطه اول منطقه زرین‌شهر اثرگذار است.

بر اساس اطلاعات به دست آمده، نتایج تحلیل کوواریانس تک‌متغیری تفاوت معناداری را بین دو گروه گواه و آزمایش در انگیزش پیشرفت نشان می‌دهد ($F=51/082$ و $P<0/05$). با توجه به مقادیر میانگین این متغیر برای گروه آزمایش در پیش‌آزمون (۹۱/۶۲) و پس‌آزمون (۹۷/۹۴)، مشاهده می‌شود که برنامه ویژه مدرسه میانگین نمرات پیشرفت آزمودنی‌ها را در پس‌آزمون افزایش داده است. میزان تأثیر این آموزش نیز ۹۱/۵ درصد بوده است. با توجه به این نتیجه، فرضیه تحقیق که بیان می‌کند «برنامه ویژه مدرسه بر انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان متوسطه اول اثرگذار است» تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد، برنامه ویژه مدرسه بر میانگین نمرات پیشرفت آزمودنی‌ها در پس‌آزمون افزوده است. میزان تأثیر این آموزش نیز ۹۱/۵ درصد بوده است. با توجه به این نتیجه، فرضیه تحقیق که بیان می‌کند «برنامه ویژه مدرسه بر انگیزه دانش‌آموزان دختر متوسطه اول منطقه زرین‌شهر اثرگذار است» تأیید می‌شود.

نوع مدرسه و طرز آموزش بر میزان انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان تأثیرگذار است. این نتیجه نیز با برخی تحقیقات همسوست که در ادامه به آن‌ها پرداخته شده است. تحقیقاتی که **سیرز، مککوبی و لوین**^۱ (۲۰۰۷) با استفاده از روش‌های مختلف تدریس صورت دادند، نشان داد نوع برنامه‌ریزی مدرسه در انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان از اهمیت زیادی برخوردار است و این نوع برنامه‌ریزی مدرسه می‌تواند پذیرش در برابر پردشدن و سختگیری معلمان باشد. نوع انتظارات والدین

سفرهای برای هر ذائقه

نتیجه چه شد؟

نتیجه آنکه پس از گذشت چند سال از اجرای این برنامه، هر کس به استعداد و علاقه‌های ذاتی خود پی برده و در آن مورد با اشتیاق کار کرده بود و بسیار احساس رضایت و خشنودی می‌کرد. بسیاری از آن بچه‌ها امروز به شکلی در آن مسیر گام برداشته‌اند و با آن زندگی می‌کنند. به‌عنوان نمونه بد نیست اشاره کنم **حمیدرضا یزدی** در دوره راهنمایی در همان دهه ۶۰، در کلاس‌های نجوم خود منور پیدا کرد و در کلاس‌ها و برنامه‌های شبانه رصد ستارگان در اطراف تهران، و کار با تلسکوپ و عکس‌برداری از ستارگان، شرکت فعال داشت و با علاقه‌مندی بسیار این راه را ادامه داد. او در رشته فیزیک در دانشگاه ادامه تحصیل داد و بالاخره با رفتن به کشور فرانسه و اخذ دکترای رشته «آستروفیزیک» به خواست درونی خود دست یافت و در حال حاضر در ایران یکی از کارشناسان موفق بخش نجوم در مؤسسه تحقیقاتی «بنیاد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی» است. هنوز با هم ارتباط داریم و ایشان همواره موفقیت خود را مدیون همان کلاس‌های فوق برنامه مدرسه راهنمایی می‌داند که مانند سفرهای با انواع گوناگون غذا در مدرسه گسترده شده بود تا هر کس مطابق علاقه و ذائقه‌اش غذای مورد علاقه‌اش را انتخاب و از آن استفاده کند.

پدر عزیز، مادر گرامی، سعی کنیم به طریقی علاقه‌ها و توانمندی‌های ذاتی و بالقوه فرزندانمان را کشف کنیم. با سفرهای گوناگون، با در معرض فضاهای علمی، ورزشی، هنری، اجتماعی، گردشگری، معنوی و فنی قرار دادن آن‌ها، پس از کشف علاقه‌هایشان، امکانات و وسایل آن موضوع مورد علاقه را نیز فراهم کنیم و در دسترسش قرار دهیم. با این روش و در ادامه تحصیل، او راه را برای آینده خود پیدا می‌کند و ادامه می‌دهد. متأسفانه در اطراف خود دیده‌ایم فرزندان را که در یک رشته دانشگاهی قبول و وارد می‌شوند، ولی پس از مدتی تصمیم می‌گیرند رشته خود را تغییر دهند که ممکن است موفق شوند یا دیگر خیلی دیر شده باشد.

آری، توجه به استعدادها، کشف آن‌ها و هدایت هدفمند می‌تواند میزان بهره‌وری علمی فرزندان و شاگردان ما را به بهترین شکل بالا ببرد و بهره‌مندشان کند.

پی‌نوشت

1. astrophysics

آموزش عمومی برای فرزندان ما یا شاگردان مدرسه یک بحث است و یافتن استعداد و هدایت هدفمند آنان به‌سوی زمینه‌های مثبت خدادادی آنان بحثی دیگر.

تربیت فرزندان در کانون خانواده و آموزش یک زندگی سالم و عاقلانه، یک هدف معمول برای همه والدین است، ولی آگاهی به توانمندی‌های فرزندان و آماده‌سازی شرایط برای رشد و تقویت استعدادهای ذاتی آنان یک وظیفه و رسالت مهم دیگر. در این مبحث می‌خواهیم چه از دید یک معلم و چه از نقطه‌نظر والدین، به این مهم برسیم که بالاترین بهره‌وری در تربیت نوجوانان، شناخت توانمندی‌های بالقوه آنان و به‌فعلیت رساندن این ظرفیت‌ها در آن‌هاست.

در دهه ۶۰، پس از آنکه از دبیرستان علوی (تهران) فارغ‌التحصیل شدم و دوره کارشناسی ارشد جغرافیا را طی کردم، به‌عنوان معلم جغرافیا و سپس معلم راهنمای سال اول راهنمایی، در مدرسه نیک‌پرور (علوی) مشغول به کار شدم. مدیر مدرسه دکتر **محمدعلی فیاض‌بخش** بود. هر هفته جلسات مدیر و معلمان راهنما در مدرسه تشکیل می‌شد. در یکی از سال‌ها، پس از جلسات متعدد، قرار بر این شد با برنامه‌ریزی جدید، از ساعت ۷.۵ صبح تا ۳ بعدازظهر کلاس‌های رسمی مدرسه برقرار باشد و از ساعت ۳.۵ تا ۵ هم کلاس‌های آزاد (فوق برنامه) طراحی و عملیاتی شوند.

در کلاس‌های بعدازظهر درس‌ها و کارگاه‌هایی از موضوعات گوناگون طراحی شد و برای هر کدام مدرسی نیز تعیین شد. این موضوعات عبارت بودند از: کلاس نجوم، کلاس قالی‌بافی، ترجمه زبان انگلیسی، فن‌سخرانی، کلاس‌های کامپیوتر، طراحی و نقاشی، و آشپزی.

ملزومات کار هم برای هر کلاس آماده شد و اتفاقاً کلاس نجوم را من به عهده گرفتم. این کلاس‌ها همراه بودند با نمایش فیلم و اسلاید. رصد شبانه، کار با تلسکوپ و ...

قبل از شروع دوره، با اولیای دانش‌آموزان جلسه‌ای توجیهی صورت داشتیم که آن‌ها هم در هدایت دانش‌آموزان به کلاس مورد علاقه شرکت کنند.

بعد از طراحی و آماده‌سازی این دوره، دانش‌آموزان در جریان برنامه جدید مدرسه و تغییر ساعات قرار گرفتند و اعلام شد کلیه شاگردان به مدت یک هفته در هر کلاسی که خواستند وارد شوند و با کلیات آن آشنا شوند. کلاس‌های دیگر را هم در این مدت تست کنند و ببینند کدام موضوع و حرفه را بیشتر می‌پسندند و دوست دارند و آنگاه تصمیم نهایی را بگیرند.

در این دوره، گرچه کلاس‌ها به‌طور مرتب تشکیل و آموزش داده می‌شدند و مهارت‌های عملی صورت می‌گرفتند، ولی هیچ‌گونه آزمون و نمره‌ای در کار نبود و هر کس مطابق علاقه‌های خود کلاسی را انتخاب و در آن شرکت می‌کرد.

اهداف اصلی جشنواره فیلم علمی، آموزشی و تربیتی را تبیین کنید.

جشنواره فیلم رشد از دیرباز تاکنون اهداف مشخص و روشنی را مد نظر داشته است؛ اهدافی همچون: ایجاد زمینه مناسب برای رشد استعدادها و خلاقیت‌های هنری فیلم‌سازان حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای (معلمان، دانشجومعلم‌ان و دانش‌آموزان)؛ شناسایی، انتخاب و معرفی فیلم‌های علمی، آموزشی و تربیتی از ایران و سراسر جهان؛ بهره‌گیری از توانایی‌های صنعت فیلم و سینما در آموزش و پرورش و نقش مؤثر آن در پیشبرد فرایند یاددهی و یادگیری؛ تبادل فرهنگی و هنری بین کشورهای دنیا و جمهوری اسلامی ایران؛ ارتقای جایگاه فیلم‌های علمی، آموزشی و تربیتی از نظر کمی و کیفی در سطح کشور؛

فیلم‌های آموزشی به‌عنوان یکی از اجزای بسته‌های آموزشی نقش مهمی در فرایند یاددهی-یادگیری دارد. بر اساس اهمیت این موضوع، سردبیر مجله گفت‌وگویی را با آقای روح‌الله مالمیر، رئیس دبیرخانه دائمی جشنواره بین‌المللی فیلم رشد انجام داده است که با هم پی می‌گیریم.



رشد برای معلمان فیلم‌ساز



تشویق هنرمندان برجسته ایران و سایر کشورها به تهیه ساخت فیلم‌های علمی، آموزشی و تربیتی؛ آگاهی از تحولات و نوآوری‌های علمی - آموزشی و تربیتی کشورهای جهان؛ توسعه فرهنگ به‌کارگیری فیلم آموزشی در فرایند برنامه درسی برای تحقق بسته آموزشی به جای کتاب درسی؛ تولید و تأمین محتوای الکترونیکی چندرسانه‌ای و رمزینة سریع پاسخ متناسب با نیاز دانش‌آموزان و معلمان و بارگذاری آثار واجد شرایط و استاندارد در شبکه ملی مدرسه‌های ایران (رشد).

معلمان تا چه میزان فیلم‌های مربوط به این جشنواره را در کلاس به کار می‌گیرند؟

افراد شرکت‌کننده در جشنواره بین‌المللی فیلم رشد دو گروه هستند: گروه اول فقط با هدف شرکت در جشنواره و کسب رتبه یا حداقل ورود به بخش مسابقه اثر خود را برای جشنواره فیلم رشد می‌فرستند و این اجازه را به دبیرخانه فیلم رشد قرار نمی‌دهند که آثارشان به کلاس‌های درس دانش‌آموزان راه پیدا کند.

گروه دوم افرادی هستند که با اهداف جشنواره فیلم رشد کاملا آشنایند و در هنگام ثبت‌نام در وبگاه جشنواره، به دبیرخانه اجازه بهره‌برداری از اثر خود را برای نمایش در کلاس درس می‌دهند. در خصوص آثاری که ما اجازه بهره‌برداری از آن‌ها را پیدا می‌کنیم، دبیرخانه به مشارکت کارشناسان و مؤلفان محترم کتاب‌های درسی نیاز دارد تا پس از بازبینی فیلم‌ها، جامعه هدف و مخاطب را در آن‌ها مشخص کنند. بعضی از این فیلم‌ها قبلاً در مجلات عمومی سازمان معرفی و اطلاع‌رسانی شده‌اند تا در صورت تمایل معلمان و آموزگاران در کلاس درس از آن‌ها بهره‌برداری کنند.

مشارکت معلمان و دانش‌آموزان در تولید فیلم آموزشی را چگونه تحلیل می‌کنید؟

جشنواره فیلم رشد در ابتدا فقط در بخش بین‌الملل فیلم دریافت می‌کرد. یعنی بیشتر میزبان فیلم‌سازان حرفه‌ای ایرانی و خارجی بود. به مرور زمان و با شرکت تعدادی از معلمان در بخش بین‌الملل جشنواره، دست‌اندرکاران به فکر ایجاد بخشی افتادند که مختص معلمان فیلم‌ساز باشد و آثار معلمان، به جای اینکه در بخش بین‌الملل بررسی شود، در بخش جدیدی به نام «معلمان فیلم‌ساز» ارزیابی و بررسی شود. در نتیجه، از دوره سی‌ویکم به بعد، بخش جدیدی در جشنواره فیلم رشد ایجاد شد با عنوان بخش ملی یا بخش معلمان فیلم‌ساز. هم‌زمان، در معاونت پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش، مسابقات فرهنگی و هنری دانش‌آموزی نیز در جریان بود. در نتیجه، برای تشویق هر چه بیشتر دانش‌آموزان فیلم‌ساز، در کنار بخش معلمان فیلم‌ساز، بخش دانش‌آموزان فیلم‌ساز نیز شکل گرفت و این روند ادامه پیدا کرد تا اینکه امسال در پنجاه‌ویکمین دوره

جشنواره فیلم رشد، نوزدهمین جشنواره معلمان و دانش‌آموزان نیز در بخش ملی برگزار شد. همین‌جا لازم است ذکر کنم، علاوه بر معلمان فیلم‌ساز، بخش دانش‌جو معلمان نیز از چند سال قبل ایجاد شده و دانش‌جو معلمان نیز برای جشنواره فیلم رشد اثر می‌فرستند. امسال در دبیرخانه ۴۰۲ فیلم از معلمان، دانش‌جو معلمان و دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه دریافت و بررسی شد.

برای شناسایی یا آموزش این معلمان و دانش‌جو معلمان تا به حال اقدامی صورت گرفته است؟

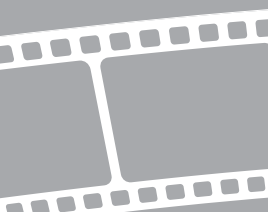
بله. یکی از رهاوردهای پنجاهمین جشنواره فیلم رشد که سال گذشته برگزار شد، ایجاد باشگاه معلمان فیلم‌ساز بود. این باشگاه به صورت مجازی و به نشانی <http://filmclub.roshd.ir> در بهمن ماه ۱۳۹۹ ایجاد شد و مورد بهره‌برداری قرار گرفت. در حال حاضر بیش از ۲۰۰ عضو فعال در این باشگاه ثبت‌نام کرده‌اند.

این باشگاه چه رهاوردی برای معلمان دارد؟

اولین اقدام این باشگاه معرفی و شناسایی معلمان فیلم‌ساز است. از این طریق معلمان فیلم‌ساز سراسر کشور با یکدیگر آشنا می‌شوند و از فعالیت‌های یکدیگر در خصوص تولید فیلم اطلاع حاصل می‌کنند. بدون شک این اطلاع و آشنایی زمینه‌های تشویق و ترغیب معلمان را برای تولید فیلم جدید فراهم می‌کند. دوم اینکه در طول یک سال گذشته کارگاه‌های آموزشی و جلسات نقد و بررسی به‌صورت برخط برگزار شده‌اند و به معلمان هم به موقع اطلاع‌رسانی شده است. علاقه‌مندان هم در این کارگاه‌ها شرکت کرده‌اند. از جمله اقدامات دیگری که در این باشگاه انجام شده، تبدیل فیلم‌های تولیدشده معلمان به گواهی‌نامه تخصصی ضمن خدمت بوده است. به تعدادی از معلمان فیلم‌ساز شرکت‌کننده در دوره‌های ۴۸، ۴۹ و ۵۰ فیلم رشد که عضو باشگاه معلمان هستند، گواهی ضمن خدمت تعلق گرفته و به هر معلم، برای فیلمی که تولید کرده و به بخش مسابقه فیلم رشد راه‌یافته است، ۱۲۰ ساعت ضمن خدمت تخصصی با موضوعات تولید فیلم، از جمله تصویربرداری و تدوین، اختصاص داده شده است.

معلمان فیلم‌ساز علاوه بر ارسال اثر به جشنواره، تا به حال در جشنواره فیلم رشد نقش دیگری هم ایفا کرده‌اند؟

در دوره پنجاه‌ویکم برای نخستین بار در باشگاه معلمان فیلم‌ساز فراخوانی منتشر شد که طی آن از معلمان علاقمند به مشارکت در فرایند داوری آثار دعوت به عمل آمد. حدود ۵۰ معلم از استان‌های گوناگون اعلام آمادگی کردند. در نهایت ۱۲ نفر برای حضور در هیئت انتخاب بخش ملی جشنواره پنجاه‌ویکم انتخاب شدند و پس از دریافت ابلاغ، در انتخاب آثار به جشنواره فیلم رشد کمک کردند.



نقشه ذهنی

دکتر مرتضی سمیعی

عضو هیئت علمی و
پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش

بهناز مقدم

کارشناس ارشد تکنولوژی آموزشی،
دبیر آموزش و پرورش شهر تهران



مؤثرتری استفاده کنند. نقشه ذهنی را اولین بار تونی بوزان^۱ که ریاضی‌دان، روان‌شناس و محقق مغز است، به‌عنوان یک تکنیک یادداشت‌برداری توسعه داد (Yumusak, 2013). نقشه ذهنی یکی از شیوه‌های بصری نمایش ایده‌ها و مفاهیم و از سازمان‌دهنده‌های گرافیکی و از ابزارهای تفکر دیداری محسوب می‌شود، به عبارت دیگر، نقشه ذهنی نوعی یادداشت‌برداری مصور است که ایده یا تصور اصلی فرد در کانون آن جای می‌گیرد و سپس هسته مرکزی نقشه به شاخه‌های گوناگون منشعب می‌شود. شاخه‌های اصلی نیز خود می‌توانند به شاخه‌های فرعی تقسیم شوند. به این صورت، فهرستی مصور و ساده از مجموعه‌ای از ایده‌های بکر و عمیق به دست می‌آید (Keles, 2012). نقشه ذهنی کمک می‌کند مغز فعال‌تر شود و عملکردهای شناختی آن ارتقا یابد. این رویکرد کاربران، این نقشه را به سمت طوفانی فکری تشویق می‌کند که مفاهیم را بدون توجه به قالب فکری خاصی به یکدیگر متصل کند. بوزان ادعا می‌کند، نقشه ذهنی از طیف وسیعی از مهارت‌های قشری سمت راست و چپ مغز انسان بهره می‌برد و با ۹۹ درصد از قسمت بالقوه و بدون استفاده ذهن و سطح عمیق دریافت شهودی، ارتباط سودمندی ایجاد می‌کند که او آن را «منطق برتر^۲» می‌نامد (بوزان، ۱۳۹۳).

ساخت نقشه ذهنی

نقشه ذهنی روشی ساده است، اما بوزان در «کتاب نقشه ذهنی (۱۹۹۱)» ۱۰ قانون روشن و واضح برای ساخت نقشه ذهنی عنوان می‌کند:

۱. نقشه باید از وسط و مرکز با تصویری مرتبط به موضوع و با استفاده از حداقل سه رنگ شروع شود.
۲. در سراسر نقشه ذهنی باید از تصویرها، نمادها، کدها و اندازه‌ها استفاده شود.
۳. کلماتی کلیدی انتخاب شوند.

نقشه ذهنی ابزاری ترسیمی از انواع سازمان‌دهنده‌های گرافیکی است که با نظریه ساختن‌گرایی ارتباطی نزدیک دارد و می‌تواند در مراحل آموزش از طراحی و تهیه برنامه درسی گرفته تا مرحله اجرا و ارزشیابی مورد استفاده قرار گیرد. به‌کارگیری نقشه ذهنی این امکان را به معلمان و دانش‌آموزان می‌دهد که به عمیق کردن فرایند یاددهی و یادگیری همت‌گمارند و شرایط دستیابی به سطوح بالاتر شناختی و انواع تفکرهای انتزاعی، خلاق و انتقادی را فراهم کنند.

در سال‌های اخیر استفاده تعدادی از معلمان از نقشه‌های ذهنی در تدریس خود، مورد توجه قرار گرفته است. انتظار می‌رود اصلاحات برنامه‌های درسی دوره‌های گوناگون تحصیلی که با هدف همسوسازی با برنامه درسی ملی صورت می‌گیرد، بتواند کیفیت آموزش در سطح مدرسه‌های کشور را ارتقا دهد و باعث بهبود یادگیری عملکرد دانش‌آموزان شود. هرچند هنوز هم تعدادی از معلمان کماکان در تدریس از روش سنتی بهره می‌گیرند، انتظار می‌رود معلمان از نقشه‌های ذهنی در فرایند یاددهی - یادگیری و ارزشیابی مفاهیم درسی به‌صورت

از آن استقبال می‌شود. علاوه بر آن، نقشه‌های ذهنی به دلیل ساده‌بودن و انعطاف‌پذیری بالا و همچنین تلفیق نقشه با خلاقیت و استفاده از رنگ و تصویر، می‌توانند به‌عنوان ابزار آموزشی مؤثر در فرایند یاددهی - یادگیری آموزش‌های مجازی و حضوری بسیار مؤثر باشند.

پیشنهادها

۱. آموزش نحوه استفاده، فایده‌ها و نتایج نقشه‌های ذهنی و مفهومی در تدریس برای معلمان در گروه‌های آموزشی و شورای معلمان با اولویت صورت پذیرد.
۲. از آنجا که نقشه‌ها می‌توانند نقش پیش‌سازمان‌دهنده را ایفا کنند، مهارت‌های ترسیم نقشه‌های مفهومی و ذهنی آموزش داده شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Buzan, T
2. superlogic
3. Beavers, K.
4. Nesbit, J.C.
5. Adesope, O.O.
6. Aydin, G. & Balim, A.G.
7. Davies, M.
8. Eppler, M.J.

منابع

۱. سوادپور، نسرین (۱۳۹۱). بررسی اثربخشی آموزش به کمک نقشه مفهومی معلم‌ساخته و نقشه‌های مفهومی با تلفیق چند رسانه‌ای در درس حرفه‌وفن بر عملکرد یادگیری و انگیزش دانش‌آموزان دختر پایه سوم راهنمایی شهر زنجان. پایان‌نامه ارشد رشته برنامه‌ریزی آموزشی. دانشکده علوم انسانی و تربیتی. دانشگاه آزاد تبریز.
۲. فرهادمنش، هجر (۱۳۹۳). بررسی و مقایسه ماهیت و کاربرد نقشه مفهومی و نقشه ذهنی در یادگیری موضوعات درسی. پایان‌نامه ارشد برنامه‌ریزی درسی. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه تربیت معلم تهران.
۳. فردانش، هاشم. شیخی فیئی، علی‌اکبر (۱۳۸۱). درآمدی بر سازنده‌گرایی در روان‌شناسی و علوم تربیتی. فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س).
۴. کرمانی، میرجواد (۱۳۹۴). نقشه ذهنی و سازمان‌دهنده‌های گرافیکی. جلد اول. تبریز: انتشارات درویش.
5. Beavers, Kristen. (2014). Mind and Concept Mapping. Association of college and research libraries and American library association. Tips and Trends Instructional Technologies Committee.
6. argument Davies, Martin. (2010). Concept mapping, mind mapping and mapping: what are the differences and do they matter?. High Educ. Springer Science+Business Media B.V. 2010. DOI 10.1007/s10734-010-9387-6
7. Hoffmann, KRISTIN FISHER. (2010). The Impact of Graphic Organizer and Metacognitive Monitoring Instruction on Expository Science Text Comprehension in Fifth Grade Students. Doctoral dissertation, Raleigh, North Carolina.
8. Keles, Ömer. (2012). Mind Maps and Scoring Scale for Environmental Gains in Science Education. International Conference on New Horizons in Education Conference Proceedings Book, 348, 8-9 June, Portugal.
9. Nesbit, John C., Liu, & Adesope, Olusola.O. (2011). Learning from Animated Concept Maps with Concurrent Audio Narration. The Journal of Experimental Education, 2011, 79, 209-230. DOI: 10.1080/00220970903292918
10. Yumusak, Güngör Keskinkilic. (2013). Impact of using Mind Maps on Student Achievement in Science Lessons. Teaching and Education Research Journal, Volume:2 Issue:3.

چپ مغز فعال است، نقشه ذهنی با به‌کارگیری رنگ، شکل، طرح و تصویر، نیمکره راست را هم درگیر می‌کند و با ایجاد تعادل در مغز، به مطالعه و یادگیری سریع و خلاق کمک می‌کند (کرمانی، ۱۳۹۴). در حالی که نقشه را می‌توان با قلم و کاغذ به وجود آورد، طیف وسیعی از برنامه‌های ترسیم نقشه وجود دارند که به معلمان و دانش‌آموزان اجازه می‌دهند به راحتی نقشه‌ها را ترسیم کنند و آن‌ها را به اشتراک بگذارند.

بورز^۲ (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان «نقشه‌های مفهومی و ذهنی» بیان می‌دارد، ماهیت بصری و غیرخطی هر دو تکنیک ترسیم نقشه، از آن‌ها ابزاری مفید برای معلمانی ساخته است که می‌خواهند تفکر از طریق ایده‌ها و فرایندهای پیچیده با روش‌های قابل دسترس را به دانش‌آموزان آموزش دهند. **نسبیت**^۴ و **ادسپ**^۵ (۲۰۱۱) در نتایج پژوهشی که در مورد ۱۳۳ دانشجوی کارشناسی انجام شد، برای نشان دادن ارتباط معنایی از دو نقشه سیاه و سفید و نقشه رنگی استفاده کرده‌اند. از نظر آماری، یادگیری با نقشه‌های رنگی، پیشرفت بیشتری را نشان داده است و می‌تواند قابلیت‌های یادگیری بیشتری در یادگیرنده ایجاد کند.

آیدین و بالیم^۶ (۲۰۰۹)، در مدرسه‌ای در ازبکستان ترکیه اثربخشی نقشه‌های ذهنی و مفهومی را روی دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی در درس علوم و فناوری بررسی کردند. نتایج نشان داد، هر دو نقشه توانسته‌اند با قدا ساختن دانش‌آموزان در برقراری ارتباط وسیع بین موضوعات و مفاهیم، یادگیری را افزایش دهند و تسهیل کنند. بیشتر تحقیقات صورت گرفته در زمینه نقشه ذهنی در سال‌های اخیر، اثربخشی نقشه‌های ذهنی دیجیتال و کاغذی را مقایسه کرده و پژوهشی مبنی بر مقایسه اثربخشی دو نقشه ذهنی و مفهومی به شیوه شبه آزمایشی یافت نکرده‌اند. تحقیقات کیفی بورز (۲۰۱۴)، دیویس^۷ (۲۰۱۰)، اپلر^۸ (۲۰۰۶) و فرهادمنش (۱۳۹۳) بیانگر اثربخشی نقشه ذهنی بر یادگیری دانش‌آموزان است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه در سال‌های اخیر کتاب‌های درسی در جهت برنامه درسی ملی تغییراتی یافته‌اند، رویکرد کتاب‌های تألیفی جدید، ایجاد زمینه لازم برای استفاده از روش‌های نوین آموزشی است، به نحوی که دانش‌آموزان به‌طور فعال در فرایند یاددهی و یادگیری حضور داشته باشند و زمینه تدریس دانش‌آموزمحور فراهم شود. یکی از روش‌ها و ابزارهای مفید برای معلمان به‌منظور افزایش کیفیت و اثربخشی تدریس، استفاده از نقشه‌های مفهومی و ذهنی است. بررسی روش‌های آموزشی و مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد، سازمان‌دهنده‌های گرافیکی می‌توانند در فرایند آموزش نقش مؤثری داشته باشند. استفاده معلمان از نقشه ذهنی در تدریس موجب شده است یادگیری دانش‌آموزان نسبت به روش تدریس سنتی بیشتر باشد. با توجه به اینکه به کارگیری این دو نقشه از جمله راهبردهای آموزش مبتنی بر تفکر محسوب می‌شود و ماهیت گرافیکی و جذاب دارد و زمینه جلب مشارکت دانش‌آموزان را فراهم می‌آورد، به‌طور طبیعی

هوش‌های چندگانه

در تولید محتوای الکترونیکی

■ **حامد عباسی**

دانشجوی دکترای تکنولوژی آموزشی

دانشگاه علامه طباطبائی (ره)،

مدرس کاربرد فناوری در آموزش و تولید محتوای الکترونیکی

تصویر برای قبل از دوران کروناست

■ **گاردنر، هوش انسان را به ۹ دسته تقسیم کرده و معتقد است هر کس در یک یا چند نوع از این هوش‌ها برتری ویژه‌ای دارد. در این شماره، ضمن شرح مختصر هوش‌های چندگانه، به منظور استفاده بهتر از این نظریه، راهکارهای عملی کاربرد انواع هوش‌ها در تولید محتوای الکترونیکی را ارائه می‌دهیم.**

باید به صورت تلفیقی حداکثر بهره را از نظریه هوش‌های چندگانه گاردنر برد. چرا که ممکن است فردی در یک یا دو هوش خیلی قوی باشد و این بدان معنی نیست که از سایر هوش‌ها بی‌بهره است، بلکه شدت آن در افراد متفاوت است و این خود بیانگر وجود تفاوت‌های فردی است



(اینفوگرافی)، کاریکاتور، اعلان (پوستر)، تصویرهای اسکن شده، نقشک (آیکن‌ها)، استیکرها و ایموجی‌ها و کلیپ‌آرت در حیطه این هوش قرار دارد. به همین خاطر، در مسائل و آموزش‌های هنری یا کاربرد هنر در تولید محتوا، بیشترین کاربرد را دارد. در تولید چندرسانه‌ای و در نرم‌افزارهای دوبعدی یا سه‌بعدی‌ساز مثل برنامه‌های تری‌دی مکس، فلش، مایا، قراردادن برنامه‌هایی مانند پینت، فری‌هند، فتوشاپ و کرل دراو و استفاده از صفحه‌های لمسی مثل قلم نوری برای ترسیم، نقاشی کردن و تصویرسازی، و خلق شکل با برنامه‌های شبیه معما مثل ساختن نقشه مفهومی به کار می‌رود. نمونه ترسیم یک مدل اتمی را در شکل ۱ مشاهده می‌کنید.



شکل ۱

■ **هوش جنبشی:** این هوش به تعاملات فیزیکی فرد با محیط، فعالیت‌های حرکتی و جسمانی منجر به یادگیری، مانند فعالیت‌های تربیت بدنی، آزمایشگاهی، کارگاهی و عملکردی اختصاص دارد. شاید تصور شود این هوش در رابطه با تولید نرم‌افزار کاربرد چندانی ندارد، اما برنامه‌های شبیه‌سازی مثل شبیه‌سازی آموزش رانندگی، خلبانی، بازی‌های رایانه‌ای آموزشی، برنامه‌های واقعیت افزوده و واقعیت مجازی در این حوزه بسیار کاربرد خواهند داشت، چرا که فرد برای مشاهده ابعاد یک محتوای سه بعدی و تعامل با محتوای مجازی، مجبور به حرکت پیرامون آن جسم خواهد بود. حتی می‌توان از برنامه‌های کاربردی مثل Health در سیستم‌های یادگیری بسیار یا همراه نام برد.

■ **هوش منطقی:** این هوش در واقع هوش منطق و استدلال است، به حل مشکلات کمک می‌کند و در حوزه ریاضیات بیشتر کاربرد دارد. استفاده از ابزارهای الکترونیکی مثل خط‌کش، نقاله یا گونیا در محاسبه اندازه‌ها، طراحی آزمایش‌هایی که مستلزم ساخت فرضیه هستند، استفاده از ابزارهایی مانند ذره‌بین برای بررسی دقیق اشکال، پویانمایی‌های (انیمیشن‌های) اکتشافی جهت تولید اشکال یا ابزارها، می‌تواند به یادگیرندگان دارای هوش منطقی قوی کمک نماید.

■ **هوش موسیقایی:** کاربرد موسیقی متناسب با موقعیت و موضوع یادگیری در موفقیت آموزش تأثیرگذار است. استفاده از آهنگ، شعر، صداها محیطی به درک فراگیران کمک می‌کند. این هوش در حوزه آموزش ریاضی و موسیقی کاربرد فراوانی دارد. برنامه‌های شنیداری، آواز خواندن، دوبله کردن،

یکی از نظریه‌های مهم و کاربردی هوش در زمینه یادگیری، نظریه هوش‌های چندگانه گاردنر است. او معتقد است هر فرد یادگیرنده، در یک یا چند نوع از هوش‌های ۹گانه برتری ویژه‌ای دارد. در اینجا ضمن شرح مختصر هوش‌های چندگانه، راهکارهای عملی کاربرد هوش در تولید محتوای الکترونیکی را ارائه می‌دهیم.

■ **هوش کلامی:** این هوش در بردارنده توانایی تشریح فرد از لحاظ شفاهی و کتبی، و نیز توانایی تسلط بر زبان‌های خارجی و هنر زبانی است. برخی از مواردی که می‌توان به صورت عملی در تولید محتوای الکترونیکی انجام داد، قراردادن تخته (وایت‌برد) الکترونیکی، تخته برخط، ارائه پاسخ‌های کتبی و شفاهی در آزمون‌های الکترونیکی، تست صحت تلفظ کلمات در برنامه‌های آموزش زبان‌های خارجی، ارائه کتاب‌های الکترونیکی به شکل صوتی، متنی و ورق‌زن، ارائه فایل‌های سخنرانی، قراردادن برنامه نویسه‌خوان نوری OCR یا Handwriting برای تأیید صحت دستخط الکترونیکی فراگیرندگان، استفاده از آموزش‌های مستقیم به شکل توضیح شفاهی، قراردادن برنامه مکالمه کتبی یا صوتی یا فرمان صوتی مثل نرم‌افزار Siri و قراردادن فرهنگ لغت در برنامه، استفاده می‌شود.

■ **هوش دیداری:** ایجاد تصورات ذهنی با استفاده از ابزارهایی مانند عکس، تصویر، طراحی، نقاشی، نمودار، نقشه، نقشه‌های مفهومی، طرح‌های خطی، نمودار، شکل‌های هندسی، شکل‌های تجسمی و سه‌بعدی، نگاره، اطلاع‌نگاری

حذف و اضافه کردن صدا و موسیقی، قراردادن موسیقی در آغاز برنامه، میان برنامه، پایان برنامه و موسیقی متن یا زمینه، از جمله فعالیت‌هایی هستند که تولیدکنندگان چندرسانه‌ای‌ها باید به آن‌ها توجه کنند. استفاده غیراصولی و رابط کاربری بدون کنترل یادگیرنده بر بخش آن، علاوه بر اینکه مفید نخواهد بود، مانع یادگیری نیز خواهد شد (شکل ۲).



شکل ۲

برخوردارند یا می‌خواهند آن را تقویت کنند، مفید خواهد بود. برای مثال، واقعیت‌افزوده گوگل برای مطالعه حیوانات مفید خواهد بود. در شکل شماره ۳ نمونه‌ای از برنامه واقعیت افزوده برای تقویت هوش طبیعی را مشاهده می‌کنید که می‌توان در حیاط مدرسه یا خانه اجرا کرد.



شکل ۳

هوش وجودی: افرادی که از هوش وجودی برتری برخوردارند، بر زیباشناختی، فلسفه و مذهب تأکید بیشتری دارند. فراگیرندگانی با این هوش، در درس‌هایی مانند مطالعات اجتماعی که دیدگاه‌ها و نظرات را بررسی می‌کند، با تفکر انتقادی مواجه می‌شوند. در تولید محتوای الکترونیکی از فراگیرندگان خواسته شود خلاصه نظرات خود را در قسمت مشخص شده‌ای بنویسند و به نقد دیدگاه‌ها بپردازند. همچنین، نظر سنجی و نقد آرای دیگران بخشی از کارهای تولید نرم‌افزارهای آموزشی مبتنی بر این هوش است.

در تولید برنامه‌ها، بسته به موضوع و مخاطبان، باید به صورت تلفیقی حداکثر بهره را از نظریه هوش‌های چندگانه گاردنر برد. چرا که ممکن است فردی در یک یا دو هوش خیلی قوی باشد و این بدان معنی نیست که از سایر هوش‌ها بی‌بهره است، بلکه شدت آن در افراد متفاوت است و این خود بیانگر وجود تفاوت‌های فردی است. لذا شناخت نوع هوش یادگیرندگان به تولیدکنندگان و معلمان کمک خواهد کرد مطابق با هوش و استعداد یادگیرندگان به طراحی و تولید برنامه‌های آموزشی بپردازد.

هوش درون فردی: این هوش به احساسات، ارزش‌ها و نگرش‌ها اختصاص دارد. تعامل فراگیرنده با خود و با محتوا و نرم‌افزار در اینجا بسیار مطرح است. قراردادن پشتیبانی‌های متعدد در نرم‌افزار، ارائه تشویق‌ها در شکل‌های گوناگون مثل تشویق صوتی، ارائه بازی و برنامه‌های تفریحی، امکان ارائه توصیف موضوعات و مسائل به صورت متن قابل ذخیره، یا صدای قابل ذخیره، قراردادن امکانات خودارزیابی در نرم‌افزار مثل آزمون‌ساز، برنامه‌های واقعیت افزوده و واقعیت مجازی، نمونه‌هایی هستند که می‌توان به آن‌ها اشاره کرد. در مجموع این هوش در زمینه طراحی تعامل فرد با خود، محیط و محتوا کاربرد دارد.

هوش میان فردی: این هوش به تعاملات بین یادگیرندگان مربوط است. تعامل بین یادگیرنده با یادگیرنده، یا گیرنده با معلم و سایر افراد، مشارکت و همکاری با دیگران، اجتماعی شدن دانش‌آموزان و علاقه‌مندی به فعالیت‌های گروهی، از ویژگی‌های فردی است که از هوش میان فردی بالایی برخوردارند. استفاده از برنامه‌های برخط، گفت‌وگوی صوتی برنامه‌هایی مثل شاد، شبکه‌های اجتماعی، همایش‌های آموزشی، ساخت برنامه‌های گروه‌محور و اجرای آزمون‌های همتا‌ارزیاب از جمله فعالیت‌های الکترونیکی هستند که می‌توانند برای تقویت هوش میان فردی در برنامه گنجانده شوند.

هوش طبیعت‌گرا: دانش‌آموزانی که هوش طبیعت‌گرای قوی دارند، درباره مسائل طبیعت، گیاهان، جانوران، محیط زیست و امور طبیعی مطالعه می‌کنند. استفاده از طبقه‌بندی و تشکیل سلسله مراتب در مطالعات و بررسی مسائل، از جمله مواردی هستند که در این زمینه کاربرد دارند. این هوش در آموزش درس‌های مرتبط با علوم تجربی، زیست‌شناسی و زمین‌شناسی بیشتر به کار می‌رود و یادگیرندگانی که در این هوش قوی هستند، در رشته‌های مرتبط با طبیعت موفقیت بیشتری کسب می‌کنند. ساخت برنامه‌های گیاه‌شناسی، مطالعه جانوران، حفاظت از محیط زیست، آموزش علوم زیستی و مانند آن‌ها برای فراگیرندگانی که از هوش طبیعت‌گرای قوی

منبع

- عباسی، حامد (۱۳۹۵). تولید محتوای الکترونیکی پیشرفته (ارائه استانداردها و آموزش نرم‌افزارها). انتشارات ناقوس. تهران.
- مکنزی، والتر (۱۳۹۱). هوش‌های چندگانه و تکنولوژی آموزشی. ترجمه حسین زنگنه و مصطفی شیری پور. آبیژ. تهران. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۲۰۰۵).
- Wei, X., Guo, D., & Weng, D. (2018). A Study of Preschool Instructional Design Based on Augmented Reality Games. Image and Graphics Technologies and Applications. 13th Conference on Image and Graphics Technologies and Applications, IGTA 2018 Beijing, China, April 8–10, 2018. Yongtian Wang, Zhiguo Jiang Yuxin Peng (Eds). Singapore, 106–113. https://doi.org/10.1007/978-981-13-1702-6_11

بگذارید. حالا این نظارت‌ها در جاهای متفاوتی هستند. مراکز خصوصی، دانشگاه، و مراکز وابسته به دولت، یا فقط خصوصی باشد. من می‌توانم تجربه شخصی خودم و یکی از دوستانم را که چند سال است معلم ریاضی هستند، برایتان بگویم.

من برای نخستین قدم مدرسه‌های واقع در حیطه منزل را شناسایی و بررسی کردم تا ببینیم کدام یک در حال پذیرش عضو و نیز در حال طی دوره آموزشی هستند. پس از انتخاب شما دو مرحله باید طی شود؛ یعنی شما باید از دو طرف آموزش ببینید؛ یکی آموزش آکادمیک از دانشگاه یا کالج و دیگری جریانی که به شما مجوز و اجازه می‌دهد آن آموزش‌ها را در مدرسه اجرا کنید و هم‌زمان با طی دوره خود کار کنید. شما باید چهار روز کار کنید و یک روز دانشگاه باشید. یک روز کار دانشگاه تمام‌وقت است. دوره آموزش تربیت معلم اینجا خیلی فشرده است و هیچ

فرض کنید يك نفر می‌خواهد در انگلستان معلم شود. آیا دانشکده‌ها و مراکز خاصی وجود دارند که فرد باید آنجا برود، یا اینکه افراد در هر رشته یا دانشگاهی تحصیل کرده باشند می‌توانند وارد مدرسه بشوند؟ آیا آزمونی برای این کار وجود دارد؟ چه شرایطی برای ورود به نظام آموزشی انگلستان وجود دارد؟

این پرسش شما در همان سال اول ورود به این کار برای خود من هم مطرح بود، چون چند دوست و آشنا دیدم که هر کدام از راهی متفاوت وارد حرفه معلمی و کار در آموزش و پرورش شده بودند و خود من هم از یک راه متفاوت‌تر از همه آن‌ها وارد این حیطه شدم. آنجا راه‌های متفاوتی برای معلمی وجود دارد، ولی یک چیز برای دولت مشخص است: وقتی ما می‌خواهیم به‌عنوان معلم در مدرسه تدریس کنیم، شما باید نظارت‌هایی را پشت سر

جدیت در تربیت

معلم

هوشنگ غلامی

«معلمی در نظام آموزشی انگلستان با جذب، نگهداری و توسعه حرفه‌ای»، عنوان ویناری آموزشی بود که با مدیریت و اجرای دکتر سعید صفایی موحد، پژوهشگر و مدرس دانشگاه و صنعت، و عضو هیئت مدیره انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، با حضور خانم مونا شیرمنش، دبیر دبیرستان آکادمی چیم لندن و با مشارکت شرکت‌کنندگان برگزار شد. برجستگی‌های نظام معلمی، وظایف متنوع و مسئولیت‌های سنگین و مهم معلمان در این نظام آموزشی و ضرورت عشق کامل به این شغل، از مقوله‌هایی بود که در وینار به آن پرداخته شد. در آغاز خانم شیرمنش ضمن معرفی خود، چگونگی ورود به نظام آموزش معلمی در انگلستان را بیان کرد و در ادامه به پرسش‌های دکتر صفایی موحد و دیگر شرکت‌کنندگان پاسخ گفت. با هم خلاصه‌ای از این وینار را پی می‌گیریم.



راه فرار یا سستی در آن وجود ندارد. یعنی غیرممکن است شما بگویید من دوره آموزش معلمی را اینجا سرسری گذراندم. این از نظر محتوایی و حرفه‌ای تقریباً غیرممکن است، چون شما به نوعی زیر ذره‌بین قرار دارید. از لحاظ دانش عمومی و تخصصی در درس‌هایی مانند ریاضی و انگلیسی از فیلترهایی رد می‌شوید. حتی در دوره کار آموزش و ضمن خدمت معلمی مدام از شما آزمون و تست گرفته می‌شود و به جلسات متعدد ضمن خدمت دعوت می‌شوید.

شما اکنون بیش از دو سال است آنجا به کار تدریس مشغول هستید، از چگونگی آموزش‌های ضمن خدمت بگویید. آیا این آموزش‌ها به‌طور مداوم اجرا می‌شوند؟

بله. این آموزش‌ها به‌طور پیوسته و بسیار زیاد ارائه می‌شوند. در واقع بسیاری از آموزش‌های ضمن خدمت اجباری هستند و همه معلم‌ها باید در آن‌ها شرکت کنند؛ حتی معلمانی که مثلاً ۲۵ سال سابقه خدمت دارند. در این دوره‌ها، یک مجموعه هم نوعی امکان‌ها و فرصت‌های انتخابی است که می‌توانید برای پیشرفت و ترقی خود آن‌ها را انتخاب و طی کنید. اینجا معلم‌ها به پیشرفت و ترقی خود بسیار بها می‌دهند. فضا به گونه‌ای است که شما را به پیشرفت و یادگیری بیشتر و بهتر تشویق می‌کند. چون می‌بینید، وقتی شما پیشرفت می‌کنید، بچه‌ها و کلاستان و مدرسه‌تان نیز پیشرفت می‌کند. همه این‌ها به آن محیط کمک می‌کنند و فضایی ایجاد می‌شود که در حال آموزش مداوم در حال به‌روزرشدن و جلورفتن هستید. فرقی هم نمی‌کند چه موضوعی و درسی را تدریس می‌کنید. در مدرسه هیچ موضوع و درسی بر موضوع و درس دیگری برتری ندارد.

آیا تکالیف خانه دانش‌آموزان زیاد است و به آن‌ها حجم کار زیادی ارائه می‌شود؟

نه، زیاد نیست؛ ولی این تکالیف همیشه وجود دارند. بعضی وقت‌ها برای یک هفته یک تکلیف به آن‌ها داده می‌شود. می‌تواند به‌صورت آزمون چارچوبی باشد، یا دیدن یک ویدیو یا خواندن و مطالعه یک متن، و به گونه‌ای نیست که بنشینند و چیزی بنویسند. فقط باید نسبت به آنچه یاد می‌گیرند، به‌روز و نو باشند. این خودش حداقل تا ساعت پنج بعدازظهر طول می‌کشد. بسیاری مواقع من تا از مدرسه به خانه برگردم، ساعت حدود هفت بعدازظهر می‌شود. به‌نوعی، استراحت من از ساعت ۹ شب به بعد است. از آن موقع است که می‌توانم بنشینم و استراحت کنم.

گفتید بچه‌هایی که از مدرسه محل کار شما فارغ‌التحصیل می‌شوند نخبه هستند. ما در ایران هم داریم مدرسه‌هایی که روی دانش‌آموزان خیلی خاص و تاپ تمرکز می‌کنند. در ایران این مدرسه‌ها در مرحله پذیرش، اول دانش‌آموزان قوی و خوب را جدا می‌کنند و بعد روی آن‌ها کار می‌کنند تا نخبه شوند. آیا آنجا هم به این شکل است؟ و معیارها و ضوابط سخت و مشکلی برای پذیرش دانش‌آموز می‌گذارند؟

یک مجموعه ملاک برای ورود دانش‌آموزان به مدرسه وجود دارد و دانش‌آموز با هر سطح و درجه‌ای وارد مدرسه نمی‌شود. البته آن‌طور هم نیست که بگوییم ضوابط سخت و شاقی تعیین می‌کنند. فقط در مورد بچه‌هایی که تا حدی شرایط پایینی دارند، آن‌ها را در مراکز تحت آموزش‌های تقویتی و تکمیلی قرار می‌دهند تا خود را به سطح مورد نظر پذیرش برسانند. جالب است بدانید، حتی بچه‌هایی که از خانواده‌های از هم‌گسیخته و مشکل‌دار جامعه هستند، قانونی است که تحت آموزش قرار بگیرند، پیشرفت کنند و خود را بالا بکشند. فرقی نمی‌کند دانش‌آموز از کجا می‌آید، چه دارد، و اخلاق و فرهنگ او چگونه است.

قانونی هست که بچه‌ها تا سن ۱۸ سالگی نباید کار کنند. فقط باید زیر چتر آموزش و تحصیل قرار بگیرند و اگر تحت برنامه آموزشی قرار نگیرند، جرم اتفاق افتاده است. در انگلستان کمتر کودک کار دیده می‌شود. همه بچه‌ها از سن مهد کودک تا ۱۸ سالگی و پایه پیش‌دانشگاهی، بدون پرداخت پول و تقبل هزینه و با کمک دولت آموزش می‌بینند و تحصیل می‌کنند. مثلاً در مدرسه‌ای که من هستم و یک آکادمی دولتی به حساب می‌آید، کسی پولی پرداخت نمی‌کند.

آیا شرایطی سنی برای ورود به حرفه معلمی وجود دارد؟ دوره‌های آموزش معلمی چقدر طول می‌کشد؟

وقتی شما دوره پیش‌دانشگاهی خود را تمام می‌کنید، اگر می‌خواهید حرفه معلمی را انتخاب کنید، باید دانشگاه را انتخاب کنید؛ یعنی دوره لیسانس را در دانشگاه معلمی آغاز کنید که معمولاً بین سه تا چهار سال است. بیشتر چهارساله است، ولی آن را کوتاه‌تر می‌کنند تا شما دوره کارورزی را بین تحصیل بگذرانید. این مسیر برای معلم‌دبستانی هم هست و آن‌ها نیز باید به دانشگاه معلمی بروند، ولی اگر شما رشته‌ای را در دانشگاهی تحصیل کرده‌اید، مدرکی گرفته‌اید و حتی دکترای رشته‌ای را اخذ کرده‌اید، و الان آمده‌اید معلم شوید، باید همین دوره را بگذرانید؛ دوره‌ای را که من گذراندم. اگر دکترای هم دارید، باید مدرک خاص کیفی آموزش معلمی را بگیرید. با طی دوره کارورزی مدرک‌های تخصصی به شما داده می‌شود.

ارزیابی و بررسی عملکرد معلم در نظام آموزشی انگلستان به چه صورت است؟ یعنی چه معیارهایی را برای اعطای پاداش و افزایش حقوق معلم می‌سنجند؟

اینجا همه چیز در کار معلم زیر ذره‌بین قرار دارد. درس دادن شما و پیشرفت کردن‌تان زیر نظر است، زیرا مدام به شما مسئولیت داده می‌شود. ارزیابی‌ها به‌طور مستمر انجام می‌شوند و به سابقه و سال‌های خدمت شما ربطی ندارد. مثلاً یک نفر همکار که یک درجه بالاتر از شما قرار دارد، به‌عنوان مسئول بر کار تدریس شما نظارت دارد. شما مدام ارزیابی می‌شوید، برای اینکه پیشرفت کنید و ارزیابی هم برای این نیست که فقط ضعف‌های شما گرفته شود، بلکه ارزیابی می‌شود تا نقاط قوت‌تان را به شما بگویند؛ ضمن اینکه به نقاط ضعف شما هم اشاره می‌شود.

گفت‌وگو با ویدا نصیری، معلمی از آذربایجان غربی

چشم در چشم

دنیا

اعظم لاریجانی

آیا نقاش شدن را به فراموشی سپردید؟

خیر. یکی از دغدغه‌های من در تعلیم و تربیت فراهم کردن کلاسی پر از شور و شوق بود. نقاشی این فرصت را به من داد و ابزاری شد در رسیدن به اهدافم. به کمک نقاشی سعی کردم کلاس را برای بچه‌ها جذاب و خوشایند کنم. روی دیوارهای کلاس، در و دیوار مدرسه و هر جا که امکانش باشد، نقاشی می‌کنم. مثلاً در درس فارسی فعالیت‌هایی هست به نام: «گوش کن و بگو». برای جذاب‌شدن این فعالیت تصمیم گرفتم این فایل صوتی را به صورت یک ویدئو در بیاورم. یکی از شخصیت‌های داستان را انتخاب و شروع به نقاشی کردم و از روند نقاشی فیلم گرفتم. هدف، بالا بردن دقت و تمرکز دانش‌آموزان در گوش دادن بود ولی من علاوه بر گوش دادن، مهارت‌های دیگری هم به آن‌ها آموختم. با تمام‌شدن فایل صوتی، نقاشی من هم به پایان می‌رسید. دانش‌آموزانم با ذوق و شوق فیلم را می‌دیدند و داستان را می‌شنیدند. می‌توانستند آرام‌آرام تمام مراحل کشیدن یک تصویر را ببینند. هم با علاقه به درس گوش می‌دادند و هم در کنارش نقاشی یاد می‌گرفتند. در زنگ هنر هم که ساعت مورد علاقه من است، من هم همراه بچه‌ها نقاشی می‌کنم. آن‌ها روی برگه‌های سفید و من روی دیوارهای کلاس. گاهی در زنگ هنر ابزار و وسایل کمک‌آموزشی مورد نیاز درس ریاضی را می‌ساختیم و جعبه‌های میوه را به قفسه‌های زیبای کتاب تبدیل می‌کردیم. خلاصه دورریزها به داد کمبودهای کلاس می‌رسیدند.

چگونه از بکنواختی فضای درس جلوگیری می‌کنید؟

خودم را به مجموعه‌ای مقررات خشک و کسل‌کننده مقید نمی‌کنم. گاهی با نمایش فیلمی غیردرسی با محتوای آموزشی، جو کلاس را تلطیف می‌کنم. گاهی برای تنوع بچه‌ها را به حیاط مدرسه می‌برم و کلاس را آنجا تشکیل می‌دهم. گاه ساعتی را به بحث آزاد اختصاص می‌دهم تا بچه‌ها بتوانند سؤالات خود را مطرح و احساساتشان را بیان کنند. در خلال این گفت‌وگوها تفکر شکل می‌گیرد. مثلاً در همین دوران آموزش از راه دور، انیمیشنی با محتوای آموزشی به اشتراک می‌گذاشتم تا بچه‌ها ببینند. چندی پیش هم مدیر مدرسه پیوندی (لینکی) در اختیارم گذاشت که با آن می‌توانستم بچه‌ها را به بازدیدهای مجازی ببرم. سعی می‌کنم شور و شوق بچه‌ها حفظ شود.

آموزش از راه دور را موفق می‌دانید؟

تعلیم و تربیت تنها آموزش نیست، بلکه پرورش هم هست و این در کلاس حضوری بهتر محقق می‌شود. آموزش از راه دور به‌تنهایی برای دانش‌آموزان ابتدایی کافی نیست. دانش‌آموزان ابتدایی نیاز دارند از نزدیک کلاس درس را لمس کنند. آن‌ها در کنار هم کلاسی‌هایشان روابط اجتماعی را یاد می‌گیرند. در آموزش مجازی معلم بر دانش‌آموزان و محیط کنترل کامل ندارد. به نظر من آموزش مجازی در کنار آموزش حضوری است که می‌تواند مفید باشد.

رو‌یابیش معلمی نبود. از همان کودکی رنگ‌ها را دوست داشتم و می‌خواست نقاش شود. سال‌ها گذشت و اتفاق یا سرنوشت او را به مسیر دیگری هدایت کرد. اکنون ۱۷ سال است معلمی می‌کند و به قول خودش عاشقی. حالا دیگر شغل رو‌یابی او معلمی است. ویدا نصیری مدرک فوق‌لیسانس رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت دارد. در شاهین‌دژ ساکن است و هر روز به میان‌دواب می‌رود تا رو‌یابیش را دنبال کند. هنوز رنگ‌ها را فراموش نکرده است. اکنون در و دیوار کلاس بوم نقاشی‌اش و رو‌یای کودکی او نیز وسیله‌ای برای تحقق اهداف آموزشی شده است. گفت‌وگوی مجله رشد معلم را با ایشان بخوانید.

اولین روز معلمی‌تان چگونه گذشت؟

اولین روز معلمی‌ام در مدرسه طوبی در منطقه انزل ارومیه بود. چهره تک‌تک دانش‌آموزان را با نگاه‌های معصوم و حتی نام آن‌ها به یاد دارم. با شوق و اشتیاق به من چشم دوخته بودند. من هم کمتر از آن‌ها مشتاق نبودم؛ هر چند بی‌تجربه بودم و اضطراب داشتم. از طرف دیگر، از شهر خود دور شده بودم و احساس غربی می‌کردم. ولی وقتی مقابل آن ۲۲ نفر ایستادم و چشم در چشمشان دوختم، انگار تمام دنیا را یکجا به من داده بودند.

چگونه توانستید از شغلی که رو‌یابیش را در سر نداشتید، شغلی رو‌یایی بسازید؟

وقتی به دلایل متعدد نتوانستم در رشته هنر تحصیل کنم، معلمی را انتخاب کردم. همان‌طور که گفتم، نگاه مشتاق بچه‌ها مرا مشتاق‌تر کرد و هر روز بیش از پیش به این شغل علاقه‌مند شدم. کم‌کم چیزی بیشتر از علاقه‌مندی در قلبم احساس کردم؛ عاشقی. چرا که تنها عاشق است که می‌تواند تمام ایرادهای معشوق را ببیند و باز هم عاشقی کند. خودم را عاشقی می‌دیدم که دور مشکلات می‌گردد تا از آن‌ها فرصتی بسازد.



در آموزش از راه دور آیا فرصت‌هایی برای تعامل حرفه‌ای و اجتماعی بین همکاران وجود دارد؟

بله. تعامل بین همکاران نسبت به قبل بیشتر شده است. معلمان به راحتی می‌توانند از فکر، اندیشه و تجربه‌های دیگر همکاران استفاده کنند، چون در این نوع ارتباطات دیگر مشکلات مسافت و زمان را نداریم و به راحتی می‌توانیم در مسائل و مشکلات با همکاران دور و نزدیک هم‌فکری کنیم.

شیوه شما برای برنامه‌ریزی کلاستان چیست؟

برای اینکه برنامه‌ریزی درست و مناسبی برای کلاس داشته باشم، باید شناخت درستی از دانش‌آموزان داشته باشم. چون این برنامه‌ریزی برای پیشرفت تحصیلی و تربیتی آن‌هاست و شناخت آن‌ها می‌تواند در تنظیم برنامه‌های مناسب و منسجم به من کمک کند. تفاوت‌های فردی را باید در نظر داشته باشم. محتوایی که در کلاس‌های روستایی ارائه می‌شود، نسبت به کلاس‌های شهری باید متفاوت باشد. این موضوع به خصوص در مورد مسائل پرورشی بیشتر اهمیت دارد. برای مثال، بچه‌های روستا با انتخابات شورای دانش‌آموزی آشنا نیستند. امسال تعرفه تهیه کردیم، میز گذاشتیم و رأی‌گیری کردیم. شاید در شهر این موضوع مهم نباشد، چون بچه‌ها بارها آن را دیده‌اند، اما برای بچه‌های روستایی، آشنایی با این مقوله لازم و مهم است. بنابراین، لازم است متناسب با نیازهای دانش‌آموزان برنامه‌ریزی شود و سعی کنیم این خلأها را پر کنیم.

گفتید به مسائل پرورشی هم به اندازه آموزش اهمیت می‌دهید. چگونه؟

سعی می‌کنم بچه‌ها را به سمتی هدایت کنم که غیر از یادگرفتن خواندن و نوشتن، انسان‌های بهتری باشند. نه اینکه بد باشند؛ نه آن‌ها معصوم و بی‌آلایش‌اند و فقط باید راه را نشانمان داد؛ نه با حرف زدن، که با عمل کردن. مثلاً به بچه‌ها نمی‌گویم بروید نماز بخوانید. خودم وضو می‌گیرم و می‌روم نماز می‌خوانم. وسط حرف بچه‌ها نمی‌پریم و به آن‌ها احترام می‌گذارم. اگر هم ناخودآگاه حرفشان را قطع کردم، از آن‌ها عذرخواهی می‌کنم. هر کسی که وارد شود، جلوی پایش بلند می‌شوم. وقتی به اردو می‌رویم، همراه بچه‌ها زباله‌ها را جمع می‌کنم. کلاس را مرتب و زیبا می‌کنم تا چشم بچه‌ها به زیبایی عادت کند. وقتی بچه‌ها در عمل این رفتارها را ببینند، بیشتر تأثیر می‌گیرند.

با مثالی زمانی را توصیف کنید که احساس کردید یک دانش‌آموز شما را به چالش کشیده است.

در کلاس‌هایم ساعتی را برای بحث آزاد و گفت‌وگو با دانش‌آموزان تعیین می‌کنم. در این جلسات سؤالات دانش‌آموزان چالش‌برانگیز است. ممکن است سؤالی بپرسند که من جوابش را ندانم و این مرا مضطرب نمی‌کند، چراکه بچه‌ها باید بدانند معلم همه‌چیز را نمی‌داند. ولی می‌تواند بگوید نمی‌دانم و برود تحقیق کند و جواب سؤالاتشان را پیدا کند.

حس اعتمادی که با پاسخ‌دادن به سؤالاتشان در چشمان آن‌ها می‌بینم، خیلی برایم ارزش دارد.

وقتی روز بدی داشته‌اید، با دانش‌آموزانی که شما را ناراحت می‌کنند چگونه رفتار می‌کنید؟

بیشتر سعی می‌کنم مشکلاتم را پشت در بگذارم. از طرف دیگر، به ندرت عصبانی می‌شوم. ولی معمولاً سعی می‌کنم مشکلم را با بچه‌ها در میان بگذارم. مثلاً من مشکل قلبی دارم و گاهی موقع بلند حرف زدن نفس کم می‌آورم. یک روز که بچه‌ها سر و صدا می‌کردند و صدا به صدا نمی‌رسید، مشکل را مطرح کردم. آن روز دیگر لازم نبود من تلاشی کنم. بچه‌ها به هم تذکر می‌دادند و همدیگر را ساکت می‌کردند تا مجبور نشوم بلند صحبت کنم. گاهی هم که مشکلی دارم، ابتدای کلاس می‌گویم بچه‌ها ببخشید که امروز مثل روزهای قبل نیستیم! به کمک شما احتیاج دارم تا فردا خوب و سرحال به کلاس برگردم. این ابراز صمیمیت خیلی روی بچه‌ها تأثیر مثبت دارد.

فکر می‌کنید در آموزش و پرورش چه زمینه‌هایی به بهبود نیاز دارند؟

تحول نیروی انسانی؛ تحول در فناوری؛ رسیدگی به وضع اقتصادی معلمان؛ بالابردن ارزش و مقام معلمان؛ بهداشتی کردن مدرسه‌های مناطق محروم؛ ایجاد فضای آموزشی با مدل‌ها و معیارهای منطقه‌ای و اقلیمی؛ مجهز کردن همه مراکز آموزشی به وسایل کمک‌آموزشی.

چه طرز فکری برای معلمی نیاز است؟

معلمی شغل ماست و طبیعی است به‌عنوان منبع درآمد به آن توجه کنیم، ولی اگر تنها انگیزه ما فقط درآمد باشد، عمر خود را تیه کرده‌ایم. پیش از آن، نگاه معلم باید این باشد که به‌خوبی و شایستگی فرزندان را که به او سپرده‌اند، بیرواند و آن‌ها را فرزندان خود و آینده این آب و خاک بداند. عاشقانه و با تمام توان برای آموزش و پرورش آن‌ها تلاش کند و در قلب خود واقف باشد که با تعلیم و تربیت هر دانش‌آموز، خانواده و ده‌ها فرد دیگری که در آینده با او در ارتباط خواهند بود، تأثیر می‌گیرند.

همزیستی بالنده با کرونا

■ دکتر عبدالعظیم کریمی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه تعلیم و تربیت

■ کرونا با هوشمندی خارق‌العاده‌ای که دارد، برای تغییر و اصلاح نگرش و بینش و منش و روش انسان‌ها از جای درستی آغاز کرده است و می‌داند که راه تغییر سبک زندگی این انسان تخریبگر و خطرزا از طریق آگاهی‌های ذهنی یا حضور در کارگاه‌ها و همایش‌های آموزشی و تربیتی نیست. زیرا تجربه نشان داده است، انسان‌ها با حفظ کلمات و انباشت نظریه‌ها و کسب مهارت‌ها تغییر نمی‌کنند، بلکه راه «دگرسان دیدن» و «دگرگون‌ساز شدن» سبک زندگی، همان راهی است که **توماس ساموئل کوهن** در کتاب ساختار انقلاب‌های علمی نشان داده است؛ یعنی تغییر بنیادین انگاره‌های بشر در انتخاب سبکی دیگر از زندگی خود.

در اینجا لازم است تعریف مشخصی از «سبک زندگی» ارائه کنیم تا با شناخت آن بتوان سازوکارهای تغییر و اصلاح و مدیریت آن را بر عهده گرفت. بی‌گمان سبک زندگی این روزها یکی از پربسامدترین واژگان و الفاظی است که در کتاب‌ها، اجلاس‌ها، مقالات، گفت‌وگوها، برنامه‌های صداوسیما، کلاس‌های دانشگاه، تحلیل‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی و ... مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما به نظر می‌رسد این مفهوم هنوز آن‌گونه که شایسته و بایسته است واکاوی نظر نشده و در حاله‌ای از ابهام به‌سر می‌برد؛ ابهامی که در عین

آزاردهنده بودنش، مانعی جدی بر سر راه رشد و گسترش مباحث نظری و عملی مرتبط با این موضوع و شکافی جدی در این حوزه پدید آورده است.

سبک زندگی در معنایی که امروزه استعمال می‌شود، مفهومی مدرن و جدید است که حتی تا سه - چهار دهه پیش در ادبیات روان‌شناسی و آثار اجتماعی استفاده چندانی نداشت. این مفهوم نیز چونان دیگر مفاهیم مدرن در ذیل عالم مدرن و گفتمان تجدد قابلیت طرح و پدیداری و عرضه یافته و در عالم ماقبل مدرن چندان بدین نحو قابلیت و امکان طرح نداشته است.

در اینجا ضروری است میان دو مفهوم «شیوه زندگی»^۱ و «سبک زندگی»^۲ تمایز قائل شویم. «سبک زندگی» نظام‌واره‌ای است که هندسه رفتار بیرونی افراد و جوامع و تمایزات آن‌ها را در حوزه‌های گوناگونی نظیر ارزش‌ها، نگرش‌ها، عادت‌ها و شیوه رفتار و الگوی مصرف، معاشرت و تفریح، مشخص می‌کند. این نظام تجسم هویت افراد و جوامعی است که در سطح کلان هم‌گرایی و واگرایی میان افراد و گروه‌ها را پدید می‌آورند. از این منظر «سبک زندگی» سه ساحت وجودی دارد:

۱. ساحت اندیشه و آگاهی؛
۲. ساحت انگیزه و عاطفه؛
۳. ساحت عمل و رفتار.

این سه لایه وجودی انسان با یکدیگر مرتبط و بر همدیگر اثرگذارند. از منظری کلی‌تر و جامع‌تر می‌توان گفت، سبک زندگی پدیده‌ای است چندلایه، چندجانبه و چندوجهی که در قالب تعریفی خطی و تک‌ساختی محدود نمی‌شود. یعنی فرایندی است زیستی، روانی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و اسطوره‌ای، که شکل‌گیری آن از رمزگشایی ژن‌ها و ناقل‌های نورولوژیک آغاز می‌شود و تا کارگشایی عوامل محیطی و اقلیم‌ها ادامه می‌یابد؛ از پیش از تولد تا پس از مرگ، از ناخودآگاه نوعی^۳ تا ناخودآگاه تحول فردی^۴، از عوامل مادی و فیزیکی تا عوامل معنوی و متافیزیک قابل گسترش و تعمیم و تعمیق است.

پس سبک زندگی انسان‌ها نه صرفاً از خاستگاه روان‌شناختی و نه از ساختار زیست‌شناختی و نه از پایگاه جامعه‌شناختی، بلکه افزون بر آن، از «ساخت اجتماعی» یا «روح حاکم بر زمان» نشئت می‌گیرد.

اکنون پرسش مهمی درباره مدیریت سبک زندگی در شرایط پساکرونا مطرح می‌شود که آیا سبک زندگی باید در مواجهه با شرایط، کشف و خلق شود یا از قبل وضع و کسب می‌شود؟ آیا سبک زندگی مبتنی بر برنامه‌ریزی است یا برنامه‌یابی؟ آیا سبک زندگی فرایندی است تکوین‌شونده یا فرآورده‌ای است تدوین‌شده؟

آیا سبک زندگی فرایندی هشیارانه است یا ناهشیارانه؟ آیا سبک زندگی بر ساخته زندگی است یا برخاسته از زندگی؟

کرونا زیرسازهای سازه‌های نگاه ما به جهان هستی را، نه در نوع اندیشیدن، بلکه در شیوه زیستن، دگرگون می‌کند.^۷

تنها راه تغییر انسان‌ها از طریق مواجهه با کرونا، تغییر سبک زیستن آن‌هاست. در پی آن، سبک اندیشیدن به‌طور ناخودآگاه رخ می‌دهد. به همین دلیل است که **میکل آنژ** پیش‌دستی عمل بر نظر را می‌ستاید، زیرا این عمل است که به شیوه بودن و سبک زندگی ما معنا و جهت می‌دهد.

کاری که کرونا با زندگی بشر می‌کند، همین تقدم تغییر سبک (شاکله) زندگی بر سبک اندیشگی اوست؛ یعنی او را در عمل ناگزیر به تغییر می‌کند.

کافی است نگاهی بسیار اجمالی به آنچه در این دو سال اخیر در شیوه زیست ساکنان میلیاردری سیاره زمین رخ داده است، داشته باشیم و اذعان کنیم یک‌صدم این تغییرات نیازمند صدها سال آموزش، ترویج و تبلیغ است، اما با ظهور کرونا، در کوتاه‌ترین زمان ممکن، عمیق‌ترین تغییرات ناممکن رخ داده‌اند.

برخی به صراحت اعلام می‌کنند که در عبور از شرایط کرونایی، جامعه‌ای تحول‌خواه خواهیم داشت. دست‌کم در تجربه معاصر خود یک ذخیره معرفتی تاریخی داریم که به ما می‌گوید: همیشه با سختی‌ها و دشواری‌ها دگرگونی‌های مهمی ایجاد خواهند شد. برای نمونه، بعد از قحطی ۱۲۵۰ شمسی که بسیار وحشتناک بود و گفته‌شده تا یک و نیم میلیون ایرانی از دست رفتند، جنبش آموزشی نوین را داشتیم؛ اصلاحات مالی، اقتصادی، گمرکی و حقوقی و قانونمند کردن کشور در دوره امین‌الدوله را داشتیم. انجمن غیردولتی معارف را داشتیم. این نشان‌دهنده پویایی و میلی است که در ایران برای رهایی وجود دارد؛ خواستنی نیرومند برای دگرگونی و توسعه در بخش‌های بزرگی از گروه‌های اجتماعی پیشرو ایرانی ذخیره شده است که فرصتی برای آزادشدن طلب و تمنا می‌کند.^۸ باشد که در پی این ضربه‌های دردناک در جهان پساکرونایی «جان‌آگاهی»، «جهان‌آگاهی»، «مرگ‌آگاهی» و «دیگرآگاهی» را از نو کشف کنیم تا انسانیت ما در تعامل با این ساحت‌های گم‌شده انسانی، از نو زنده شود!

پی‌نوشت‌ها

1. Way of life
2. Life style
3. phylogeny
4. Ontogeny Recapitulates
۵. یوهان پستالوزی (۱۸۲۷-۱۷۴۶) مربی علوم پرورشی و از طرفداران و پیشگامان نظام‌های تربیتی فعال بود.
۶. به نقل از مقاله نگاهی به فلسفه و اندیشه‌های هانا آرنست <http://www.namotanahi.blogfa.com/post-25.aspx>
7. Action follows being. Don't try to change your action- try to find out your being, and action will follow. The action is secondary; being is primary.
۸. مقصود فراست‌خواه، حسن محدثی و سعید مدنی. ایران فردا. شهریور ۵۸. فروردین و اردیبهشت ۹۹. ۲۳-۱۴.

خودکارآمدند؟

نگاهی به خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان در زمان آموزش مجازی و حضوری

مهکامه حسینی ■ فاطمه سلیمانی نعمتی ■

مدرس دانشگاه فرهنگیان، دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی

یکی از موضوعات مهم در پژوهش‌های علوم تربیتی، موفقیت و کارآمدی تحصیلی است، زیرا علاوه بر آنکه می‌تواند به‌عنوان معیاری برای سازه‌سازی فراگیر با محیط آموزشی و موفقیت در آینده در نظر گرفته شود، بیانگر موفقیت نظام آموزشی در زمینه هدف‌یابی و توجه به رفع نیازهای فردی نیز هست [۱].

با توجه به اهمیت شغل معلمی و تأثیر موفقیت تحصیلی دانشجومعلم در عملکرد آنان در جایگاه معلمی، بسیار مهم است که عوامل مؤثر بر کارآمدی تحصیلی دانشجویان شناسایی و کنترل شوند. خودکارآمدی تحصیلی بخشی از باورهای خودکارآمدی عمومی است که بر نظریه باورهای خودکارآمدی بندورا مبتنی است؛ باورهای خودکارآمدی تحصیلی به‌عنوان قابلیت درک فرد در انجام وظایف لازم برای رسیدن به اهداف تحصیلی تعریف شده است [۲].

با شیوع ویروس کرونا، آموزش حضوری دانشجویان کاملاً به‌صورت مجازی تبدیل شد که چالش‌هایی را در زمینه آموزش عالی در پی داشت. آموزش مجازی نوعی فناوری آموزشی است و بر محور ارزش‌هایی نظیر فردمحور بودن، یادگیری مستقل،



خودراهبر و فعال مبتنی است [۳]. استفاده از اینترنت، قابلیت‌های اجتماعی و روزآمد بودن را در دانشجویان ارتقا می‌دهد [۴].

لذا با توجه به تأثیرات مذکور و متنوع آموزش مجازی بر وضعیت تحصیلی دانشجویان، چالش‌ها و کاستی‌های موجود، همچنین نواقص امکانات و بستر الکترونیک و از طرف دیگر اهمیت خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان سبب شد در تحقیقی به مقایسه خودکارآمدی تحصیلی آنان در دوره آموزش کاملاً مجازی با دوره آموزش کاملاً حضوری پرداخته شود. زیرا آموزش مجازی تجربه‌ای است جدید که ضمن قابلیت‌های تقویت‌کنندگی خودکارآمدی تحصیلی، ویژگی‌هایی دارد که به خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان آسیب می‌رساند.

تحقیق مذکور مطالعه‌ای توصیفی-تحلیلی و پیمایشی است. این مطالعه در سال ۱۴۰۰ با هدف مقایسه خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان در دوران کرونا و قبل از آن، همچنین ارائه بهترین راهکارها برای داشتن خودکارآمدی تحصیلی بالا در دانشجویان ورودی ۹۷ دانشگاه فرهنگیان و پردیس نسبیته تهران انجام شد. علت انتخاب دانشجویان ورودی ۹۷ این است که دانشجویان ورودی ۹۷، هم آموزش حضوری و هم آموزش مجازی را تجربه کرده‌اند. به‌منظور سنجش باورهای خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان، از پرسش‌نامه استاندارد خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان اون و فرامن استفاده شده است. این آزمون سؤالاتی دارد که از خیلی کم تا خیلی زیاد در مقیاس لیکرت با نمرات ۱ تا ۵ امتیازدهی می‌شوند و مواردی همچون یادداشت‌برداری دانشجویان، سؤال پرسیدن، توجه در کلاس، استفاده از رایانه و غیره را می‌سنجد. مجموع نمرات حاصل از همه سؤالات این آزمون، میزان خودکارآمدی تحصیلی را در دانشجویان نشان می‌دهد. به‌منظور مقایسه خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان در دوران آموزش مجازی با حضوری، هر سؤال در دو بخش از دانشجویان پرسیده شد: یکی در مورد دوران آموزش حضوری و یکی در مورد آموزش مجازی. پرسش‌نامه به‌صورت مجازی تهیه و نشانی آن در گروه‌های مربوط به دانشجویان ورودی ۹۷ پردیس نسبیته توزیع شد و از دانشجویان خواسته شد صادقانه پاسخ‌دهند.

اطلاعات به‌دست‌آمده نشانگر آن هستند که خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان در حد متوسط قرار دارد، اما خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان در دوره حضوری بالاتر از دوره آموزش مجازی است.

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش، آموزش مجازی و حضوری مکمل یکدیگرند و هر کدام از آن‌ها نواقصی دارند که دیگری آن را کامل می‌کند. بنابراین، برای داشتن خودکارآمدی تحصیلی بالا در اکثریت دانشجویان، باید به هر دو نوع آموزش توجه شود. در جدول روبه‌رو مواردی که در هر یک از انواع آموزش مجازی و حضوری کارآمدی بیشتری دارد، نشان داده شده است.

آموزش مجازی	آموزش حضوری	مورد (گزینه)
کمتر	بیشتر	یادداشت‌برداری هنگام سخنرانی استاد
کمتر	بیشتر	شرکت در بحث‌های کلاسی
برابر	برابر	پاسخ به یک سؤال سخت
برابر	برابر	پاسخ به یک سؤال آسان
بیشتر	کمتر	داشتن آزمون‌های چهارگزینه‌ای
کمتر	بیشتر	داشتن آزمون‌های تشریحی
برابر	برابر	انجام تحقیق
کمتر	بیشتر	گوش‌دادن به موضوعات مشکل در حین سخنرانی استاد
کمتر	بیشتر	توضیح یک مفهوم برای دانشجوی دیگر
کمتر	بیشتر	درخواست از استاد برای توضیح مبحثی که نفهمیده‌اند
بیشتر	کمتر	سطح نمرات درسی دانشجویان
کمتر	بیشتر	تسلط دانشجویان بر مطالب
کمتر	بیشتر	شرکت در انجمن دانشجویی
کمتر	بیشتر	شرکت در فعالیت‌های فوق‌برنامه
برابر	برابر	جلب احترام استادان
بیشتر	کمتر	شرکت منظم در کلاس درس
بیشتر	کمتر	شرکت منظم در کلاسی که کسل‌کننده است
بیشتر	کمتر	ایجاد این تفکر در استاد که توجه لازم را در کلاس دارند
برابر	برابر	درک مفاهیم مشکل کتاب
برابر	برابر	فهمیدن مطالب درسی
کمتر	بیشتر	انجام محاسبات ریاضی
بیشتر	کمتر	آشنایی با فضای مجازی و کار با رایانه
کمتر	بیشتر	تسلط یافتن بر بیشتر مطالب مربوط به درس محاسباتی
بیشتر	کمتر	صحبت خصوصی با استاد، به‌منظور آشنا شدن با او
برابر	برابر	ارتباط دادن مطالب درس‌های مرتبط با هم
کمتر	بیشتر	به چالش کشیدن عقیده استاد در کلاس درس
کمتر	بیشتر	استفاده مفید از کتابخانه
بیشتر	کمتر	مطالعه مداوم و باطمینان به جای یادگرفتن باشتاب
کمتر	بیشتر	تسلط بر مطالب مربوط به درسی که علاقه ندارند

میزان کارآمدی هریک از آموزش‌های حضوری و مجازی در بخش‌های گوناگون

طبق نمرات به‌دست‌آمده، آموزش حضوری خودکارآمدی تحصیلی بالاتر از آموزش مجازی است، اما در هر دو حالت خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان در حد متوسط است. با مطالعه این جدول می‌توان نتیجه گرفت، برای بالا بردن میزان خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان، بهتر است از آموزش ترکیبی استفاده کرد تا نقص‌ها و کمبودهای آموزش حضوری با استفاده از آموزش مجازی برطرف شود. به‌عنوان مثال، در آموزش‌های حضوری استفاده از فضای مجازی و رایانه افزایش یابد، فرصت بیشتری برای تعامل با استادان به دانشجویان داده شود، درس‌های کسل‌کننده را به‌صورت مجازی برگزار کرد، تمامی کلاس‌های یک درس حضوری نباشند تا دانشجویان منظم‌تر در کلاس حضور یابند. در امتحانات از آزمون‌های چهارگزینه‌ای بیشتر استفاده شود. مطابق تحقیق کیان در سال ۱۳۹۳ تعامل دانشجویان و استادان در آموزش مجازی بیشتر است [۳]. زراعتی و همکاران نیز در سال ۱۳۹۴ به مقایسه تأثیر دو روش آموزش سخنرانی و آموزش مبتنی بر شبکه بر ارتقای عملکرد تحصیلی دانشجویان پرداختند. آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که آموزش مجازی از نظر دستیابی به اهداف آموزشی، محتوا، شیوه، توالی و نوع مطلب و آزمون مطلوب است؛ ضمن آنکه دو روش آموزش مجازی و سنتی بر میزان یادگیری دانشجویان تأثیر یکسانی داشته است [۵]. در پژوهش استیونز و همکاران در سال ۲۰۲۱ که پس از تغییر سریع آموزش حضوری به برخط صورت گرفت، مشخص شد برخلاف تحقیقات پیشین که از تفاوت معنی‌داری بین موفقیت تحصیلی در آموزش حضوری و مجازی پشتیبانی نمی‌کرد، آموزش برخط با نتایج یادگیری و نمرات بالاتر مرتبط است [۶] و این موضوع با نتیجه پژوهش حاضر هم‌سوست.

نتیجه‌گیری

هر کدام از آموزش‌های حضوری و مجازی مزایایی دارند. برای کسب خودکارآمدی تحصیلی بالا که به موفقیت تحصیلی دانشجویان منجر می‌شود، باید از آموزش ترکیبی استفاده کرد و با خلاقیت و ایجاد روش‌های جذاب تعاملی، نقص‌های مشخص‌شده در جدول را برای آموزش مجازی برطرف کرد تا بدین‌وسیله دانشجویان از خودکارآمدی بهینه و مطلوب برخوردار شوند.

برخلاف تحقیقات پیشین که از تفاوت معنی‌داری بین موفقیت تحصیلی در آموزش حضوری و مجازی پشتیبانی نمی‌کرد، آموزش برخط با نتایج یادگیری و نمرات بالاتر مرتبط است و این موضوع با نتیجه پژوهش حاضر هم‌سوست.

منابع

۱. رحیمی، فاطمه؛ سیدمیرنسب، هنگامه؛ علمدار، الهه؛ کمالی، کوروش و خوشه مهری، گیتی (۱۳۹۶). ارتباط خودکارآمدی با موفقیت تحصیلی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران. نشریه پژوهش پرستاری ایران. خرداد و تیر ۱۳۹۷. دوره ۱۳. شماره ۲.
 ۲. سعادت، سجاده؛ اصغری، فرهاد و جزایری، رضوان (۱۳۹۴). «رابطه خودکارآمدی تحصیلی با استرس ادراک‌شده. راهبردهای مقابله‌ای و حمایت‌های اجتماعی ادراک‌شده در دانشجویان گیلان». مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی. دوره ۱۵. شماره ۱۲.
 ۳. کیان، مریم (۱۳۹۳). چالش‌های آموزش مجازی: روایت آنچه در دانشگاه مجازی آموخته نمی‌شود. مجله دانشگاهی یادگیری الکترونیکی. دوره ۵. شماره ۳.
 ۴. گل محمد نژاد بهرامی، غلامرضا (۱۳۹۴). نقش استفاده از اینترنت بر خودکارآمدی، انگیزش تحصیلی و پیشرفت تحصیلی. دانشگاه علوم پزشکی تبریز. نشریه راهبردهای آموزش در علوم پزشکی. آبان ۱۳۹۴. دوره ۸. شماره ۴.
 ۵. زراعتی، محسن؛ زکی پور، مهدی و آقابراریان، نبی‌الله (۱۳۹۴). مقایسه تأثیر دو شیوه آموزش سخنرانی و مبتنی بر شبکه بر ارتقای عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشجویان علوم پزشکی مازندران. نشریه راهبردهای آموزش در علوم پزشکی. دوره ۸. شماره ۴.
6. Stevens, G., Bienz, Tobais, Wali, Nidhi, Condie, Jenna & Schismenos, Spyros (2021), "Online University Education Is The New Normal; But Is Face To Face Better." Interactive Technology And Smart Education, Id; Covidwho-1349860.

مفهوم موقعیت

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش



پدیدآور: دکتر منیره رضایی
 نشر: تهران: پارسیار
 نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۷

کتاب «مفهوم موقعیت در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، تبیینی از مفهوم پرکاربرد واژه موقعیت است که همچون برخی مفاهیم کلیدی دیگر، در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و مبانی نظری آن، بارها استفاده شده است. ضرورت تعریف عملیاتی این مفهوم که در اسناد فوق‌الذکر به صورت نظری تعریف شده است، با هدف ایجاد فهمی مشترک بین افراد درگیر در اجرای سند تحول بنیادین، انگیزه تدوین این کتاب بوده است. کتاب «مفهوم موقعیت در سند تحول بنیادین» که شورای عالی آموزش و پرورش آن را منتشر کرده است، مشتمل بر شش فصل است: فصل نخست به ضرورت تبیین مفاهیم اساسی اسناد تحولی آموزش و پرورش می‌پردازد. پس از تصویب سند تحول بنیادین و ابلاغ آن به وزارت آموزش و پرورش، اجرایی کردن آن در دستور کار قرار گرفت. مقدم بر هر گام اجرایی، لازم بود مفاهیم اساسی و واژگان کلیدی در سطحی متناسب با سطوح میانی و اجرایی تبیین شوند و دلالت‌هایی که به سطح عمل و اجرا

نزدیک‌تر باشند، از مفهوم تبیین‌شده استخراج شوند. هر چند به‌صورت نظری مجموعه‌ای از مفاهیم کلیدی در مبانی نظری سند تحول بنیادین تعریف شده‌اند، اما به دلیل ماهیت پیچیده و چندوجهی مفاهیم اساسی سند تحول بنیادین، تعریف عملیاتی این مفاهیم و از جمله مفهوم موقعیت در سطوح میانی و خرد برای ایجاد ادراک مشترک در افراد درگیر در اجرای سند تحول بنیادین، اجتناب‌ناپذیر و ضروری بود.

فصل دوم کتاب حاوی موارد کاربرد واژه موقعیت در اسناد تحولی آموزش و پرورش است. در این فصل، گزاره‌های حاوی واژه موقعیت در اسناد تحولی، یعنی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، سند برنامه درسی ملی، مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، و گزارش پژوهش فلسفی پشتیبان مبانی نظری تحول بنیادین ارائه شده‌اند. عرضه این عبارات، همراه با ذکر صفحه منبع مربوط، مراجعه مستقیم و بلادرنگ به آن‌ها را تسهیل و امکان بررسی و تحلیل بیشتر را فراهم می‌کند.

در فصل سوم، گزاره‌های مفهوم موقعیت در اسناد مورد مطالعه که در فصل قبل عیناً و به‌طور مفصل ارائه شده بود، تلخیص و به لحاظ موضوعی دسته‌بندی شده‌اند. این باهم‌نگری، ارائه تحلیلی پیرامون موضوعات دسته‌بندی شده را امکان‌پذیر ساخته است.

در فصل چهارم، براساس گزاره‌ها و عبارتهایی از اسناد تحولی پیرامون واژه موقعیت، پرسش‌هایی برای تحلیل و بررسی تک‌تک واژه‌ها، اصطلاحات و مفاهیم آشکار و ضمنی که در تعریف موقعیت (مذکور در صفحه ۱۳۵ مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران) وجود دارد، مطرح شده و براساس اطلاعات گردآوری شده و نیز داده‌های مستخرج از اسناد تحولی، به آن‌ها پاسخ داده شده است. پرسش‌های مطرح‌شده در این فصل، حاوی مضمون‌هایی به این شرح هستند: معنای لغوی واژه موقعیت؛ مقصود از قابل درک بودن موقعیت؛ منظور از قابل تغییر بودن موقعیت، پیش‌بینی یا ساختنی بودن موقعیت؛ ماهیت فردی یا جمعی موقعیت؛ ویژگی‌های تعامل شکل‌گرفته در موقعیت؛ نقش فرد در درک و اصلاح موقعیت؛ رابطه و نسبت‌های فرد در موقعیت؛ ماهیت موقعیت به لحاظ معرفت‌شناختی و منظور از درک درست موقعیت؛ منظور از اصلاح، تغییر و بهسازی موقعیت؛ عناصر و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده موقعیت؛ چستی ملاک مدنظر در شناخت و اصلاح موقعیت؛ شایستگی‌های مورد نیاز برای درک و تغییر موقعیت؛ مواجهه با یک موقعیت یا موقعیت‌های متعدد؛ فراموقعیت و نسبت آن با موقعیت؛ چرایی رفتارهای متفاوت افراد مختلف در موقعیتی واحد؛ نسبت موقعیت با هویت؛ نسبت موقعیت با تربیت.

در فصل پنجم، پس از مرور و بازخوانی واژه موقعیت در اسناد تحولی و تحلیل یافته‌ها در قالب پرسش‌های مطرح‌شده در فصل چهارم، به‌صورت ویژه و تفصیلی به تبیین مفهوم موقعیت پرداخته شده است. بر این اساس آشکار می‌شود در تبیین مفهوم موقعیت، سه مؤلفه اصلی وجود دارد که عبارت‌اند از:

الف) خود موقعیت به‌عنوان ترکیبی از عناصر و اجزایی که آن را تشکیل می‌دهند؛

ب) فرد (یادگیرنده) که در محور این مجموعه مرکب و در کانون آن قرار دارد و شناسنده و تغییردهنده موقعیت است؛

ج) خداوند که فراتر از همه موقعیت‌ها و محیط بر همه آن‌هاست.

در پایان این فصل و براساس تبیین به‌عمل‌آمده از این مفهوم، واژه موقعیت به این ترتیب بازتعریف شده است: موقعیت، وضعیت‌های متنوع و متعدد اخلاقی، اقتصادی، معنوی، هنری، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... است که فرد همواره - در هر برشی از زمان و مکان - در یکی از آن‌ها قرار می‌گیرد یا خود آن را خلق می‌کند و می‌آفریند. در هر یک از این وضعیت‌ها، خود فرد، طبیعت مادی و غیرمادی، جامعه و آنچه توسط جامعه و برای جامعه وضع شده است، در محضر خداوندی که فراتر از همه وضعیت‌هاست، حضور و تعامل دارند. این وضعیت‌ها قابل شناخت و نیز قابل تغییرند و فرد، با اتکا و بهره‌گیری از آگاهی و اختیار خود، می‌تواند این وضعیت‌ها را بشناسد، تحلیل کند و در جهت مثبت یا منفی تغییر دهد.

در فصل ششم، دلالت‌های مفهوم تبیین‌شده موقعیت برای هر یک از مؤلفه‌های اساسی آموزش و پرورش توضیح داده شده‌اند. مؤلفه‌هایی که دلالت‌های مفهوم تبیین‌شده موقعیت به‌طور مبسوط برای آن‌ها بیان شده، عبارت‌اند از: اهداف، مدرسه، برنامه درسی، روش تدریس، نقش معلم، نقش یادگیرنده، و رابطه معلم و شاگرد در فرایند یاددهی-یادگیری.



قاسم صحرائی - استان اردبیل
یازدهمین جشنواره عکس رشد



مرتضی رفیع خواه - استان گیلان
یازدهمین جشنواره عکس رشد



مهدی عقیقی - استان خراسان رضوی
یازدهمین جشنواره عکس رشد

نگاه دوربین در جشنواره عکس رشد



خودآگاهی

همدلی

تصمیم‌گیری

روابط
بین فردی

مدیریت
استرس

ارتباط موثر

حل مسئله

تفکر
انتقادی

مدیریت
هیجان

تفکر خلاق

مهارت‌های زندگی